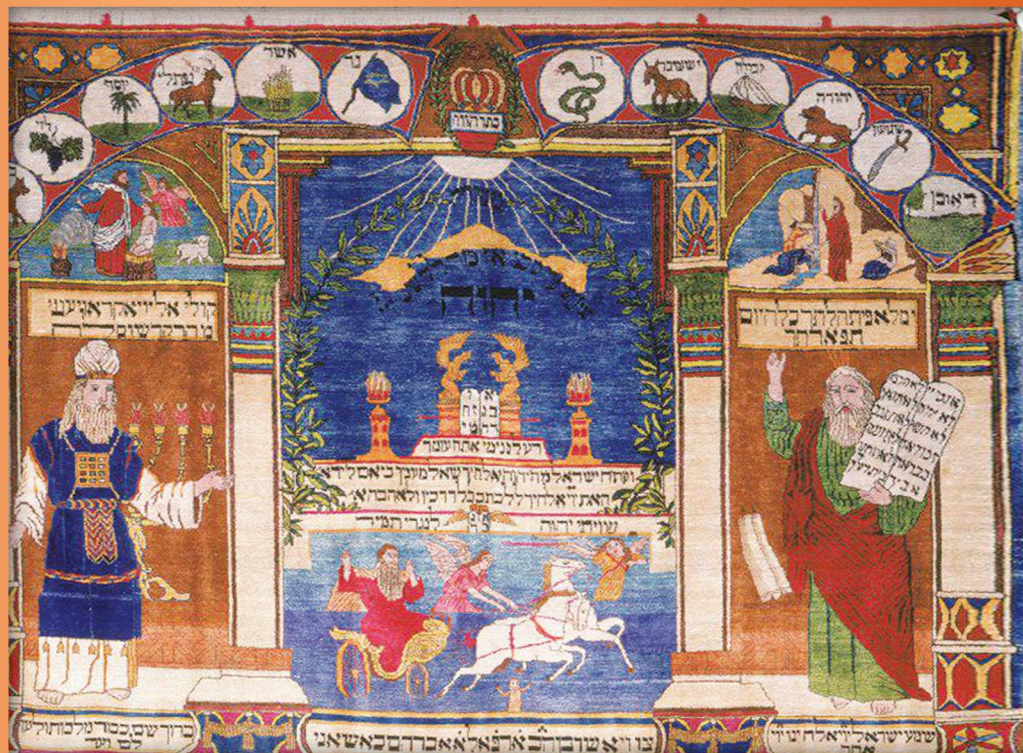




- ✿ دوران موعود از دیدگاه یهودیت
- ✿ گفت‌وگو با دکتر سعید زارع
- ✿ ماه پشت ابر نمی‌ماند

- ✿ دیداری با حجت الاسلام یونسی
- ✿ گشت و گذاری در عودلاجان
- ✿ انگور، میوه ی بهشتی



↑ دو نمونه از فرشهای ایرانی در موزه یهودیان نیویورک ↑



↑ نقش حضرت موسی در فرشهای ایرانی ↓



اُفتِن

אָפֿק
בִּינָה

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال نوزدهم - شماره ۴۵

تابستان ۱۳۹۶ شمسی

تیشری 5778 عبری

سپتامبر 2017 میلادی

صاحب امتیاز: انجمن کلیمیان تهران

مدیر مسئول: دکتر همایون سامه‌یح

سر‌دبیر: فرانک عراقی

مدیر اجرایی: نسترن جاذب

همکاران این شماره به ترتیب حروف الفبا:

آرش آبابی - شرگان انورزاده - ژان پایاب - نیوشا پایاب - نسترن جاذب
تینا ربیع‌زاده - رحمن دلرحیم - لیورا سعید - امید شایان‌مهر
مردخای امین شموئلیان - فرانک عراقی - فرزاد طویلیان - رامین لاله‌پور
فرینوش لازار - امید محبتی مقدم - مهران ملک - دوریتا معلمی
بهادر میکائیل - الهام مؤدب - امیرفراز نعیموت - بهزاد نصیرزاده
مرجان یشایایی و مژده یمینیان .

ویراستاران: آرش آبابی - فرانک عراقی

حروف‌چینی و صفحه‌آرایی: نسترن جاذب

طراحی جلد: مردخای امین شموئلیان

تایپ متون عبری: یورام هارونیان

امور چاپ: بهزاد نصیرزاده

نشانی نشریه: تهران - خیابان شیخ‌هادی - شماره ۲۲۳ - طبقه سوم

کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷

تلفن: ۶۶۷۰۲۵۵۶ - ۶۶۷۱۶۴۲۹ - نمابر

نشانی الکترونیکی: bina126@iranjewish.com

پایگاه اینترنتی: www.iranjewish.com

◆ نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است .

◆ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده بلامانع است .

● سر‌مقاله / دکتر همایون سامه‌یح / ۳

● مذهبی

● دوران موعود از دیدگاه یهودیت / حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار / ۴

● عدالت و برکت در احکام تورات / رحمن دلرحیم / ۱۱

● ایوب ، نماد استقامت / دکتر بهروز حق‌نظری / ۱۵

● گزارش و مصاحبه

● مصاحبه با دکتر سعید زارع / فرانک عراقی / ۱۸

● گزارش نمایشگاه کتاب / بهادر میکائیل / ۲۵

● گزارش ستاد برگزاری ارتحال امام (ره) / بیژن آصف / ۲۸

● گزارش یک سفر / مرجان یشایایی / ۲۹

● مصاحبه با رامین کهن / آزاده بن‌ذکریایی / ۳۷

● فرهنگی

● ماه پشت ابر نمی‌ماند / آرش آبابی / ۴۱

● گشت و گذاری در عودلاجان / فرانک عراقی / ۴۷

● یهودیان روسیه (بخش پایانی) / دکتر ژان پایاب / ۵۰

● گذری بر تاریخچه کنیسه‌های تهران (کوروش) / مهران ملک / ۵۳

● حیات و اندیشه دینی / نسترن جاذب / ۵۷

● آشنایی با مشاهیر یهود جهان: ساموئل رهبر / نیوشا پایاب / ۶۰

● سفری به گیلیارد / فرزاد طویلیان / ۶۲

● ادب و هنر

● نقش حضرت موسی (ع) در فرش‌های ایرانی / افشین میرعبدالله لواسانی / ۶۴

● تولد دوباره نویسنده قربانی هولوکاست / اتوسا آرمین / ۶۹

● خورشید و ماه / شرگان انورزاده / ۷۱

● من بی‌شعورم / دوریتا معلمی / ۷۳

● می‌شود دوباره / المیرا سعید / ۷۶

● شعر / امیرفراز نعیموت / ۷۸

● اجتماعی ، روانشناسی

● ترس از تغییر / لیورا سعید / ۷۹

● تغذیه

● انگور ، میوه بهشتی / مژده یمینیان / ۸۲

● حقوقی

● حقوق زنان / امیرفراز نعیموت / ۸۶

● اخبار و گزارشات

● اجرای شورانگیز گروه ترنم / فریدون طوبی / ۸۸

● اخبار / امید محبتی مقدم / ۸۹

چهل شب به درگاہت نماز خواندیم و استغاثہ کردیم تا تو دروازہ رحمت را بہ روی ما
بگشایی و از گناہان ما چشم پوشی کنی.
برای ما ہمین کہ تو هستی و ہوایمان را داری بس است.
بختمان را بہ خوبی رقم بزن و توبہ ما را بپذیر تا سربلند در دفتر زندگانت مہر شویم.

روش ہشانا، آغاز سال نو ۵۷۷۸ عبری،
روزہ کیپور و عید سوکا (سایان ہا)
یاد آور سایبان الطاف خداوندی،
بر تمامی ہم کیشان عزیز شاد و فرخندہ باد.

تحریریرہ نشریرہ بینا

שנה טובה
חג שמח



کلمه سرمقاله

شایعه پراکنی و کوچک‌نمایی عملکرد مسئولان

دکتر همایون سامعی

رئیس انجمن کلیمیان تهران

متأسفانه یکی از معضلاتی که کشورمان با آن دست به‌گریبان شده است، روش‌های غیرمنصفانه‌ای است که اغلب گروه‌های سیاسی و در پی آن گروه‌های اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته‌اند، که توسط آن رقیب را از میدان به در کرده و خود بتوانند به نحوی امور را به دست بگیرند. این روش‌ها ساده‌ترین و کم‌زحمت‌ترین و در عین حال مخرب‌ترین راه برای پیشبرد اهداف است. چرا که هدف نه‌تعالی جامعه بلکه به دست آوردن قدرت بوده، بدون آن که بدانند در آخر چه بر سر جامعه می‌آید و آینده جامعه به کجا خواهد رسید.

در رفتار این گروه‌ها، شعار «هدف وسیله را توجیه می‌کند» کاملاً مشهود است. چرا که بدون در نظر گرفتن سرانجام کار، تن به هر عمل غیراخلاقی و حتی انتحاری می‌دهند تا رقیب به زانو درآمده و در نهایت تسلیم شود و غافل از این که چنین افرادی حتی اگر بر مسند امور قرار گیرند، قدرت اجرایی و کارآمدی لازم را ندارند، چرا که ویژگی رفتاری آنان تخریب‌گری است.

در زمان حال ایجاد شایعه و شایعه‌پراکنی بسیار ساده شده و وجود فضای مجازی این عمل را بسیار سهل و آسان کرده است. گروه‌هایی در مورد تعدادی از بانک‌ها شایعاتی را بر سر زبان‌ها انداختند، که فلان بانک و مجموعه در حال ورشکستگی است و سپس مردم را ترغیب به خالی کردن حساب‌های خود نمودند، در حالی که ممکن بود قضیه همین شایعه ساده منجر به ورشکستگی بانک شود.

یکی دیگر از راه‌های ضربه زدن به حریف کوچک‌نمایی عملکرد او و حتی بهترین روش به نوعی هدف قرار دادن فعالیت‌هایی است که حریف بسیار در آن موفق بوده و به نوعی نقطه قوت عملکرد و افتخار خود و گروه همفکرانش است. لذا افراد مذکور بر این امر واقفند که با تراشیدن بهانه‌های واهی سعی در تخریب و تحقیر عملکرد وی می‌شوند. انتقاد، امری ضروری است ولی نه تخریب، چرا که یکی از اهداف این جریان عیب‌جویی نابجا و نابه‌حق که بکارگیری هر روش نادرستی صورت می‌پذیرد، دلسردی در مسئولان و نتیجه آن کنار کشیدن آنان در فضای رقابت است، افراد از عواقب کار آگاه نیستند (یا نمی‌خواهند باشند).

ایجاد دلسردی در مسئولان موجب بروز دلسردی در فضای جامعه و نهایتاً رکود تمام زیرمجموعه‌ها خواهد شد و ممکن است برطرف کردن این رکود چندین سال به درازا بکشد.

از زاویه‌ای دیگر روش غیرمنصفانه دیگر سنگ‌اندازی و به عبارتی دیگر روش چوب لای چرخ گذاشتن در کارها و فعالیت‌های مسئولین در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و در این روش با اشکال‌تراشی‌های نابه‌جا و بزرگ‌نمایی مسائل کم‌اهمیت در روند پیشرفت کار موانع بسیاری ایجاد می‌کنند که این امر موجب هدر رفتن درصد بالایی از انرژی مجری برای گذشتن آنها از سدهای ایجاد شده می‌گردد.

هدف تمامی این اعمال، ایجاد دلسردی مسئولان در پیمودن راه است و در نهایت کناره‌گیری آنان. ولی آن چه باید در نظر گرفت این است که مظلوم‌نمایی و تخریب دیگران هر چند با شعارهای زیبا در برابر آگاهی و دقت نظر مردم بی‌اثر می‌شود. متأسفانه جامعه ما نیز از چنین گزندی مصون نمانده است ولی آیا باید دلسرد شد؟ خیر چرا که در طول تاریخ پر فراز و نشیب معاصر یهود در ایران همیشه افرادی با به‌کارگیری روش‌های تخریب، سعی در رسیدن به پست و مقام و یا کسب قدرت بوده‌اند، ولی همواره جامعه یهود ایران نشان داده است که از مسئولین اجتماعی توانمند و فعال و مسئولیت‌پذیر واقعی خود حمایت کرده و پشتیبان آنها می‌باشد. ■



دوران موعود از دیدگاه یهودیت

مافاه دکتر یونس ممامی لاله‌زار

مدرس علوم دینی یهود و رهبر دینی کلیمیان ایران

این مقاله در سیزدهمین همایش بین‌المللی دکترین یهودیت
در اردیبهشت ۹۶ در مدرسه عالی امام موسی کاظم قم ارائه شد.

روز قیامت و شروع جهان آخرت خاتمه می‌یابد. در تلمود و تفاسیر یهود نظرات متفاوتی برای طول این دوران عنوان شده است.

رَبی الِیَعِزْرِ گفت: دوران ماشیح چهل سال طول خواهد کشید، ربی الِعازارِ بنِ عَزْرِیا گفت: هفتاد سال، ربی یهودا هُناسی گفت: چهل سال به اندازه مدتی که بنی‌اسرائیل در بیابان به سر بردند یا چهار صد سال به مدت غربت بنی‌اسرائیل در سرزمین مصر.

رَبی الِیَعِزْرِ پسر ربی یُوسِه گفت: یک صد سال
رَبی بَرخِیا از قول ربی دُوسا گفت: شش صد سال
رَبی الِیَعِزْرِ پسر هُور قانوس گفت: یک هزار سال
رَبی اَباهو گفت: هزار سال و دانشمندان دیگر
گفتند: دو هزار سال (میدارش تَنحوما پاراشای عقو
بند ۷). در مکتب الیاهو گفته شد: عمر انسان بر این
دنیا شش هزار سال معین شده است. دو هزار سال
اول آن دوره آشفتگی بود. دو هزار سال دوم، دوران
حکومت شریعت الهی «از زمان حضرت ابراهیم
(ع)» بود و دو هزار سال آخر دوران مناسب برای
دوران ماشیح می‌باشد ولی به خاطر گناهان زیاد ما،

یکی از امیدوارکننده‌ترین بخش‌ها در ارتباط با بحث منجی موعود، گذر از دوران ظهور، ترس‌ها، نگرانی‌ها، آشوب‌ها و جنگ‌ها، امیدها و انتظارات و رسیدن به دوران استقرار موعود می‌باشد که در یهودیت به «عصر گئولا» با سوال‌های زیادی در این باره مطرح می‌گردد:

- در ایام منجی موعود «ماشیح» چه رخ خواهد داد؟
- زندگی انسان‌ها دچار چه تغییراتی می‌شود؟
- آیا زندگی حیوانات نیز دچار تغییر می‌شود؟
- آیا دستورات و احکام الهی تغییر می‌کند؟
- اختلاف بین حکومت‌ها، اقوام مختلف و ادیان چه خواهد شد؟

- آیا در آن دوران «مرگ» خواهد بود؟
- احیای مردگان و روز قیامت در چه دوره‌ای واقع می‌گردد؟

- این دوران چه مدت به طول خواهد انجامید؟

و ...

در این مقاله سعی می‌گردد به این گونه سؤالات بر مبنای کتاب مقدس یهود، تلمود و گفتار بزرگان دینی پاسخ داده شود.

الف) محدوده دوران نجات

دوران نجات یا عصر گئولا با استقرار و تثبیت ماشیح و آبادی معبد بیت‌المقدس (سوم) به عنوان اثبات‌کننده شخصیت ماشیح شروع و با رسیدن به

می فرماید: من (خداوند)، خانه مقدس خود را تا به ابد در میان آنها خواهم گذاشت. مکان سکنی من نزد آنها خواهد بود ... و ملت‌ها خواهند دانست که من، خدا هستم که (بنی) اسرائیل را تقدیس می‌نمایم هنگامی که خانه مقدس من برای همیشه در میان آنها خواهد بود.

در آخرالزمان کوه خانه خدا در رأس همه کوه‌ها و مرتفع‌تر از همه تپه‌ها آراسته خواهد بود و همه اقوام به سوی آن روان خواهند شد. (اشعیای نبی فصل ۲: ۲)

۲. گردهم آمدن یهودیان در سرزمین

مقدس

همه یهودیان پراکنده در اقصی نقاط جهان به وسیله ماشیح گردهم خواهند آمد. (برشیت ربا ۹۸: ۹) آیات بسیاری بر این امر تأکید دارد:

- خداوند خالق تو، اسیران تو را باز خواهد گردانید ... تو را از تمامی اقوامی که خداوند خالقت در آن جا پخش کرده، جمع‌آوری خواهد نمود. اگر پراکندگان تو در انتهای آسمان‌ها باشد خداوند خالقت از آن جا تو را جمع خواهد کرد و از آن جا خواهد گرفت. (سفر تثنیه فصل ۳۰: ۳-۴)

- واقع خواهد شد در آن روز که خداوند دگر بار دست خود را برای بازخرید باقیمانده ملتش بر خواهد افراشت ... پرچمی برای ملت‌ها علم کرده و پراکندگان اسرائیل را جمع‌آوری خواهد نمود. (اشعیای نبی فصل ۱۱: ۱۲-۱۱)

سال‌های بسیاری از دوران ماشیح سپری شده است^۱ (تلمود، رساله سنهدرین برگ ۹۷ الف).

در بین نظرات عنوان شده، این آخرین در بین علمای بعدی مقبول‌تر بوده است.

ب) رخدادهای دوران نجات

۱. بازسازی معبد بیت المقدس

در طی تاریخ دو نوبت معبد بیت المقدس در شهر اورشلیم ساخته شده است. معبد اول توسط حضرت داود(ع) و پسرش حضرت سلیمان نبی ساخته شد و توسط بخت‌النصر پادشاه بابل تخریب گردید. معبد دوم با اجازه کوروش کبیر بنا گردید و در سال ۶۸ میلادی توسط رومیان بت پرست به آتش کشیده و ویران شد.

بخش عمده‌ای از مراسم عبادی یهودیان و برقراری طهارت‌های خاص وابسته به آبادی معبد و تقدیم قربانی‌های متفاوت و اجرای مراسم در آن مکان مقدس می‌باشد.

در بین علائم لازم جهت تشخیص هویت ماشیح، تنها آبادسازی معبد بیت المقدس شرط کافی برای این امر می‌باشد. (کتاب ایام ماشیح صفحه ۱۰۴ - موسی بن میمون میشنه تورا، احکام پادشاهان فصل ۱۱ بند ۱).

این معبد که سومین معبد بیت المقدس خواهد بود برای همیشه پا برجا خواهد ماند. (زوهر بخش ۳ بند ۲۲۱) چنانچه حزقیال نبی (۲۸-۲۶: ۳۷)

^۱ - امسال سال ۵۷۷۸ عبری می‌باشد.

- تعلیم خود را در نهاد آنها خواهم گذاشت و بر قلبشان خواهم نوشت برای آنها به عنوان خدا بوده و ایشان، قوم من خواهند بود و دیگر کسی هموعش را تعلیم نداده و فردی، برادرش را (درس نخواهد داد) که خدا را بشناسید، زیرا همگی از کوچکترین تا بزرگترین آنها مرا خواهند شناخت (ارمیا نبی فصل ۳۱: ۳۳-۳۲).

- واقع خواهد شد پس از این (ظهور منجی) روح (نبوت) خود را بر تمامی نوع بشر جاری خواهم ساخت تا پسران و دختران شما نبوت نمایند ... و هم‌چنین در آن ایام بر غلامان و کنیزان روح (نبوت) خود را جاری خواهم ساخت (یُوئل نبی فصل ۲: ۱۴) - زیرا که زمین از شناخت و درک جلال خداوند پر خواهد گشت همانند آب‌هایی که دریاها را می‌پوشانند (حقوق نبی فصل ۲: ۱۴)

۴. پرستش و ستایش جهانی خداوند یکتا

به دنبال گسترش شناخت از خداوند، ماشیح تمامی جهانیان را به گونه‌ای هدایت و اصلاح می‌نماید که همگی خداند یکتا را یکپارچه و با اتحاد کامل پرستش خواهند کرد:

- در آخرالزمان واقع خواهد شد، کوه خانه خدا را در رأس همه کوه‌ها و بالاتر از همه تپه‌ها آراسته خواهد بود و همه ملت‌ها به سوی آن روان خواهند شد اقوام بسیاری به راه افتاده و می‌گویند، بیایید به کوه خدا و به خانه خالق یعقوب بالا رویم تا (ماشیح) از طریقت‌های او (خدا) به ما تعلیم دهد و

- خداوند می‌فرماید: بنابر این اینک روزهایی فرا می‌رسند که دیگر نخواهند گفت: جاوید است خداوند که بنی‌اسرائیل را از سرزمین مصر بیرون آورد بلکه (خواهند گفت): جاوید است خداوند که نسل خاندان اسرائیل را از سرزمین شمال و از تمام سرزمین‌هایی که در آن‌جا پراکنده کرده بود، گرفته و آورده است تا در سرزمین خود ساکن شوند. (ارمیا نبی فصل ۲۳: ۸-۷)

- اسیران قوم خود، اسرائیل را باز خواهم گردانید ... آنها را در سرزمینشان مستقر خواهم نمود و دیگر از سرزمینشان که به آنها دادم، ریشه‌کن نخواهند شد ... (عاموس نبی فصل ۹: ۱۵-۱۴) (شوحط ۱۹۹۲ م)

- در کتاب زوهر (بخش ۱: ۱۳۴) می‌فرماید: ابتدا معبد بیت‌المقدس آباد و محرابش آراسته می‌گردد سپس شهر اورشلیم آباد و در عاقبت بنی‌اسرائیل را از خاک مذلت برپا می‌دارد چنانچه در مزامیر داود (فصل ۱۴۷: ۲) می‌فرماید: خداوند، اورشلیم را بنا می‌سازد و پراکندگان اسرائیل را جمع‌آوری می‌نماید. (کتاب ایام ماشیح)

۳. گسترش همه جانبه درک و آگاهی واقعی از وجود خداوند

عصر گئولا، آگاهی و درک از وجود و ماهیت الهی را برای تمامی افراد بشر به ارمغان می‌آورد. - زمین از دانش الهی مملو خواهد گشت همانند آب‌هایی که دریاها را می‌پوشانند (اشعیا نبی فصل ۱۱: ۹)

- کمان و ادوات جنگی از بین می‌رود و او (ماشیح) با ملت‌ها از صلح سخن خواهد گفت.

(زکریا نبی فصل ۹: ۱۰)

صلح و آرامش حتی به حیوانات نیز سرایت نموده و جانوران وحشی را تحت تأثیر قرار داده و آنها را به تغییر رویه و مسالمت با دیگر موجودات وا می‌دارد:

- گرگ با گوسفند زندگی خواهد کرد و پلنگ در کنار بزغاله خواهد خوابید، گوساله، شیر جوان و حیوان پرواری با هم خواهند بود و نوجوان کوچکی آنها را هدایت خواهد کرد. گاو با خرس چرا خواهند کرد، بچه‌هایش با همدیگر خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد. (اشعیا نبی فصل ۱۱: ۶-۷)

- گرگ و بره با همدیگر چرا خواهند کرد و شیر هم‌چون گاو، گاه خواهد خورد و خاک، خوراک مار خواهد بود در تمامی کوه مقدس من بدی و آسیب نرسانده و تباهی و خرابی نخواهند آورد. (اشعیا نبی فصل ۶۵: ۲۵)

در بین علمای یهود اختلاف نظر دارد که این آیات طبق مفهوم ساده یا مجازی تعبیر خواهند شد و برخی اعتقاد دارند که در ابتدای دوران نجات، تغییری در غرایز حیوانی رخ نداده ولی از اواسط این عصر، شیوه زندگی حیوانات نیز به دوران قبل از خطای حضرت آدم بر می‌گردد که برای موجودات (آدم و حیوانات) تنها استفاده از گیاهان و میوه‌های درختی مجاز

ما در راه‌های او (خدا) قدم برداریم ... (میخا نبی فصل ۴: ۲-۱)

- زیرا آن موقع (عصر گئولا)، زبان ملت‌ها را به زبانی پاک و منزه تبدیل خواهم کرد تا همه آنها، نام خداوند را خوانده و او را یکسان پرستش نمایند (صفینا نبی فصل ۳: ۹)

- خداوند بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود، در آن روز خداوند یکتا و نامش یکتا خواهد بود. (زکریا نبی فصل ۱۴: ۹)

۵. برقراری صلح و آرامش در جهان و همزیستی مسالمت‌آمیز

آگاهی و درک واقعی از خداوند و موحد شدن جهانیان و پرستش یکپارچه خداوند، کوفه‌فکری و تمایلات ناخردانه را که اغلب منجر به کشمکش‌های بیهوده و جنگ و ستیز بین ملت‌ها می‌شود، خودبه‌خود از بین می‌برد و در نتیجه دوران نجات، دوره صلح و صفا در سراسر جهان خواهد بود.

- بین ملت‌های بسیار (ماشیح) داوری نموده و اقوام بسیار را تا دوردست‌ها توبیخ می‌نماید و آنها شمشیرهای خود را برای (تبدیل به) گاوآهن و نیزه‌های خود را برای (تبدیل به) قیچی‌های باغبانی خواهند شکست ملتی بر ملت دیگر شمشیر بلند نخواهد کرد و دیگر جنگ نخواهند آموخت (میخا نبی فصل ۴: ۳)

- کمان و شمشیر و آلات جنگی را از زمین نابود ساخته و آنها را با اطمینان و امنیت خواهم خوابانید. (هوشع نبی فصل ۲: ۲۰)

را مثل باغ خدا قرار خواهد داد. (اشعیا نبی فصل ۵۱: ۳)

- خداوند می‌فرماید: اینک ایامی فرا می‌رسند که زمان شخم به درو و زمان له کردن انگورها به پاشیدن بذر نزدیک می‌شود از کوه‌ها، شهد خواهد چکید و همه تپه‌ها (از شیر) مرطوب خواهند شد. (عاموس نبی فصل ۹: ۱۳)

- در آن نه قحطی خواهد بود و نه جنگ، نه حسادت و نه دعوا، زیرا تمام خوبی‌ها به وفور اعطاء خواهد شد و تمامی لذایذ و نعمت‌ها همانند خاک در دسترس خواهند بود. (موسی بن میمون، میشنه تورا، قوانین پادشاهان فصل ۱۲ بند ۵)

- همه بیماران شفا خواهند یافت (برشیت ربا فصل ۲۰ بند ۵) اشخاص نابینا، کر، لال و هر کس که از نقص عضو دیگری رنج می‌برد، همه از ناتوانی نجات خواهند یافت:

- در آن زمان چشم نابینایان روشن شده و گوش ناشنوایان باز خواهد شد. آن هنگام (فرد) شل همانند گوزن جست و خیز کرده و زبان لال ترنم خواهد کرد. (اشعیا نبی فصل ۳۵: ۶-۵)

با این وجود باید خاطر نشان نمود که برکات و نعمات به خاطر عیاشی و خوشگذرانی نبوده بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف والاتر (شناخت و درک خداوند) می‌باشند تا این امر با راحتی بیشتر و بدون دغدغه مشکلات معیشتی و اقتصادی صورت پذیرد.

شده بود. (مراجعه کنید به سفر پیدایش فصل ۱: ۲۹-۳۰)

۶. فراوانی برکت مادی و معنوی

در عصر گئولا جهانیان شاهد برکت و نعمت مادی و معنوی در حد اعلی خواهند بود، ماشیح با خودش خوبی، شادی و سعادت برای همگان به ارمغان می‌آورد و تغییرات، همه به خوبی و خیر هر فرد خواهد بود. فردی که امروزه در گرفتاری است گشایش و برکت می‌یابد و آن که امروزه در خوبی است خیر و برکت بیشتری می‌یابد. دوران نجات همه را به سوی کمال رهنمون می‌شود و خود به خود خیر و برکت، شادی و سعادت فراگیر می‌شود. عصر گئولا وضعیت ایده‌آل برای جهان است، دنیای آراسته و اصلاح شده، دنیایی که در آن راستی و حقیقت و خوبی حاکم است. (کتاب ایام ماشیح صفحه ۱۳۰ و ۱۲۹).

زندگی راحت و آسوده خواهد بود و نیازهای مادی ما برطرف خواهد شد، حاصل‌خیزی زمین به حد چشم‌گیری افزایش یافته و انواع و اقسام فرآورده‌های گیاهی را به وفور تولید خواهد کرد و درختان نیز همه روزه، میوه‌های رسیده به بار خواهند آورد. (تلمود رساله شبات برگ ۳۰ ب و رساله کتوبوت برگ ۱۱۱ ب).

- واقع خواهد شد که در آن روز از کوه‌ها شهد می‌چکد و از تپه‌ها، شیر جاری می‌گردد. (یوئل نبی فصل: ۴: ۱۸)

- بیابان صهیون را چون باغ عدن و صحرائش

کیفر فرا رسیده است. به دنبال این امر مرگ و میر نیز متوقف خواهد شد چنانچه اشعیای نبی (فصل ۵۲: ۸) می‌فرماید: مرگ برای همیشه از بین خواهد رفت و خداوند اشک را از هر صورتی پاک خواهد کرد.

۸. رستاخیز مردگان و روز قیامت و

داوری نهایی

دوران نجات با روز قیامت و داوری نهایی و شروع جهان آخرت به سرانجام خود می‌رسد (زوهر جلد اول برگ ۱۳۹ الف). در این فاصله مردگان احیا می‌گردند. اعتقاد بر این است که عادلان و صالحان هم‌چون انبیاء در ابتدای عصر گئولا، احیا می‌گردند تا از خوشی‌های و نعمات آن دوره بهره‌مند گردند ولی افراد میانه حال در اواسط این دوره و نهایتاً افرادی که از اعمال نیک چندانی برخوردار نبوده‌اند در پایان این عصر و نزدیک به روز داوری نهایی احیاء می‌شوند.

- مردگان تو زنده خواهند شد ... ای کسانی که در خاک خوابیده‌اید بیدار شوید و ترنم بگویید. (اشعیای نبی فصل ۲۶: ۱۹)

- اینک من (خدا)، قبرهای شما را گشوده و شما را از قبرهایتان بالا خواهم آورد، ... تا بدانید که من خدا هستم در گشودنم قبرهای شما را و بالا آوردن شما از قبرهایتان، ای قوم من، و قرار خواهم داد روح خود در شما تا زنده شوید و شما را بر سرزمینتان مستقر خواهم نمود. (حزقیال نبی فصل ۳۷: ۱۴-۱۲).

۷. پایان همه بدی‌ها، شر، گناه و مرگ

با فرا رسیدن عصر گئولا، پلیدی و گناه از بین خواهد رفت:

- قوم تو همگی صدیق و درستکار خواهند بود و زمین را برای همیشه به ارث خواهند برد. (اشعیای نبی فصل ۶۰: ۲۱)

- خداوند می‌فرماید: در آن هنگام گناه بنی‌اسرائیل جستجو خواهد شد، ولی وجود نخواهد داشت و خطاهای یهود پیدا نخواهند شد. (ارمیا نبی فصل ۵۰: ۲۰)

- آنها دیگر خود را با بت‌ها و اعمال مکروه و خطاهای خود، پلید نخواهند کرد. (حزقیال نبی فصل ۳۷: ۲۳)

- باقیمانده (بنی) اسرائیل گناهی مرتکب نخواهند شد و دروغ نخواهند گفت و در دهانشان، زبان فریب‌آمیز یافت نخواهد شد. (صفنیا نبی فصل ۳: ۱۳)

- در آن روز ... من (خدا) اسامی بت‌ها را از زمین منقطع خواهم کرد و آنها دیگر به یاد آورده نخواهند شد و هم‌چنین انبیای (دروغین) و روح ناپاکی (نفس اماره) را از زمین بر خواهم انداخت (زکریا نبی فصل ۱۳: ۲).

بدین‌گونه غریزه بد و نفس اماره از بین خواهد رفت همان‌گونه که در تلمود (رساله سوکا برگ ۵۲ الف) می‌گوید: در آینده خداوند، غریزه بد را آورده و ذبح می‌نماید، زیرا دیگر مأموریت او برای جهان آزمایش و عمل خاتمه یافته است و زمان پاداش و

خواهد شد. (میشنه تورا قوانین پادشاهان فصل ۱۲ و قوانین توبه فصل ۹).

تنها پیشه جهانیان، فراگیری درک و شناخت از خداوند خواهد بود. یهودیان، دانشمندان بزرگی خواهند بود، آنها حقایقی را که فعلاً مستور و پنهان هستند خواهند دانست و به دانش از خالق خود، آن‌طور که در ظرفیت بشر خاکی است، دست خواهند یافت. چنان‌چه اشعیای نبی (فصل ۱۱: ۹) می‌فرماید: زمین مملو از دانش الهی خواهد شد همانند آب‌هایی که دریا را می‌پوشانند. (موسی بن میمون میشنه تورا، قوانین پادشاهان فصل ۱۲ بند ۵ و نصح بیسرائل نوشته مهارال فصل ۴۲) ■

به امید آن روز

منابع

- ۱- کتاب مقدس یهود (عهد عتیق)
- ۲- تلمود
- ۳- زوهر
- ۴- میدراش ربّا
- ۵- میدراش تنحوما
- ۶- تفاسیر علمای یهود در کتاب مقدس و تلمود از جمله رشی و هاراو مصودت داوید
- ۷- شوخط، عیمانوئل ۱۹۹۲ میلادی: ماشیح در پرتو قوانین و اعتقادات یهود، ترجمه یعقوب یروشلمی، بروکلین - نیویورک
- ۸- کتاب ایام ماشیح (به زبان عبری یَمُوت هَمَاشیح)
- ۵۷۶۳ عبری (۲۰۰۳ میلادی) انتشارات ماخون لیووتیچ
- ۹- کوهن، ابراهام ۱۳۸۲ ش، گنجینه‌ای از تلمود ترجمه گرگانی، امیر فریدون، تهران، انتشارات اساطیر

- بسیاری از خفتگان خاک زمین بیدار خواهند شد. اینها (گروهی) برای زندگی جاودانه و اینها (گروهی) برای ننگ و رسوایی ابدی. (دانیال نبی فصل ۱۲: ۷).

قابل ذکر است که اعتقاد به روز رستاخیز به عنوان یکی از اصول ایمان یهود قلمداد می‌گردد که توسط موسی بن میمون به عنوان سیزدهمین و آخرین اصل عنوان گردیده است.

نکته آخر این که همان‌طور که موسی بن میمون به زیبایی بیان می‌کند، آرزو و اشتیاق ما برای زمان ماشیح به خاطر سلطه‌جویی بر دنیا و یا حکمرانی بر ملت‌ها یا مورد ستایش قرار گرفتن به وسیله آنها نیست. هم‌چنین به خاطر خوردن و نوشیدن و عیاشی و رسیدن به هوا و هوس‌ها نمی‌باشد. (میشنه تورا، قوانین پادشاهان فصل ۱۲ بند ۴) بلکه بیشتر به خاطر رهایی از سلطه قدرت‌های ظالم و کافری است که امروزه ما را از انجام صحیح و شایسته شریعت الهی و دستورات او باز می‌دارند (میشنه تورا، قوانین توبه فصل ۹ بند ۲ و ۱ و ۵) آرزو و اشتیاق ما این است که بدون آزار و اذیت از طرف دیگران، تمامی جوانب زندگی خود را آزادانه به شریعت الهی و دانش آن اختصاص دهیم. امید و آرزوی ما برای آن روز بدین دلیل است که در آن موقع، صادقان و صالحان گرد هم آمده و عصری خواهد بود که عقل و حکمت، خوبی و حقیقت بر دنیا مستولی خواهد شد. در آن زمان دستورات الهی بدون هیچ نگرانی، ترس یا اجبار مو به مو اجرا

عدالت و برکت در احکام تورات

(ممن دلرمیم)

پژوهشگر و مدرس (بان و تعلیمات دین یهود)

برای پی بردن به اهمیت قوانین و فرامین تورات مقدس تعدادی از ۶۱۳ فرامین آن را درج می‌کنیم: غریب را اذیت نکن و بر او فشار میاور (خروج ۲۰/۲۲).

بزرگان قوم را ناسزا نگو و رهبر قومت را نفرین نکن (خروج ۲۲/۲۷)

شایعه بی‌اساس را نشر نده (خروج ۱۰/۲۳)
دزدی نکنید، حاشا نکنید، به همنوع خود دروغ نگویند (لاویان، ۱۱/۱۹)

در داوری بی‌عدالتی نکنید (لاویان، ۱۵/۱۹)
آن غریبی که با شما اقامت دارد چون تابعی از کشور خودتان باشد، او را دوست بدار (لاویان ۳۳/۱۹)

نام مرا بر فرزندان اسرائیل بگذارید و من آنها را برکت خواهم نمود (اعداد ۲۷/۶)
این سخنانی که من امروز به تو فرمان می‌دهم مورد توجه تو باشد (تثنیه ۶/۶)

هرگاه می‌خوری و سیر می‌شوی، خداوند خود را سپاس بگو (تثنیه ۱۰/۸)
اگر به قانون‌های من عمل نمایند و فرمان‌های مرا رعایت نموده انجام دهید. باران‌های شما را به موقع خواهم داد (لاویان ۳/۲۶)

آسوده ولی نگران، در رفاه ولی ناراحت، درست است که دانش بشر اکثر نیازمندی‌های بشر را برآورده است و این همه اکتشافات و اختراعات شگفت‌انگیز که باور نکردنی به نظر می‌رسد راه‌ها را هموار کرده است. اما آیا تمام این پیشرفت‌ها و خلاقیت‌های عجیب و غریب و باور نکردنی موجب خواهد شد که مشکلات عاطفی و معنوی و روانی و خوشبختی انسان‌ها را حل کند؟!

تنها عاملی که می‌تواند انسان‌ها را از خطر نابودی رهایی بخشد، ایمان به خدا و انجام دادن فرامین الهی است و بس. مثلاً یکی از دستورات کتاب آسمانی تورات مقدس یعنی «همنوعت را مانند خودت دوست بدار» خود به تنهایی کافی است که ما انسان‌ها را از «ازل تا ابد» راهنمایی کند.

این کتاب آسمانی ادعا می‌کند که اگر انسان اوامر و دستورات و احکام آن را رعایت کند، خداوند تمام احتیاجاتش را تأمین خواهد کرد. بارها در تورات مقدس آمده است «اگر اوامر مرا رعایت کنید، غله و شیر و محصول زمین، گله و رمهات و فرزندان روز به روز زیادتر خواهد شد، بیماری‌های سخت را از تو و از خانواده‌ات دور خواهد شد».

نمود که از بریدن عضوی از یک موجود زنده اعم از حیوان یا پرنده و خوردن آن خودداری کنند و از گوشت جانداران پس از ریختن خون و بی‌جان کردن آنان استفاده نمایند. بدین طریق فرمان دیگری بر شش فرمان اولیه‌ای که به آدم داده شده بود اضافه گردید (ذبح).

در زمان حضرت ابراهیم که فرمان مهم ختنه را به امر پروردگار اجرا کرد تعداد فرمان‌ها به هشت فرمان رسید. حضرت یعقوب و فرزندان او از خوردن عرق النساء که یک پی سفید رنگ در ران گاو و گوسفند و بز است منع شدند و در نتیجه مذهب ما دارای نه دستور دینی شد.

پس از آن که حضرت موسی به امر آفریدگار در کشور مصر معجزه‌ها نموده و ملت اسرائیل را از آن سرزمین خارج ساخت، ۱۰ فرمان که اساس همه ادیان الهی و چکیده تمام قوانین تورات مقدس هستند از این قرار صادر شد:

۱. ایمان به وجود و وحدانیت پروردگار.
۲. خودداری از بت‌پرستی.
۳. بر زبان نیابردن نام پروردگار به بی‌هودگی.
۴. رعایت قداست روز شنبه.
۵. احترام به پدر و مادر.
۶. منع قتل.
۷. منع زنا.
۸. اجتناب از دزدی و غصب.
۹. شهادت دروغ در باره کسی ندادن.
۱۰. طمع نورزیدن به مال و ناموس دیگران.

در تورات علاوه بر مطالب تاریخی و دستورات بهداشتی، ۶۱۳ فرمان وجود دارد که ۲۴۸ فرمان آن «امر» و ۳۶۵ فرمان آن «نهی» است.

و در آن سرزمین صلح برقرار می‌کنم و در سرزمین شما شمشیر (جنگ) عبور نخواهد کرد (لاویان ۲۶/۶)

برای بدی کردن از اکثریت پیروی نکن و در دعوایها به خاطر متابعت از اکثریت شهادتی نده که حق را منحرف سازد (خروج ۳/۲۳)

از پیش پای ریش سفید (به حالت احترام) برخیز و عالم دینی را احترام بگذار و از خدایت ترس داشته باش، من خدا هستم (لاویان ۱۹/۳۲)
قانون واحد داشته باشید، خواه غریب باشد خواه بومی، زیرا من خدای شما هستم (لاویان ۲۲/۲۴)

تاریخچه مختصری از شکل‌گیری احکام دین یهود

پروردگار جهان برای این که آدمیان تحت قوانین و رسوم عادلانه و صحیحی زندگی کنند، شش فرمان به آدم و اولاد او داد که از این قرار است:

۱. آفریدگار را بشناس، او را پرستش کن و گرد بت‌پرستی مگرد.
۲. کفر و ناسزا مگو
۳. قتل مکن.
۴. مرتکب عمل زنا مشو.
۵. دزدی و غصب منما.
۶. با تعیین قضات عادل و تشکیل دادگاه‌ها، داد مظلوم از ظالم بستان.

از آدم تا زمان حضرت نوح بشر گیاه‌خوار بود و اجازه تغذیه از گوشت موجودات زنده را نداشت. در دوران حضرت نوح، پس از آن طوفان عالم‌گیر، پروردگار خوردن گوشت جانوران گوناگون را برای نوح و فرزندان او حلال کرد اما در عین حال تأکید

هارون، اعضاء سنهدرين (مجمع كبير دانشمندان قوم) رؤسای اسباط دوازده گانه و رهبران متعدد قوم این توضیحات شفاهی را برای مردم بازگو می کردند. این وضع تعلیم و تعلم سالها و قرنها ادامه داشت. بدین معنی که وقتی معلم می خواست تورات و تعلیمات دینی را به شاگردان خود درس بدهد، ابتدا متن فرمان را از روی تورات کتبی به آنها یاد می داد و سپس توضیحات آن را طبق آن چه که از معلمان و پیشینیان خود یاد گرفته بود به آنها تعلیم می داد.

پس از رحلت حضرت موسی تا مراجعت ما از اسارت بابل پیغمبران زیادی در میان ملت ما قیام کردند که کار آنها ارشاد مردم، توضیح بیشتر دادن در باره فرمانهای کتبی و توصیه و تأکید در باره اطاعت از فرمانهای پروردگار و اجراء آن بود.

در حدود ۱۸۵۰ سال پیش که رومیها بر سرزمین مقدس تسلط داشتند، ربی یهودا هناسی پیشبینی کرد که قوم یهود در زمان پراکندگی در نقاط مختلف جهان بر اثر رنجها و سختیهای پراکندگی دیگر نخواهند توانست مانند گذشته تمام مطالب تورات شفاهی را به خوبی فرا گیرند و به ذهن بسپارند و دیری نخواهد پایید که تورات شفاهی را فراموش خواهند کرد. او که خود را مسئول بقای ملت یهود و تمدن فرهنگ لایزال آن می دانست تصمیم بسیار مهم گرفت. او از دانشمندان دینی هم عصر خود کمک گرفته و خلاصه و فشرده، مطالب تورات شفاهی را با نظم و

اگر تورات را به دقت مطالعه نموده و به فرامین مندرج در آن توجه کنیم به نکته عجیبی بر می خوریم و آن این است که در تورات کتبی فقط دستور اجرای فرمانها آمده بدون این که توضیحی در باره جزئیات فرمانها و طرز اجرای آنها داده شده باشد. به عنوان مثال: می دانیم که پوشیدن صیصیت (شال نماز) و یا بستن تفیلین (پیشانی بند و بازوبند) از فرمانهای بسیار تورات مقدس هستند حال آن که در تورات کتبی فقط گفته شده است که صیصیت بپوشید و یا تفیلین ببندید، در صورتی که هیچ توضیحی داده نشده که صیصیت و تفیلین چیست، از چه ساخته شده و چگونه از آنها استفاده می کنیم. پس مجبوریم این واقعیت را قبول کنیم که آفریدگار بدون شک شرح و توضیحات کاملی در باره دستورها و یا فرامین تورات مقدس در جای دیگر داده است. حقیقت امر این است که طی چهل سالی که پدران ما در بیابان بودند هر وقت که پروردگار فرمانی را به حضرت موسی تقریر می کرد و او آن را می نوشت در عین حال توضیحات کاملی در باره جزئیات و طرز اجرای آن فرمان، شفاهاً به حضرت موسی می فرمود و وی آن را با یاد می سپرد. حضرت موسی سپس به نزد قوم اسرائیل می آمد و پس از این که متن کلمات و جملات فرمانی را که نوشته بود به آنها نشان می داد، آن گاه وقت زیادی صرف می کرد و توضیحات آن فرمان که شفاهاً شنیده بود برای آنها می گفت. آن وقت حضرت موسی و حضرت هارون و پسران حضرت

یا گمارا تدریس می‌شود. تلمود بابلی که تألیف آن مؤخر بوده است خیلی بیشتر از تلمود یروشلمی مورد مطالعه دانش پژوهان قرار می‌گیرد.

در حدود ۸۶۰ سال پیش دانشمندی بزرگ به نام ربی مشه بر میمون یا هارامبام که در عین حال پزشک و فیلسوف نیز بود، از جانب سلطان صلاح‌الدین ایوبی پادشاه معروف مصر به عنوان وزیر و پزشک مخصوص دربار برگزیده شد. هارامبام دست به کار بسیار مهمی زد.

او شرح قوانین تورات را که در سراسر دو تلمود پراکندگی بود جمع‌آوری و به طور علمی تدوین نموده در کتابی دارای چهارده قسمت به «هیاد هخزاقا» یا «میشنه تورا» به زبان عبری بسیار ساده و سلیسی نوشت. با مطالعه این کتاب هر کسی می‌تواند از قوانین و دستورات تورات آگاه شود.

حدود ۴۶۰ سال قبل هم دانشمندی عالی مقام به نام ربی یوسف کارو کتاب هارامبام را خلاصه نموده و با حذف کردن قوانینی که امروز معمول نیست (مانند قوانین مربوط به معبد مقدس، سلطنت، قربانی‌ها و غیره) کتاب قانون جدیدی به نام «شولحان عاروخ» یا «سفره آماده» تألیف نمود که امروز مورد استفاده تمام یهودیان دنیا جهت اطلاع از قوانین توران مقدس و اجرای آن است. ■

منبع

۱. فرمایشات یکی از استادان بزرگوارم مرحوم هاراو یهوشوع نتن لی در سمینار دو ساله و شبانه‌روزی معلمین در سال (اوتصر هتورا) ۱۳۳۶.

ترتیبی خاص تدوین نموده و در کتابی به نام میشنا (میشنا به معنی درس است) ثبت نمود. کتاب میشنا که به زبان عبری سلیس و ادبی نوشته شده است، دارای شش قسمت است که هر قسمت نام به خصوصی دارد و از این قرار است:

۱. زراعیم (بذرها): که در باره مربوط به کشت و زرع و نمازها و دعادهای مذهبی صحبت می‌کند.
۲. موعدیم (اعیاد): که قوانین شنبه مقدس و اعیاد و سایر روزهای مقدس در آن درج شده است.
۳. قسمت ناشیم (زنان): که قوانین ازدواج و طلاق و سایر امور مربوط به زنان در آن آمده است.
۴. نزیقیم (خسارات): که مطالب آن مربوط به جنحه و جنایات، خسارات مالی و جانی و روابط تجاری و معاملات و اخلاقی انسان نسبت به یکدیگر و پند و اندرزهای پدران می‌باشد.
۵. قداشیم (مقدسات): که از قوانین مربوط به بیت همیقداش (معبد مقدس) و تقدیم قربانی‌ها صحبت می‌کند.
۶. طهاروت (پاکی): که موضوع بحث آن قوانین مربوط به پاکی و ناپاکی بدن انسان و اجسام مختلف می‌باشد.

در حدود ۱۷۶۰ سال یکی از دانشمندان عالی مقام به نام ربی یوحانان تغییرات و توضیحاتی را که در طی صد سال گذشته در باره مطالب میشنا در دانشگاه‌های دینی مختلف آن کشور یادداشت شده بود جمع‌آوری کرده و تلمود یا گمارای یروشلمی را تدوین نمود. تقریباً یکصد و پنجاه سال بعد از تدوین تلمود یا گمارای یروشلمی، دو دانشمند یهودی بابلی به نام راوینا و راواشه تفسیرات میشنا را که در یشیوهای بابل تدریس شده بود جمع‌آوری نموده و مجموعه عظیم تلمود یا گمارای بابلی را تدوین کردند. از آن وقت تا به امروز در تمام مدارس و دانشگاه‌های دینی یهود (یشیواها) تلمود



ایوب، نماد استقامت

دکتر بهروز مقنظری

همه داشته‌های ایوب را در ظرف مدت کوتاهی بازستاند اما شرط می‌کند که جانش گرفته نشود. ایوب در جریان امتحانی سخت همه دارائی‌ها و فرزندان را از دست می‌دهد. خوار و ذلیل، بیمار، داغ‌دیده و تلخ‌کام تمام بدنش مبتلا به دمل‌های دردناک همراه با خارش می‌شود به طوری که بر بدنش کرم می‌افتد و خاکسترنشین می‌شود اما ایوب در برابر سیل مصائب می‌گوید: خدا داد و خدا گرفت.

ایوب گله‌مند است، تقاضای مدد و همدردی دارد، بر حقانیت خود پای می‌فشارد و ایمانش را از دست نداده است.

همسرش از روی استیصال و ناامیدی به او اندرز می‌دهد به ایمانت پشت کن، کفر بگو و بمیر تا از این اقیانوس غم رها شوی. اما ایوب ایمانش تزلزل‌ناپذیر است و خداوند و ایمانش را ترک نمی‌کند و هم‌زمان بر بی‌گناهی و مظلومیتش پای می‌فشارد. در این میان سه تن از دوستانش الیفاز تیمانی، بلدد شوحی و سوفرنعماتی که به راستی او

با فرا رسیدن ایام تیشعابه آب^۱ به یاد ایوب و داستانش می‌افتیم. داستان ایوب همانند تورات، جهانگیر است و همه کمابیش با ایوب و صبرش در راه خدا آشنا هستند.

کتاب ایوب یکی از کتب مقدسه بنی‌اسرائیل است که نویسنده‌اش ناشناس است. زمان نگارش این کتاب هم در پرده‌ای از ابهام است و به راستی نمی‌دانیم ایوب کیست، پدرش کیست، از چه قوم و قبیله و ملتی است، در کجا زندگی می‌کرده است و در چه زمانی می‌زیسته. تنها می‌دانیم مردی درستکار، خدا ترس و مؤمن بوده است.

داستان از این‌جا شروع می‌شود که خدا خطاب به شیطان می‌گوید آیا همانند بنده کامل و نمونه من ایوب کسی را دیده‌ای؟ شیطان به خدا جواب می‌دهد که تو ایوب را از همه نعمات مادی و معنوی برخوردار و لبریز نموده‌ای، پس چرا شاکر و شکرگزار نباشد؟ خدا به شیطان اجازه می‌دهد که

^۱ - ایام سوگواری برای ویرانی معبد بیت‌المقدس (یکم تا نهم ماه آو)

فرامین سرپیچی نکرده‌ام. کلمات او را در سینه‌ام حفظ کرده‌ام.

ایوب می‌گوید بدانید که ترس از خدا، حکمت واقعی و دوری نمودن از شرارت، فهم حقیقی می‌باشد.

ایوب می‌گوید به من بگوئید چه خطائی کرده‌ام. ایوب در نکوهش دوستانش می‌گوید آیا مجبورید به جای خدا حرف بزنید و چیزهایی را که او هرگز نگفته است از قول او بیان کنید؟ می‌خواهید به طرفداری از او حقیقت را وارونه جلوه دهید؟ بدانید که خدا برای این کار شما را تنبیه خواهد کرد.

بلدد شوحی می‌گوید در برابر خدا سرکش نباش، توبه کن تا خدا را ببخشد. ایوب می‌گوید من می‌دانم که بی‌تقصیرم، کیست که در این مورد بتواند با من بحث کند. ای کسانی که مرا متهم ساخته و عذابم می‌دهید، از شمشیر مجازات خدا بترسید و بدانید که او شما را داوری خواهد کرد. ایوب می‌گوید خداوند مرا در هم گرفته است، دست نیرومندش مرا خورد نموده است، زیر پاهای استوارش له شده‌ام.

خداوند از صبح تا شب مرا مورد اصابت قرار می‌دهد در حالی که ظالمان در امنیت و رفاه و شادی و ثروت غوطه می‌خورند. بنده با ایمان و غلام وفادارش را پایمال نموده است. فقط یک آرزو دارم که از خدا بپرسم چرا؟

سوفر نعماتی می‌گوید دست از سرسختی بردار تزویر و ریا را کنار بگذار. قبول کن که آدم خوبی

را دوست می‌داشته‌اند با شنیدن مصائب ایوب به اتفاق هم به دیدارش می‌آیند تا شاید کمکی، تسلائی مرهمی بر دل مجروحش بگذارند.

با دیدن ایوب لباس خود را پاره می‌کنند و به سختی می‌گریند و از شدت تأسف مات و متحیر روز بر زمین می‌نشینند و سکوت می‌کنند.

پس از این مدت قفل سخن گشوده می‌شود. ایوب دهان به شکایت می‌گشاید روز تولدش را لعنت می‌کند، آرزوی مرگ می‌کند و می‌گوید چرا باید نور زندگی بر کسانی بتابد که در بدبختی و تلخ کامی به سر می‌برند، چرا کسانی که آرزوی مردان دارند مرگشان فرا نمی‌رسد. عقل آدمی از درک و هضم این همه مصیبت قاصر است، می‌بایست رویدادهای موجود را با توان ذهنی خود مطابقت دهد، می‌باید توجهی بیابد. به این خاطر دوستان پس از ابراز همدردی او را نصیحت می‌کنند، او را ملامت می‌کنند، او را سرزنش می‌نمایند، می‌گویند خداوند عادل است و از ظلم مبرا.

حتماً گناه کرده‌ای بر یتیمان و یتیم‌زنان و ضعفا. ظلم کرده‌ای و رباخوار بوده‌ای. سنگدل و بی‌وجدان بوده‌ای. علی‌رغم ظاهر موجهات، جنایت پیشه بوده‌ای. توبه کن، اعتراف کن، خاضع شو در برابر دستگاه عدل الهی.

ایوب می‌گوید به خداوند و عدالتش ایمان دارم سرنوشت شوم خود را می‌پذیرم. در برابر عظمت قادر مطلق زانو می‌زنم. اما بی‌گناهم. من وفادارانه از خدا پیروی کرده‌ام و از راه او منحرف نشده‌ام، از

در این جا خداوند مداخله می نماید. فرشته الهی به شکل گردبادی عظیم ظاهر می شود. صدایی مهیب ایوب را خطاب می کند به او عظمت و عدالت غیرقابل تصور خداوند را گوشزد می نماید. به ایوب می گوید استدلال تو در برابر سایر مردم عالم صحیح است اما در برابر خداوند همه معیارها زیر و رو می شود.

ایوب تصدیق می کند و به خداوند عرض می کند الان ایمانم کامل تر شد. به درگاهت توبه می کنم، افتخار می کنم که در راه تو شهید شده ام. خداوند به ایوب می گوید به خاطر این ۴ نفر به درگاهم دعا کن چرا که ناخواسته به تو اهانت نموده اند و تنها به خاطر شفاعت تو از گناهشان در می گذرم.

خداوند به ایوب می فرماید: زخم هایت را من شفا می دهم، بر دل شکسته ات من مرهم می نهم، من آبروی تو هستم، من ثروت تو هستم، من آینده و اعتبار تو هستم.

نام مقدسش تا ابدالآباد متبارک باد
بگوئید آمین

نبوده ای. ایوب می گوید در بین شما که در مقابل من ایستاده اید آدم فهمیده ای نمی بینم، با حرف هایتان مرا آزار می دهید و با عقل ناقص خود بر دردهایم اضافه می کنید. شما حق ندارید که در مورد من قضاوت کنید. تنها خداست که حقیقت را می داند و تنها اوست که می باید جوابم را بدهد.

در این میان یک نفر ناظر به نام الیاهو نمی تواند خودداری نماید و به سرزنش و توبیخ دوستان ایوب می پردازد که چرا نمی توانند با دلیل و برهان عقلانی او را محکوم کنند. او به ایوب پرخاش می کند که آیا در باره عدالت خداوند شک داری؟ اگر تو گناهکار نیستی پس چرا به این بلایا و مصائب دچار شده ای؟

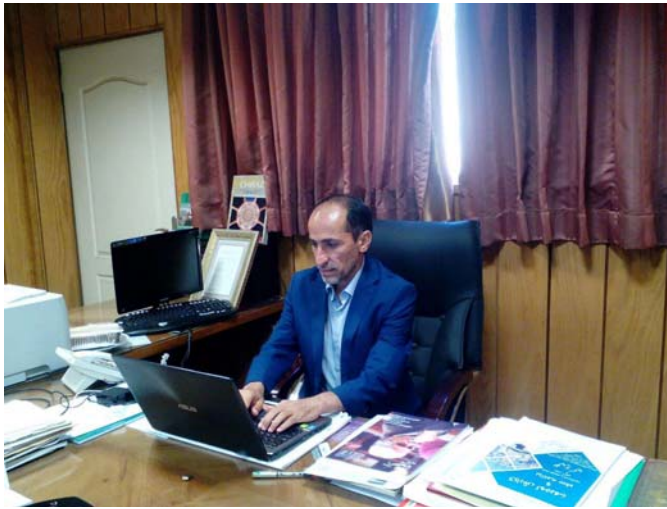
ایوب در جواب می گوید: تو از این سه نفر هم نادان تری. مرا تنها بگذارید، حال که نمی توانید از بار غم رهایم کنید، آزارم ندهید.

ایوب می گوید حال ساکت باشید و بگذارید من سخن بگویم و هر چه می خواهد بشود، جانم را در کف می نهم و هر چه در دل دارم می گویم. اگر خدا برای این کار مرا بکشد باز به او امیدوار خواهم بود و حرف های خود را به او خواهم زد. من آدم شروری نیستم پس با جرأت به حضور خدا می روم شاید این باعث نجاتم گردد.

این مباحثه به سرانجام نمی رسد، ایوب بر بی گناهی اش اصرار دارد و آن ۴ نفر با این استدلال که عدل الهی خدشه ناپذیر است بر گناه ایوب تأکید دارند.

منبع:

کتاب ایوب



انسجام ملی، اقتدار ملی

گفت و گو با دکتر سعید زارع، معاون حجت الاسلام یونسی؛ دستیار ویژه رییس جمهوری در امور اقوام و اقلیت های دینی و مذهبی

فرانک عراقی

کارشناس ارشد (روزنامه نگاری)

سعید زارع متولد سال ۱۳۴۹ در شهرستان قائمشهر از استان مازندران است. وی در زادگاهش دوران ابتدایی و متوسطه را ادامه داد، سپس بنابر علاقه خانواده خود وارد حوزه علمیه قم شد. در قم در مدرسه علمیه شهیدین که شهید بهشتی و شهید قدوسی آن را تاسیس کرده بودند، به فراگیری علوم مختلف پرداخت. این مدرسه، طلاب را با علوم مختلف روز نیز آشنا می کرد (برخلاف سایر مدارس). همزمان وارد فضای دانشگاهی شد اما از آنجا که در آن سال، طلبه ها اجازه ورود به دانشگاه را نداشتند، به خدمت سربازی رفت. پس از آن لیسانس فلسفه غرب را از دانشگاه شهید بهشتی اخذ کرد. در سال ۱۳۸۱ وارد دانشگاه ادیان و مذاهب شد. ابتدا به سمت مدیر داخلی مجله تخصصی آن دانشگاه به نام «هفت آسمان» رسید و همزمان مدرک فوق لیسانس خود را از دانشگاه آزاد اخذ کرد. پس از آن به سمت هیأت علمی آن دانشگاه نایل شد. وی دکترای جامعه شناسی با گرایش فرهنگی از دانشگاه علامه طباطبائی تهران را نیز به افتخارات خود افزود.

در سال ۱۳۹۲ با انتخاب دکتر حسن روحانی به ریاست جمهوری و تشکیل دستگیری ویژه رییس جمهور، وی معاون حجت الاسلام یونسی در این دستگیری شد، با سمت معاونت ادیان و فرق.

حجت الاسلام دکتر علی یونسی که نامی آشنا در حوزه سیاست و فرهنگ است قبل از انقلاب جزو مبارزان انقلابی بود. بعد از انقلاب به سمت های مختلف از جمله: دادستان تهران، رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح و بعد هم در دوران اصلاحات، وزیر اطلاعات دولت حجت الاسلام سید محمد خاتمی، شد. اما با توجه به نگاه فرهنگی ایشان به مسائل جامعه ایران و شناخت کافی از وضعیت اقوام و اقلیت ها، در دولت آقای روحانی به سمت «دستیار ویژه رییس جمهور در امور اقوام و اقلیت های دینی و مذهبی» برگزیده شد.

این گفت و گوی سه ساعته در محیطی صمیمی و ساده برگزار شد. در این جا لازم است از ایشان و همکارانشان تشکر کنم.

می‌بایست عمل کرد. در واقع وظیفه دولت جدید، یافتن راهبرد و راه کاری است که هدف آن مشارکت همگانی اقوام و پیروان ادیان توحیدی در تمامی امور کشور، شایسته سالاری، حمایت از واگذاری امور اجرایی به مدیران محلی است و رفع تبعیضات نارواست. این مهم جز با تاسیس ارگان جدید و ساختاری با قدرت کافی اجرایی مقدور نبوده است. بدین جهت و با این هدف، دستگیری ویژه رئیس جمهور تاسیس شد.

* تا به حال چه کارهای مثبتی در این خصوص انجام گرفته است؟

- به‌نظرم برای دستیابی به آن هدف والا سه گام اساسی می‌بایست برداشته شود. گام نخست، پس از شناخت درد در جامعه، تاسیس یک دستگیری بود تا به شناسایی درست، صحیح و روزآمد این خلا همت نماید. گام دوم یک سلسله اقدامات بود در جهت فرهنگ‌سازی، رفع مشکلات و پیگیری مسائل مهم و کلان. این دستگیری در این راستا، کارهای فراوانی انجام داد که به برخی از اهم آن موارد اشاره خواهم کرد. اما گام سوم که بسیار اساسی و حیاتی است و در آینده باید انجام شود، تبدیل این دستگیری به یک ساختار اجرایی با قدرت اجرایی و شرح وظایف دقیق و هدفمند است. این امر نیازمند تدبیر شخص رئیس جمهور محترم است تا گام سوم و تکمیلی را بردارد تا این اقدام اساسی در تاریخ این سرزمین همواره از ایشان به یادگار بماند.

* به عنوان اولین سوال هدف از تشکیل دستگیری ویژه رئیس جمهوری در امور اقوام و اقلیت‌ها چیست؟

- در ابتدا لازم می‌دانم با توجه به مشکلاتی که در حوزه چاپ و نشر و کتاب خوانی وجود دارد از رویکرد فرهنگی مجموعه دست‌اندرکاران علمی - اجرایی مجله فخیم افق بینا تقدیر نمایم زیرا همت شما که منجر به ادامه حیات این اثر فرهنگی است کاری بس بزرگ و قابل تقدیر است.

در مورد سوال شما باید بگویم که در دولت‌های قبلی نهاد یا ارگانی به این صورت وجود نداشت اما در دولت تدبیر و امید، دستگیری ویژه رئیس جمهور در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی به وجود آمد. از آنجا که رئیس‌جمهور محترم آقای دکتر حسن روحانی، پنج دوره نمایندگی مجلس را در کارنامه خود داشته و حدود شانزده سال نیز رئیس شورای امنیت ملی بود، دریافت که در خصوص ایرانیان پیرو ادیان توحیدی، اهل سنت، طریقه‌های مختلف و اقوام گوناگون، خلاء و مسائلی وجود دارد که می‌بایست نهادی تاسیس شود تا به این امور رسیدگی کند. اندیشه آقای روحانی در این باره را می‌توان در بیانیه شماره سه در سال ۱۳۹۲ جستجو کرد. ایشان در این بیانیه به صراحت بیان می‌کند: «این یک فرصت تاریخی است تا به امور مذاهب و ادیان و اقوام بپردازیم تا بتوانیم بخشی از حقوق آنها را تامین کنیم». این بیانیه بیانگر آن است که حرف‌ها و قوانین مطرح شده در فصل حقوق ملت را

المپیاد ورزشی آرامنه، عید کریسمس، عید دهوربا (مهم ترین عید صابئین مندایی) اشاره کرد. شرکت در کنیسه، کلیسا، آتشکده و مندی ایرانیان عزیز پیرو ادیان توحیدی و ملاقات‌های مکرر با مردم نیز از دیگر اقدامات بود. اقدام مهم دیگر برگزاری همایش‌های متعدد و مهم در کشور بود. از جمله: «همایش همدلی پیروان ادیان توحیدی» که انعکاس خبری خوبی در کشور داشت. در این همایش به عنوان نمادین از نخبگان منتخب ادیان توحیدی، تقدیر به عمل آمد. از جامعه کلیمیان، مهندس آرش آبایی به عنوان یکی از فرهیختگان جامعه کلیمی تقدیر شد. همایش دیگر، همایش ملی تقدیر از خانواده شهدا و ایثارگران اقلیت‌های دینی بود. در این همایش از ۳۰ نفر از خانواده شهدا و ایثارگران سراسر کشور تقدیر شد. همچنین در همایش روز ملی جوان از جوانان مختلف ادیان توحیدی تقدیر شد. در این همایش نماینده یونسکو و سازمان ملل هم حضور داشتند. از طرف جامعه کلیمی هم مهندس بهادر میکائیل سخنرانی داشت. من در این چهار سال آموختم که تکریم هموطنان، پذیرش باورهای گوناگون و مدارا، کلید مشارکت، توسعه، امنیت و پیشرفت کشور است. حل مشکلات اساسی و اصلی و برطرف کردن موانع جدی یکی دیگر از اقدامات این دستگیری بوده است که در این جهت هم می‌توانم به طرح پیشنهادی از طرف این دستگیری که برای حمایت از حقوق شهروندی تمام ایرانیان پیرو ادیان توحیدی و طریقه‌های مختلف

اما کارهای مثبت و اقدامات این دستگیری. اساسی‌ترین اقدام این دستگیری، یک سلسله اقدامات در راستای گفتمان‌سازی و نهادینه کردن فرهنگ پذیرش دیگری بود. آقای یونسی به عنوان دستیار ویژه در طول این چهار سال با برگزاری همایش‌ها، سلسله نشست‌ها، گزارش به مسئولین عالی رتبه و تاثیرگذار، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای متعدد در این مسیر گام مهمی برداشتند. اقدام دیگر شناسایی مشکلات عمده و اصلی در میان این گروه از ایرانیان و رفع و حل آن مشکلات بود. به عنوان مثال در گفتگوها و جلسات متعددی که با نخبگان، فرهیختگان و افراد مختلف جامعه کلیمی داشتیم، دریافتیم که تعطیلی مدارس کلیمیان در روزهای شبات (شنبه) یکی از دغدغه‌های این جامعه است. جناب یونسی مسئله تعطیلی شبات (شنبه) مدارس کلیمیان را با وزیر محترم آموزش و پرورش مطرح و خوشبختانه به سرانجام رساند. مسئله بعدی در جامعه کلیمی حق انتخاب رهبر دینی برای کلیمیان بود چرا که معتقد بودند این انتخاب باید از طریق خود جامعه کلیمی صورت بگیرد که خوشبختانه این مهم هم صورت پذیرفت. کمک دولت به بیمارستان دکتر سپیر که البته ناکافی است، در همین راستا بود.

البته می‌توان به ارسال پیام تبریک به مناسبت تولد اشوزرتشت برای اولین بار پس از انقلاب، توسط آقای یونسی نیز اشاره کرد. همچنین شرکت در جشن‌های مختلف همچون جشن مهرگان، سده،



همراه هیات ایرانی، دعوت به عمل آوردند. آنها پس از سالیان دراز در محدود سازی و امنیتی کردن این موضوع دریافتند که اقوام، ادیان و تنوع فکری قابل حذف نیست و باید آن را پذیرفت. ما در ایران اقوام متعددی داریم که زیبایی‌های خاص خود را دارند. اقوام ایرانی همچون فرش ایرانی زیبایی منحصر به فردی دارد که هر قوم بسان تار و پودیست که در زیبایی، دوام و قوام این فرش ایرانی نقش حیاتی و اساسی دارد. اقوام ایرانی با مناسک و آیین‌های خود، زیبایی خاصی به ایران بخشیده‌اند. دولت باید در حفظ، تقویت و نگهداری از این آیین‌ها کوشا باشد و آزادی و امنیت آنها را در انجام مراسم خود تضمین کند. از نظر من تقویت هویت محلی و قومی در تقویت هویت ملی ما نقش کلیدی دارد. هویت محلی ما بگونه ایست که با همراهی و حفظ هویت ملی معنا پیدا می‌کند. بدین جهت ایرانیان کلیمی هم جزو هویت ملی من هستند و من یاد گرفتم که آنها را دوست داشته باشم.

بوده است و در سال گذشته به شورای امنیت ملی برده شده اشاره کنم. این طرح در صورت تصویب در شورای عالی امنیت ملی، بسیاری از دغدغه‌ها، مسائل مهم و مشکلات عمومی این هموطنان عزیز را برطرف خواهد کرد.

این موارد که برشمردم تنها بخشی از اقدامات این دستیاری در حوزه پیروان ادیان توحیدی بود. در حوزه اقوام و اهل سنت نیز کارهای خوبی انجام شد که از حوصله و تخصص این مجله و مجال خارج است. به عنوان نمونه می‌توان به تدریس زبان مادری (زبان کردی، زبان آذری و...) در دانشگاه، اشاره کرد که یکی از دغدغه‌های اصلی اقوام ایرانی بوده است.

* آیا موجودیت این دستیاری در جامعه ضرورت دارد یا اینکه در آینده ممکن است ضرورتی نداشته باشد؟

- در جامعه‌ای همچون ایران با تکثر قومی و تنوع فرهنگی همواره توجه به این مسائل و اهتمام به رعایت عدالت و حقوق شهروندان ضرورت دارد. اکنون در کشور بزرگی چون روسیه یک نهادی به نام آژانس فدرال ملیت‌ها و قومیت‌ها وجود دارد که در واقع بسان معاونت رئیس‌جمهور در کشور ماست. به نوعی همتای دستیاری با ساختار مشخص و قدرت اجرای است. در ماه گذشته همایشی در جمهوری باشقریستان شهر اوما برگزار کردند و از دستیار ویژه رئیس‌جمهور جناب آقای یونسی برای سخنرانی افتتاحیه همایش به

گروه از ایرانیان تمام مشکلات عمومی خود را با احساس تبعیض پاسخ دهند. این مسئله باید توسط نخبگان فرهنگی و اساتید جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی بررسی شود. باید همه تلاش کنیم تا تبعیض در جامعه نهادینه نشود و این احساس تبعیض نیز ریشه‌کن گردد. تقاضای من از فرهیختگان و بزرگان ایرانیان پیرو ادیان توحیدی نیز آن است که همگان را به همت و تلاش بیشتر برای حل این موضوع دعوت کنند. البته اجرای فوری، دقیق و هدفمند منشور حقوق شهروندی می‌تواند به این مهم کمک وافری بنماید. اگر واقعا به مسائل حقوق شهروندی اعتقاد داشته باشیم باید این احساس تحقیر را از بین ببریم.

نکته دیگر نوعی محافظه‌کاری میان اقلیت‌هاست که البته در این مورد عوامل زیادی در طول تاریخ موثر بوده است. در این حوزه هم باید نخبگان دست به کار شوند.

* آیا جنس مشکلات همه اقلیت‌ها یکی است؟
- در مورد پیروان ادیان توحیدی عمدتاً مشکلات و مسائل مشابه هم هستند. مثلاً همین رد صلاحیت‌ها که بعد از انتخابات مختلف رخ می‌دهد، مربوط به همه اقلیت‌هاست. ولی یک قسم از مشکلات هست که اختصاص به جامعه کلیمی دارد و آن هم مربوط به بحث صهیونیسم است و اینکه مقوله صهیونیسم و یهودیان باید از هم جدا باشند. این مسئله هنوز جای کار دارد. من معتقدم که همه پیروان ادیان توحیدی که در این سرزمین زندگی

* چه موانعی در امور اقلیت‌ها مشاهده می‌کنید؟

- از نظر من اگر گام سوم برداشته شود و ساختار جدید با قدرت اجرایی کافی و لازم بوجود بیاید، می‌توانیم با نظارت و پیگیری لازم و نهادینه کردن فرهنگ مدارا و پذیرش دیگری، مطمئناً به وضعیت مطلوب‌تری دست یابیم. متأسفانه هنوز این مشکل وجود دارد که فضای فرهنگی بر این موضوع فرهنگی و مساله فرهنگی حاکم نشده است! باید برای آن راهکار پیدا کرد. مشکل دیگر، وجود مدیران میانی با نگرش فرقه‌گرایانه و تفکر بنیادگراست که با مقاومت و خود رأی بودن مانع از تحقق عدالت در جامعه می‌شوند و این یکی از موانع مهم در راه تحقق اهداف رییس‌جمهور است.

* در حال حاضر چه مشکلاتی در امر تحقق امور اقلیت‌ها وجود دارد؟

- در مورد مشکلات باید بگویم در این چهار سال مسئله‌ای که به آن رسیدیم وجود احساسات منفی در ایرانیان پیروان ادیان توحیدی است. ما یک تبعیض داریم و یک احساس تبعیض. متأسفانه در مورد پیروان ادیان توحیدی ما با یک احساس تبعیض جدی و عمیق روبرویم. این در واقع هم مانع توسعه است و هم برای امنیت کشور خطرناک. علت اصلی آن را می‌توان در عملکرد بد مدیران قبلی دانست، چون در واقع برای حل این مسائل بیشتر حرف زده شده تا عملکرد مناسب. به عبارتی تبعیض ناروای من مدیر موجب شده است تا این

یونسی چطور؟ آیا در این سمت خواهد ماند؟
- من در آن مقام نیستم که جواب این سوال را بدانم اما حس من و آنچه که در این چهار سال متوجه شدم این است که آقای یونسی هم خودشان به دلیل نگاه و رویکرد فرهنگی که دارند، تمایل بیشتری به کار در این حوزه نسبت به جاهای دیگر، دارند. ایشان معتقدند که این پروژه ناتمام و راه جدید، باید ادامه یابد اما ادامه این راه تنها با ایجاد یک ساختار جدید با قدرت اجرایی لازم و یک تشکیلات منسجم، قابل تداوم است. ما احساس می کنیم تاثیر این نهاد بسیار زیاد است اما همانطور که بیان شد جناب آقای یونسی یک شروطی برای تداوم این راه دارند که اگر آنها رعایت شوند در دوره بعدی نیز به فعالیت خود در این حوزه ادامه خواهند داد.

* اطلاع‌رسانی این دستگیری چگونه است؟

- دستگیری سایتی دارد به نام انسجام ملی. تمام برنامه‌ها، اقدامات و اخبار این دستگیری در آن سایت قابل رویت است. علاوه بر آن، سایت پرزیدنت و پایگاه اطلاع‌رسانی دولت نیز مطالب این دستگیری را پوشش می‌دهند. گروه تلگرامی هم داریم به نام پیروان ادیان توحیدی. در واقع برای اولین بار است که پیروان ادیان توحیدی در ایران در کنار هم مطلب می‌گذارند و با یکدیگر تعامل مجازی دارند.

* انتظارات شما از اقلیت‌ها به ویژه کلیمیان در

حوزه تعامل با دستگیری چیست؟

می‌کنند عاشق ایران هستند. خشونت و افراط می‌تواند در همه انسان‌ها به وجود بیاید و ربطی به دین، زبان و نژاد ندارد. ما باید اخلاق مدارا داشته باشیم. در شروع کار در این دستگیری افرادی تاکید داشتند که جامعه کلیمی با همه جوامع فرق دارد! اما من این تفاوت را ندیدم و سعی کردم در مدت این چهار سال همواره تلاش کردم که به دیگران بگویم این تفاوت تنها در ذهن ماست. به نظر من ایرانیان کلیمی با سایر کلیمیان دنیا فرق دارند چرا که فرهنگ ایرانی روی آنها بسیار تاثیرگذار بوده است همانطور که مسلمانان ایرانی با مسلمانان جهان متفاوت اند. این تفاوت ریشه در فرهنگ ما ایرانیان دارد. فرهنگ ایران، فرهنگ صلح، اعتدال، مدارا، گفت و گو، تکریم انسانها، پذیرش دیگران و دوری از خشونت و افراط گرایی است.

* آیا با شخص رییس جمهور در ارتباط

هستید؟

- من به شخصه خیر ولی آقای یونسی این ارتباط را دارند، البته در سطح خاص. این ارتباط به صورت اتوماسیون اداری انجام می‌شود. به این صورت که وقتی آقای یونسی مطلب یا مشکلی را می‌بینند به طور هم‌زمان رییس‌جمهور هم آن را می‌بیند و در برخی موارد جواب صریح می‌دهد. بعضی وقت‌ها هم ملاقات خصوصی انجام می‌گیرد و مشکلات مطرح می‌شود.

* پیش‌بینی شما برای دوره بعدی دولت چگونه

است؟ آیا این دستگیری ادامه خواهد داشت؟ آقای



مطلوبی نداریم. رفع این نقیصه تنها با تعامل و شناخت فرهنگ‌های ادیان مختلف امکان‌پذیر است. متأسفانه سرانه مطالعه در ایران کم است و رسانه ملی هم ضعف جدی در فرهنگ‌سازی پیرامون این موضوع و اطلاع‌رسانی درست و صحیح در این باره، دارد.

نکته آخر آنکه ما باید از ظرفیت‌های موجود بهره کافی ببریم. به عنوان مثال وقتی یک برنامه در مورد ادیان توحیدی برگزار می‌شود باید از بقیه ادیان دیگر نیز دعوت شود. کار فرهنگی پشت درهای بسته هیچ فایده‌ای ندارد. خوشبختانه آقای دکتر سامه‌یج (رئیس انجمن کلیمیان) در برنامه‌های مختلف این کار را به‌خوبی انجام داده است. شناخت مردم و مدیران ما از ادیان توحیدی و ایرانیان پیرو آن در جامعه، بسیار کم و ناچیز است بنابراین باید کار فرهنگی گسترده و فراگیر انجام داد تا به نتیجه مورد نظر رسید و فضا را تغییر داد. ■

- در حوزه فرهنگ و نهادینه کردن فرهنگ انتظار داریم که به دولت کمک کنند. از لای محافظه‌کاری بیرون بیایند. با نوشتن مقالات و انتقادات، هم دردها را مطرح کنند و هم دولت را نقد کنند. مثلاً تاسیس و عملکرد همین دستگیری را نقد کنند. این نقدها به ما کمک می‌کند تا گام مهمی به جلو برداریم.

*آینده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- آقای دکتر روحانی رئیس‌جمهوری است که از آگاهی کافی در این باره برخوردار است. ایشان ذهن بسیار قوی و منسجمی دارند و من به ایشان و نگرش‌شان بسیار خوشبین هستم. اگر این ساختار شکل بگیرد، یقیناً وضعیت ایرانیان پیرو ادیان توحیدی، روز به روز، بهتر خواهد شد.
* و سخن آخر...

- من از شما و همه دست‌اندرکاران تشکر می‌کنم. خوشبختانه تمام نشریه‌های مختلف ادیان را در دفترم دارم و آنها را مطالعه می‌کنم. واقعاً به شما و همکارانتان دست‌مریزاد می‌گویم. با توجه به همه مشکلات و سختی‌ها مجله را منتشر می‌کنید. از انجمن که بار مالی مجله را به دوش می‌کشد و از همه ایرانیان فرهیخته که این اثر فرهنگی را مطالعه می‌کنند، سپاسگزاری می‌کنم. آنها می‌توانند با حمایت معنوی خود به اعتلای فرهنگ این مملکت کمک کنند. ما نیاز به یک همت مستمر در این بخش داریم. ملت ایران سابقه خوبی در عرصه فرهنگی دارد اما اکنون در حوزه شناخت، وضعیت

گزارش سی‌امین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

مهندس بهادر میکائیل

فعال اجتماعی و عضو کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران



تهران در سالن بین‌الملل و در فضایی متفاوت و مساحتی بیش از سال قبل برپا شد. در این غرفه ضمن معرفی بزرگان یهود ایران که با شعارهای انسانی از کتب دینی و ایران دوستی تزیین شده بود، تلاش مسئولین غرفه بر این اصل قرار داشت که کتاب‌های مربوط به یهودیت و اعتقادات فرهنگی و اجتماعی یهودیان و همچنین بیان تاریخ طولانی زندگی یهودیان در ایران و موقعیت کنونی آنها در جمهوری اسلامی ایران را فراهم کنند و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهند و سایر منابعی که می‌تواند به درک بهتر مسائل مطرح شده کمک کنند، معرفی شوند. به علاوه در تمام

اردیبهشت ماه هر سال، بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی ایران زمین با نام نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برگزار می‌گردد. امسال این نمایشگاه سی‌امین سال فعالیت خود را برای دومین بار پیاپی در شهر آفتاب تجربه کرد و تمبر یادبود سی‌امین سالگرد توسط ریاست مجلس شورای اسلامی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و مسئولین نمایشگاه رونمایی شد. انجمن کلیمیان تهران نیز هم‌چون سال‌های گذشته زمینه حضور خود در این نمایشگاه را از اسفند ۹۴ آغاز کرد. با همفکری و همدلی ارگان‌های جامعه و تلاش اعضای کمیته فرهنگی، سرانجام غرفه جامعه کلیمیان ایران با نام انجمن کلیمیان

خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها و مطبوعات و بازتاب مثبت و پررنگی داشت. در روزهای برگزاری نمایشگاه، بسیاری از شخصیت‌ها در غرفه انجمن کلیمیان حضور یافتند، از جمله:

دکتر صالحی امیری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، دکتر صالحی معاون فرهنگی وزارت ارشاد و رئیس نمایشگاه، حجت‌الاسلام یونسی دستیار ویژه ریاست جمهوری در امور اقوام و ادیان به همراه دکتر زارع معاون ایشان، دکتر مطهری، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، دکتر حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان فارس، استاد تکمیل همایون، حجت‌الاسلام محمدی، معاونت وزارت آموزش و پرورش، فرید مبصر نویسنده کتاب پرندگان ایران، نمایندگان سفارت‌های سوئد، اتریش و صربستان، دکتر صادق زیباکلام، استاد دانشگاه تهران، رامین کهن، کارگردان تئاتر، سردار عدل هاشمی، نماینده مجلس، دکتر عمادالدین باقی، روزنامه‌نگار، عباس عبدی، روزنامه‌نگار، دکتر علی درستکار و حجت‌الاسلام نبویان، کارشناسان صدا و سیما، حجت‌الاسلام دکتر تسخیری، رئیس مرکز بین‌المللی گفتگوی ادیان، استاد صفدری، نویسنده، کامران رسول‌زاده، خواننده و ترانه‌سرا، صابر قدیمی، طنز پرداز، علی دهکردی و رضا فیاضی، بازیگران سینما و تئاتر و تلویزیون، رئیس نمایشگاه کتاب اتریش و رئیس اتحادیه کتاب اتریش، ابراهیم سعیدیان، شاعر کلیمی و اعضای نهادها و ارگان‌های جامعه کلیمی. در پایان مسوولین و مدیران و همکاران غرفه معرفی می‌گردند:

مدیران غرفه: بهادر میکائیل، امید شایان‌مهر، بهزاد نصیرزاده، آیلین تشخیصی.

مدت نمایشگاه کارشناسان دین یهود در غرفه حاضر بودند و به سؤالات و ابهامات پاسخ می‌دادند، فضای گفتگو بین مراجعه‌کنندگان از ادیان مختلف و افراد با عقاید و نظرات متفاوت و پاسخ‌دهندگان نمایشگر فرهنگ خویشتن‌داری و تعامل و تسامح بود. در نمایشگاه امسال یک قسمت مجزا برای نشریه افق بینا نیز اختصاص داده شد.

در چهارمین روز نمایشگاه سخنرانی و توضیح مواضع جامعه کلیمیان ایران با عنوان فعالیت‌های فرهنگی ایرانیان کلیمی در دوران انقلاب اسلامی توسط جناب حاخام دکتر حمادی لاله‌زار، رهبر دینی کلیمیان ایران، دکتر مره‌صدق نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس و هارون یشایایی، چهره فرهنگی و ماندگار جامعه کلیمیان در سالن کنفرانس ملل نمایشگاه برگزار گردید که مورد استقبال قرار گرفت.

ضمن این که در این مراسم دکتر سامه‌یح، رئیس انجمن کلیمیان و دکتر لاله‌پور مسوول کمیته فرهنگی انجمن به بیان سخنانی در زمینه جایگاه غرفه انجمن کلیمیان پرداختند. هم‌چنین از کتاب جامع تست دینی اندیشه، حاصل تلاش اعضای گروه اندیشه سازمان دانشجویان توسط مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و فعالان جامعه کلیمی رونمایی شد.

در همین روز جلسه‌ای با حضور مسوولان جامعه کلیمی و مسوولان غرفه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در محل آن سازمان تشکیل و تبادل نظر مفید بین حاضران انجام شد که متن کامل آن در سایت سازمان منعکس شده است. هم‌چنین فعالیت‌های غرفه انجمن کلیمیان در اکثر

گزارش کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران

لیندا لوی شوقی

مسئول کتابخانه مرکزی انجمن

مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی در اسفند ۱۳۶۲ توسط کاظم موسوی بجنوردی تأسیس شده است. نخستین اثر پژوهشی این مرکز، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی است که به سه زبان فارسی، عربی، انگلیسی منتشر می‌شود و هم‌اکنون تا جلد ۲۲ منتشر شده است.

دومین اثر پژوهشی این مرکز، دانشنامه ایران که دائرةالمعارف عمومی و جهانی است که دارای دوره سه جلدی می‌باشد.

سومین اثر پژوهشی این مرکز، دانشنامه‌ی فرهنگ مردم ایران است که دارای دوره چهار جلدی می‌باشد. کتاب‌های فوق توسط رئیس مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی به کتابخانه انجمن کلیمیان تهران اهدا شده است.

ضمناً تعدادی وسایل کمک آموزشی و کتاب‌های نوجوانان در زمینه آموزشی، علمی و تخیلی جهت کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران خریداری شده است. ■

طراح دکور و بروشور: فرید هزقیه.
چاپ، تایپ و تبلیغات: بهزاد نصیرزاده.
روابط عمومی و اطلاع‌رسانی:
آیدین برخوردار
تدارکات: داوود گوهریان.

کارشناسان مذهبی: حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار (مرجع دینی کلیمیان)، حاخام آرش تهرانی، مهندس پیام خاکشور، دکتر رامین لاله‌پور، مهندس امید محبتی، مهرداد ساسانی‌فرد، امید شایان‌مهر. سرپرستان غرفه: فرشاد یادگار، فرانک عراقی، فرزاد طوبیان، فرید یاشار، شهرام فروزان‌فر، رامین سخایی، شهاب شهامی‌فر، شارونا هارون‌شیلی.

متصدیان غرفه: آرمان سامه‌یح، لیورا رفوا، امید کدخدا، آیدین برخوردار، سارا لاله‌پور، الناز حریریان، دانیلا یومطوبیان، سامان سامه‌یح، شایان ملکان، سام یروشالمی، الین گنجی، استیو گنجی، شرمینه داوودزاده، الین یروشالمی، نورا موریم، شادی نیسانی، نسترن اقبالی، سینا شیرازی، دلارام دلرحیم، سپیده خالپری، آنا جبرئیل، پریسا برادریان، لونا یومطوبیان، نوید سرافراز، شادی شهامی‌فر، پیام کهن‌صدق، طناز حریریان، مهیار نظیری، کامیار نظیری، امیرفراز نعیموت.

گروه مشاورین: حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، هاراو گرامی، حاخام تهرانی، هارون یشایایی، دکتر سامه‌یح، دکتر مره‌صدق، دکتر لاله‌پور، دکتر کهن‌صدق، فرانک عراقی، شهرام فروزان‌فر، فرزاد طوبیان.

همکاران: سهیل نیسانی، بهداد میکائیل، مجید دونل، هرصل گل‌شیرازی. ■

گزارش ستاد برگزاری مراسم بزرگداشت بیست و هشتمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی

مهندس بیژن آصف

عضو هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران

جمعیت تاج گل را به طرف مرقد مطهر حضرت امام راحل حرکت داده و تاج گل به دست روحانیون ادیان الهی در جایگاه مربوطه قرار گرفت و طبق برنامه تنظیم شده جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار به نمایندگی از طرف روحانیون ادیان الهی حاضر در مراسم دعای مخصوص درگذشتگان را به زبان عبری برای امام راحل قرائت نمود. از طرف جامعه کلیمیان تهران دکتر سامه‌یح در مورد خصوصیات و اندیشه‌های امام راحل مطالبی ایراد نمود و در مورد زندگانی ایرانیان کلیمی و آزادی‌های آنان در سرزمین ایران سخنانی بیان کرد.

مراسم دیگری در همین روز برگزار گردید که دیدار با فرزند یادگار حضرت امام راحل حضرت حجت‌الاسلام سید حسن خمینی بود. روز پنج‌شنبه چهارم خرداد ماه طبق برنامه تنظیم شده در جله ستاد مرکزی بزرگداشت مراسم ارتحال حضرت امام مراسم دعا و نیایش برای روح پرفتوح حضرت امام راحل در کنیسه‌ی یوسف‌آباد برگزار گردید.

مقام معظم رهبری ساعت شش و نیم بعد از ظهر وارد مرقد حضرت امام راحل شدند و سخنرانی خود را آغاز نمودند. سخنرانی ایشان شامل مبارزات و اندیشه‌های امام راحل و هشدار دادن به دشمنان در خصوص به فراموشی سپردن امام راحل بود و در این مورد گفتند: امام میراث فرهنگی نیستند، امام زنده هستند و شاهد رفتار و کردار ما هستند و به جوانان توصیه کردند که با تحصیل علم و دانش در پیشرفت کشور سهیم باشید و جلوی نفوذ دشمن را بگیرید.

پس از پایان سخنان ایشان بدین ترتیب مراسم بزرگداشت بیست و هشتمین سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) پایان پذیرفت. ■

روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت بنا به دعوت ستاد مرکزی مراسم بزرگداشت بیست و هشتمین سالگرد ارتحال امام خمینی، جلسه‌ای در محل ستاد مرکزی به ریاست سردار موحدی تشکیل گردید.

سایر حاضرین عبارت بودند از کریم جانشین ریاست، مهندس شجاعی مسئول امور اجرائی، خالوئی مسئول دفتر کمیته ادیان الهی و رضائی جانشین ریاست ستاد مرکزی در کمیته نیروهای مسلح و همکاری با کمیته ادیان الهی، آرتین بابایانس نماینده شورای خلیفه‌گری ارامنه در ستاد مرکزی، دوامل ایلیه‌زاده نماینده انجمن آشوریان تهران در ستاد مرکزی و خادم نماینده انجمن زرتشتیان در ستاد مرکزی.

موحدی رئیس ستاد مرکزی بزرگداشت مراسم بیست و هشتمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی در سخنانی گفت: شعار امسال ما (ستاد مرکزی بزرگداشت) معنویت و اخلاق در سیرت انبیای الهی خواهد بود و با توجه به در پیش بودن ماه مبارک رمضان این موضوع به عنوان کار مشترکی به صورت کتاب اقدام گردد.

در باره برنامه‌های بزرگداشت مراسم بیست و هشتمین سالگرد ارتحال حضرت امام پس از بحث و گفتگو، اولین برنامه مراسم، ادای احترام و نثار تاج گل عنوان شد و روز سه‌شنبه دوم خرداد برای این مراسم تعیین گردید.

برنامه ادای احترام و نثار تاج گل به مرقد حضرت امام راحل طبق برنامه تنظیم شده انجام و پس از حضور ادیان الهی دعوت شده به مراسم، گارد تشریفات نسبت به حاضرین در مراسم ادای احترامات نظامی نمود و تاج گل توسط دو تن از افراد گارد و فرمانده مربوطه پیشاپیش

یهودیان ایرانی؛ گزارش یک سفر

برگردان: مرجان یشایی

(روزنامه‌نگار)



مقدمه: یاکوف رابکین، استاد تاریخ در دانشگاه مونترآل. وی در اواخر سال ۹۴ به کشورمان سفر کرده بود و مشاهدات خود از جامعه یهودیان ایرانی را در قالب گزارش‌گونه‌ای با ذکر جزئیات منتشر کرد. یکی از کتاب‌های او که به زبان فارسی ترجمه شده، «یک قرن مبارزه یهود علیه صهیونیسم» برگردان عبدالرسول دینانی انتشارات امیرکبیر است.

یکی از کنیسه‌های بزرگ تهران، قدم‌زنان خیابان فلسطین را طی می‌کردم. در همان نزدیکی ساختمان کنیسه‌ی بزرگی است که مدرسه یهودی و رستورانی کاشر را هم در خود جا داده. درها کاملاً باز و می‌دیدم که نمازگزاران برای انجام مراسم شب شنبه آماده می‌شوند. یکی از دوستان ایرانی، من را از راه خیابان به کنیسه‌ی کوچک‌تری هدایت کرد که کف آن سراسر پوشیده از قالی بود. این سنت عمومی را من تقریباً در اغلب کنیسه‌های ایران دیدم. کفش‌هایمان را درآوردیم، روی صندلی نشستیم و دعا شروع شد.

در چندین کنیسه‌ای که طی اقامتم در ایران پا گذاشتم، برای دعای شنبه یا نمازهای روزهای دیگر، دعاها هرگز با عجله خوانده نمی‌شد. نشان دادن طومار تورات^۱ که در کشورهای دیگر سرسری

بازدید از جامعه یهودیان ایرانی یکی از اهداف سفر من به ایران بود. از کنجکاوی و علائق دانشگاهی که بگذریم، دغدغه‌های من به عنوان یهودی مومن برای انجام مراسم مذهبی در روز شنبه و تهیه غذای کاشر (ذبح شرعی یهودیان) باعث شد در پی تماس با همکیشان ایرانی خود باشم. به علاوه، دعوت شده بودم تا درباره نوع عملکرد قوانین مذهبی یهود (هلاخا) در ارتباط با اسلام و مسلمانان سخنرانی کنم.

در مقایسه با بسیاری از جوامع یهودی در سایر نقاط جهان مانند آنچه بعد از مهاجرت از روسیه به مونترآل دیدم یا در بالتیمور یا پاریس، به نظر می‌آید یهودیان ایرانی در امنیت به سر می‌برند. یهودیان ایرانی بیشتر در خانه‌های نه بسیار لوکس و نه فقیرانه زندگی می‌کنند که البته این باعث نمی‌شود میهمان‌نوازی را از شما دریغ کنند.

آشنایی من با جامعه یهودیان ایرانی از دعای شب شنبه آغاز شد. عصر جمعه برای رسیدن به

^۱ - یهودیان در مراسم مختلف طومار تورات را پس از خواندن قسمتی از آن در میان جماعت می‌گردانند.

و بین ما فقط چند کلمه‌ای برگرفته از تورات ردوبدل شد. جو داخل ایران برای انجام مراسم مذهبی سایر اقلیت‌ها مساعد است. کودکان یهودی که در مدارس عمومی درس می‌خوانند از دروس اسلامی معاف هستند. به جای آن، باید در کلاس‌های مربوط به فرهنگ یهود که توسط روحانیون یهودی اداره می‌شود، حاضر شوند و نمرات آنها در این درس به مدرسه خودشان فرستاده می‌شود. به این ترتیب، یک کودک یهودی ایرانی در طول تحصیل خود از آموزش‌های سنتی یهودی هم برخوردار می‌شود. در شیراز وقتی داشتم مراسم دعا در کنیسه را هدایت می‌کردم، پسر بچه‌ای هفت ساله جلویم را گرفت و یادآوری کرد که پیش از آن باید دستم را بشویم.

در تهران، چند رستوران کاشر، مدارس یهودی، کلاس درس معارف یهودی برای بزرگسالان و البته چندین کنیسه وجود دارد.

مردم همیشه نسبت به من آماده کمک و گشاده دستی بودند. یک بار بعد از پایان نماز صبح در یکی از کنیسه‌های اصفهان، به دنبال تاکسی می‌گشتم که یکی از نمازگزاران مرا سوار بر موتورسیکلتش به هتل برد. یا روزی دیگر که از یکی از افراد کنیسه سراغ رستوران کاشر را گرفتم، به اصرار دعوت کرد در خانه میهمان او باشم.

در اصفهان اغلب می‌شنوید که شهر به دست یهودیانی بنا شده که بعد از خرابی معبد اول^۴ از اسرائیل آن زمان به منطقه اصفهان فعلی کوچ کرده‌اند. زمانی به اصفهان دارالیهود می‌گفتند. در

انجام می‌شود، در ایران مناسکی بسیار جدی است. طومار تورات آنقدر آهسته گردانده می‌شود که هر کس بتواند آیه‌ای را که خوانده می‌شده پیدا کند.

تلفظ دعاها بیشتر به سفارادی^۲ نزدیک بود، اما بعضی زیر و بم‌ها مرا به یاد مراسم یهودیان یمنی می‌انداخت. وقتی برای قرائت بخشی از متون مراسم دعوت می‌شدم، که این تقریباً در همه کنیسه‌هایی که بازدید کردم، اتفاق افتاد، معلوم شد سبک قرائت من که از روسیه و مونترآل فرا گرفته بودم، برای یهودیان ایرانی کاملاً مانوس است.

روز بعد به کنیسه‌ی دیگری رفتم، دنج‌تر و راحت‌تر از کنیسه‌ی قبلی. مانند اغلب کنیسه‌های غیر اشکنازی^۳ مراسم دعا توسط افراد داوطلب و بدون گرفتن دستمزد انجام می‌شد. زنان بدون وجود تیغه یا دیواره‌ای در صندلی‌های پشتی نشسته بودند. فقط در همان کنیسه‌ی بزرگ قسمت زنانه و مردانه با تیغه‌ای به ارتفاع کمتر از یک متر از هم جدا می‌شدند. زنان در همه دعا‌های سه‌گانه روزانه و نه فقط در مراسم روز شنبه شرکت می‌کردند، اغلب آنها با نماز همراه می‌شدند و به نظر می‌رسید با مناسک این امر آشنا هستند.

دوستی که ذکرش را آوردم مرا برای خوردن غذا و آشنا شدن با خانواده‌اش به خانه برد. برخلاف دوستم و خواهرش که انگلیسی را روان صحبت می‌کردند، پدر و مادر تنها با زبان فارسی آشنا بودند

^۲ - به یهودیانی گفته می‌شود که نسل آنها به جامعه بومی ایبری در ابتدای هزاره دوم میلادی می‌رسد. آنها با شروع انگلیزیسیون از اسپانیا به این منطقه تبعید شدند. سفاراد در عبری امروز به معنای اسپانیاست.

^۳ - گروهی از یهودیان با اصلیتی از اروپای شرقی و مرکزی که امروزه تا ۹۰ درصد جمعیت یهودی جهان را تشکیل می‌دهند.

^۴ - معبد اول سلیمان در سرزمین اسرائیل به سال ۵۷۸ ق.م به دست بخت‌النصر بابلی خراب شد.

دعای تبرک نان را بخوانیم، خداوند را برای آفرینش میوه‌ها و سبزی‌ها شکر کردیم. بیشتر غذا با دست خورده شد. بعد از مدتی از من خواستند چیزی از تورات برایشان بگویم و من درباره دو مفهوم از تورات گفتم: میشکان و میقداش^۵ که به ما درباره دام‌های نزدیکی و انحصارطلبی افراطی هشدار می‌دهد. وقتی برایشان گفتم پیش از یک سخنرانی عمومی در تهران در پاسخ به «بسم‌اله» به عبری گفته‌ام «با یاری خداوند و رستگاری وی» تشویق شدم. صبح روز بعد برای مراسم صبح شنبه و پس از آن صبحانه که به میزبان دیشب قول آنرا داده بودم، پیاده راهی جوواره شدم^۶، اما راه را گم کردم و سر از کنیسه‌ای دیگر درآوردم که نه مرد با نگرانی منتظر نفر دهمی بودند که برای شروع نماز به آنها ملحق شود^۷. راهی وجود نداشت جز آنکه من به عنوان نفر دهم همراه جمع بمانم. کف این یکی کنیسه را به جای فرش با پتو پوشانده بودند و ظاهر فقیرانه‌تری داشت. پیر جمع، پیشنهادی را به من سپرد و بار دیگر در برابر اعضای قدیمی‌ترین جامعه یهودی در جهان، در کنیسه‌ای کوچک در جوواره اصفهان که با آیات و پیرایه‌های قدیمی تزئین شده بود، مراسم دعا را به جا آوردم.

پس از پایان مراسم، پیرمردی که بزرگ جمع به حساب می‌آمد، سوار دوچرخه شد و به خانه رفت.

^۵ - میشکان نوعی خیمه بوده که در جریان سرگردانی قوم یهود به عنوان مکان عبادت از آن استفاده می‌شده. میقداش به معنای معبد مقدس است.

^۶ - یهودیان مذهبی بنا بر سنت‌های تورات روز شنبه سوار وسایل نقلیه موتوری نمی‌شوند.

^۷ - برای انجام نمازهای جماعت یهودیان حضور ۱۰ مرد یهودی الزامی است.

جوواره، محله قدیمی یهودیان اصفهان، به دنبال کنیسه بودم که سردری با ستاره داوود نظرم را جلب کرد. داخل شدم، دو زن سالمند داخل کنیسه بودند. سعی کردم به آنها توضیح دهم که یهودی هستم، اما معلوم بود باور نکرده‌اند. به زبان عبری صحبت کردم، اما باز هم فایده‌ای نداشت. تا عاقبت با خواندن آیه‌ای از تورات (تورا صیوا لانو موشه) با شادمانی به من پاسخ دادند و بالاخره ارتباط برقرار شد. این اولین آیه تورات است که به طور سنتی به کودکان یهودی آموخته می‌شود: «موشه (موسی) ما را به فرمانبرداری از تورات امر کرده که همانا میراثی است از طایفه یعقوب».

در خیابان مردی با کپیا، شب‌کلاه یهودیان، را دیدم و از او سراغ جایی را گرفتم که نماز عصر در آنجا برگزار می‌شود، وی بدون سوالی مرا به کنیسه ای راهنمایی کرد که عبارات عبری و فارسی به وضوح بر سر در آن حک شده بود. کنیسه جایی دنج و کوچک با قدمتی حدود ۱۰۰ سال و دیوارها با نقل قول‌های از مزامیر داوود که بخشی از دعای روزانه یهودیان است، تزئین شده بودند. مردها در یک گوشه و زنان در گوشه دیگری نشسته بودند. جماعت کنیسه از من دعوت کردند پیشنهادی را به عهده بگیرم. با خروجمان از کنیسه بدون آنکه بفهمم چه می‌گویند، آشنایی بین ما ایجاد شده بود. شب جمعه بود و تمامی اهالی از من دعوت می‌کردند که برای مراسم شام شب شنبه که در آیین یهودیت اهمیتی خاص دارد، میهمان آنها باشم. ترجیح دادم چیزی نگویم تا بالاخره شب شنبه بعد از پایان مراسم نیایش مرد جوانی مرا به خانه‌اش برد. به جز مرد جوان و والدینش، دو خواهرش و مردی که انگلیسی را روان صحبت می‌کرد، به ما پیوستند. همگی روی فرش نشستیم و پیش از آنکه

می‌شدند همراهش بودند و با مهربانی کنیسه‌ها را نشانم داد.

دوستانم در اصفهان آقای ساسون را به من معرفی کردند. وی هنرمند، معمار و صاحب گالری نقاشی بود که ما در آنجا یکدیگر را ملاقات کردیم. به علاوه، وی تنها یهودی در اصفهان است که سمت مهندس مشاور ساختمان‌های دولتی را دارد. وارد گالری که می‌شوید، تصویری زیبا از اورشلیم روبرویتان دیده می‌شود که این آیه تورات کنار آن نوشته شده است: «آه ای اورشلیم، هرگاه تو را از یاد بردم، دست راستم بریده باد». وی یهودی وفادار به آیین یهودیت است و گفت مرا در کنیسه دیده است. پسرش استاد آموزش موسیقی ایرانی است. ساسون، با مهربانی و گشاده‌رویی، به گرمی پذیرای من شد و به تمام سوالات من درباره جامعه یهودی اصفهان با حوصله پاسخ داد، چند توصیه برای سفر در ایران کرد و چند تماس از دوستان و آشنایانش را در اختیارم گذاشت. امروز گالری ساسون که در بیش از ۴۰ نمایشگاه شرکت داشته و به تمام دنیا سفر کرده، در زمین خانه والدینش قرار دارد که بخشی از محوطه یک کنیسه‌ی بزرگ بوده است.

در ایران بارها پیش آمد که بسیاری از غیریهودیان به‌خصوص آنها که در کار کسب و تجارت هستند از یهودیان به عنوان مردمانی امین و قابل‌اعتماد یاد کردند. این کلمات به همان خوبی قراردادی مکتوب است، تصویری کاملاً متفاوت از آنچه در اروپا از یهودیان دیده می‌شود، مردمانی پست، دروغگو و حریص. یک تاجر یهودی فرش در هتل به دیدنم آمد و بی آنکه صدای خود را پایین بیاورد یا احساس ناراحتی کند، با من به زبان عبری صحبت کرد، بی آنکه معذب باشد با صدای

از آنجا که همه یکدیگر را در جو باره می‌شناسند و هر خبری به سرعت در محله می‌پیچد، میزبان دیشبی توانست مرا آسان پیدا کند و برای ناهار مفصل شنبه دوباره میهمان همان خانواده شدم. پسر خانواده با تحصیلات مهندسی، حالا در مغازه یکی از بستگان پارچه می‌فروخت و درآمدی بسیار بیشتر از درآمد مهندسی داشت. بعد از آن هم ریاضیدانی را ملاقات کردم که در بازار معروف شهر فرش می‌فروخت. نشانه‌هایی از دوری از مدرنیته را شاهد بودم. رئیس تنومند خانواده‌ای که میهمان آنها بودم، با چند جای خالی دندان در دهانش زمانی شاگرد مدرسه آلیانس اصفهان^۸ بود و می‌توانست کمی فرانسه صحبت کند. هرچند مراسم شنبه را با دقت به جا نمی‌آورد، اما میهمان‌نواز بود. ناهار مفصل بود، سالاد زیتون را سر سفره دیدم، من روس در کمال تعجب به این نتیجه رسیدم که سنت روسی بر سفره ایرانی‌های تاثیر گذاشته است. بعد از آن با سنت دیگر ایرانی آشنا شدم: میزبان به من پیژامه‌ای داد، نوعی شلوار پارچه‌ای راحت که می‌توانستید با آن سر سفره بنشینید و البته بعد از صرف غذا چرتی بزنید. ظاهراً پیژامه فقط برای همین پیشنهاد شد چون بعد از چرت بعد غذا لباس‌هایم را پوشیدم و به قصد دیدن شهر بیرون آمدم. در گشت و گذارم در جو باره یهودی دیگری را دیدم که صحبت‌مان با شبات شالم، شنبه به سلامت، آغاز شد. کلیدهای چند کنیسه که در آنها فقط روزهای شنبه باز

^۸ - بنیادی یهودی در فرانسه که به سال ۱۹۸۰م با هدف آموزش یهودیان سراسر جهان تاسیس شد. اولین مدرسه آلیانس در همدان در سال ۱۲۷۹ شمسی (۱۹۰۰م) آغاز به کار کرد.

خواندن جملات آغازین میسنای براخوت^۹ تحت نظارت یک معلم جوان دیدم. یک نفر به من توضیح داد اینها نوجوانانی هستند که در مدارس عمومی ایران درس میخوانند و باید درس تعالیم یهود را هم در کنیسه فرا گیرند. روحانی معلم کلاسها به طور دوره‌ای از آنها امتحان می‌گیرد و نمراتشان را برای مدرسه می‌فرستد تا در کارنامه دانش‌آموزان یهودی گنجانده شود. بنابراین و بنا بر نتیجه‌گیری هم‌صحبت من، جمهوری اسلامی چارچوبی مذهبی را فراهم آورده که آسان‌تر می‌توانید یهودی باشید.

در راه برگشت، دوستم ردیفی از مغازه‌های فروش پوشاک را نشانم داد که بسیاری از آنها صاحبانشان یهودی بودند. روز شنبه که در آن خیابان راه می‌رفتم، چندتایی مغازه که صاحبان یهودی داشتند، در بحبوحه کسب و کار پررونق سال نو بسته بودند.

در گشت و گذارم در جامعه یهودیان شیراز، خانه قدیمی را پیدا کردم که در هنگام عید پسخ (فطیر) در آن مصا، نان مخصوص عید فطیر، پخته می‌شود، در کنار مصاپزی یک سالن میهمانی و عروسی، چند دفتر و دکه‌ای برای فروش تنقلات و گوشت و لبنیات کاشر هم بود. در حیاط خانه کاملاً گشوده و در بدو ورود تصویر [امام] خمینی با شعاری درباره یکپارچگی جامعه ایرانی در کنارش به چشم می‌خورد. بعداً برای صرف چلوکباب به آنجا رفتم.

بلند به من «شالم» گفت که در حقیقت واژه‌ای بسیار نزدیک به «سلام» ایرانی است.

در لابی هتل با صیون ماهگرفته، رئیس انجمن کلیمیان اصفهان دیداری داشتم. ماهگرفته برایم توضیح داد که یهودیان بیشتر در کار خرده‌فروشی پوشاک هستند، شاید بتوانید چندتایی استاد یا متخصص یا مشاغل دیگر پیدا کنید، اما بیشتر یهودیان ایرانی وارث کسب و کاری هستند که اغلب از پدرشان به آنها رسیده است. ماهگرفته که فرزندانش در دانشگاه تحصیل می‌کنند، خود دارای یک شرکت تجهیزات ایمنی است.

شیراز

صبح زود به شیراز رسیدم. هتل محل اقامت من، روبروی خیابانی بود که ساختمان کوچک کنیسه‌ای با نام «حاداش» به معنای کنیسه‌ی نو در آن قرار داشت. خیلی زود، یکی از یهودیان شیراز را دیدم، دانش‌آموخته دانشگاه شیراز بود که انگلیسی را روان صحبت می‌کرد. سراغ کنیسه‌ای را گرفتم که دعای گومل، دعایی که یهودیان بعد از سفر می‌خوانند، را به جا آورم که وی با لبخندی گفت اهالی شیراز به تن‌آسایی معروفند و می‌توانم دعایم را همراه با نوبت پنجم نماز جماعت صبح در کنیسه‌ی اصلی شهر بخوانم. درواقع، ما توانستیم به نوبت دعای نه و نیم صبح برسیم و همراه با حدود ۳۰ مرد جوان که اغلب شلوار جین پوشیده بودند در نماز جماعت شرکت کنیم.

در کنیسه گروه‌هایی برای آموزش تعالیم یهود به بزرگسالان، هم تشکیل می‌شد. بعد از انجام مراسم عبادت، گروهی از پسر بچه‌ها را سرگرم

^۹ - میشنا یا مشنه) عبری: משנה

به معنی «تکرار و تلقین»، کتابی است که یکی از دین‌پژوهان یهودی به نام حاخام یهودا هناسی با جمع‌آوری مکتوبات متفرق هلاخایی در یک‌جا تدوین نمود و به صورت کتاب ویژه تورات شفاهی درآورد.

شد. خانه گرم و پذیرا بود و طبق سنن محلی بار دیگر پیشنهاد کردند از شلوار راحتی استفاده کنم. پسران بزرگ رئیس خانواده از داشتن شغل حسابداری یکی از ثروتمندترین اهالی یزد به خود می‌بالیدند. همسر یکی از آنها ترتیب‌دهنده تورهای گردشگری یزد بود. فضا لذتبخش و آرام بود، مردم می‌آمدند، می‌نشستند می‌خورند و می‌نوشتند و می‌رفتند.

پرسیدم آیا آن دوست غیریهودی من که روی تاثیرات ایرانی‌ها بر تلمود، یکی از کتب مذهبی یهودیان، مطالعه می‌کند اجازه حضور در مراسم دعای صبح را دارد یا خیر که رئیس با خوشحالی موافقت کرد.

روز بعد همان ۵۰ نفر حدود ۷ صبح برای خواندن مگیلا، کتاب استر، دوباره جمع شدند و مراسم خواندن ۳ ساعت طول کشید و در آخر افتخار گرداندن طومارهای تورات به من رسید. بعد از پایان دعا میز غذا با انواع غذاهای ایرانی که هر کدام را خانواده‌ای آورده بود، چیده شد.

تهران

در بازگشتم به تهران، از من دعوت شد درباره تضاد بین یهودیت و صهیونیسم در جمعی حدوداً چهل نفره به نام «گروه فارغ‌التحصیلان یهودی ایران» که غالباً دانش‌آموختگان دانشگاه‌های ایران بودند، سخنرانی کنم. بسیاری از افراد حاضر در آن جمع می‌دانستند من کتابی نوشته‌ام با همین موضوع که به فارسی ترجمه و در ایران چاپ شده است. جلسه در عصر یک روز سه‌شنبه در کنیسه‌ی کوچکی برگزار شد که شنبه قبل برای اجرای نماز جماعت به آنجا رفته بودم.

موقع صبحانه در هتل با یکی از میهمانان لیتوانیایی هتل همسفره شدم. این خانم که زمانی سخت تحت تاثیر عرفان ایرانی قرار گرفته بود، گروه‌هایی از هم‌میهنان خود را برای دیدن شیراز و ایران می‌آورد و از این راه کسب و کاری راه انداخته بود. بقیه شهر را او نشانم داد. بعد از ظهر صورت حساب هتل را پرداخت کردم و دوباره روانه کنیسه شدم.

یزد، آخرین ایستگاه

شهر یزد آخرین ایستگاه در گشت و گذار یهودی من بود. نزدیک غروب آفتاب، ترافیک تحمل‌ناپذیر شد و فکر کردم پیاده زودتر به کنیسه می‌روم. پسر دوست ایرانی من همراهم شد و ما مجبور شدیم نیم ساعت با جمعیت انبوهی که در تعطیلات در مراکز تجاری شهر می‌گشت کلنجار برویم تا راه خود را باز کنیم. همراهم چندین بار توقف کرد تا راه را بپرسد. بیشتر کاسب‌های یزدی محل کنیسه را می‌دانستند و به ما گفتند چطور به آنجا برسیم. در واقع، دو کنیسه کنار هم بودند. یکی غیرفعال با نوشته‌ای عبری بر سر در ورود و دیگری همان که من نومیدانه دنبالش می‌گشتم. درست پیش از شروع نماز جماعت به آنجا رسیدم. جایی برای نشستن و کتاب دعایی پیدا کردم و با بقیه ۵۰ نفری که مشغول دعا بودند، همراه شدم. دعا به صبر و عمیق خوانده می‌شد و کسی برای باز کردن روزه آن روز (پوریم) عجله نداشت.

در پایان دعا رئیس جماعت دعوت کرد برای باز کردن روزه به منزلش بروم. در راه تقریباً حرف یکدیگر را نمی‌فهمیدیم، اما در خانه با حضور بستگان و همسران و بچه‌های آنها که برخی انگلیسی یا فرانسه را متوجه می‌شدند، اوضاع بهتر

روز بعد، مرجان [مترجم] و پدرش، هارون یشایایی رئیس اسبق انجمن کلیمیان تهران و تولیدکننده فیلم‌های سینمایی، چند کنیسه‌ی کوچک در محله قدیمی کلیمیان در عودلاجان، پایین‌تر از جایی به نام سرچشمه و بیمارستان دکتر سپهر و برخی جاهای خاص را نشانم دادند. یکی از این کنیسه‌ها، قدیمی‌ترین کنیسه در تهران، هنوز دایر بود. بر دیوارهای این کنیسه آیاتی از مزامیر حضرت داوود با گچ کنده‌کاری شده و کنیسه‌ی دیگر مزین به ریمونیم، نوعی تزئینات نقره، بود. این کنیسه به یاد زنان و مردان و کودکان لهستانی که در جنگ جهانی دوم در ایران ماوا گرفته بودند کنیسه‌ی لهستانی‌ها گفته می‌شد و دیگری به نام کنیسه‌ی حاداش که عمر کمتری داشت، بنا به کتیبه‌ای که تاریخ بنا بر آن حک شده بود، در سال ۱۸۷۹ به شکل معبد سلیمان در اورشلیم تاسیس شده بود.

مرجان برایم تعریف کرد پدرش پیش از انقلاب از هواداران جدی گروه‌های چپ و مخالف رژیم شاه بوده است و ظاهراً در همین زمان با برخی انقلابیون مسلمان طرح دوستی می‌ریزد. بعد از انقلاب یشایایی که رئیس جامعه کلیمیان هم بود، ارتباط خود با انقلابیون مسلمان را حفظ می‌کند تا اینکه در زمان ریاست جمهوری احمدی‌نژاد به دلیل نوشتن نامه‌ای با عنوان «هولوکاست افسانه نیست» به رئیس جمهور وقت و مقاله دیگری به نام «هیولای فاشیسم» که در نشریه افق بینا، ارگان انجمن کلیمیان تهران، چاپ شد، مجبور می‌شود از همه سمت‌های خود کنار برود. با تمام این احوال در ۸۱ سالگی وی هنوز فعال است و کلید همه کنیسه‌هایی را که به من نشان داد، در دست دارد. مرجان در یک نشریه سلامت دبیر است و یکی

این بار برخلاف دفعه قبل، کسی کفش‌ها را درنیاورد، فکر می‌کنم این کار بیشتر در زمان نماز رسم باشد. پیش از شروع سخنرانی به دکتر سیامک مره‌صدق معرفی شدم، نماینده یهودیان در مجلس شورای اسلامی که کتاب من را همانجا خریده و دست به دست می‌گرداند. غیر از سخنرانی، وقت ما به گپ و گفت و گرفتن عکس‌های دستجمعی در فضایی دوستانه گذشت.

مخاطبان اشتیاق جالبی به تاریخ صهیونیسم داشتند. بسیاری از آنها می‌خواستند درباره مخالفت روحانیت یهودی با آن و دنیای افتراقات حاکم بر تفکرات یهودی بدانند که یهودیان ایرانی هرگز با آن سروکاری نداشته‌اند. فقط یک خاطره دور را بسیاری از یهودیان ایرانی نقل می‌کنند که زمانی، شاید صد سال قبل، اختلاف بر سر چندوچون غذای کاشر به برخوردهای خشونت‌آمیز در جامعه منتج شد. برخی یهودیان از ترس همکیشان دیگرشان به جاهای امن پناه می‌بردند، اما در آخر پادرمیانی یکی از آیت‌الله‌های معروف آرامش را دوباره در بین آنها برقرار کرده بود.

چهار پنج نفر به‌خصوص نماینده مجلس بیشترین سوالات را می‌پرسیدند و معلوم بود من در آن سخنرانی لازم نیست مخاطبانم را قانع کنم که یهودیت با صهیونیسم تفاوت دارد، اگر کشوری را بتوانم نام ببرم که یهودیان از کتاب من استقبال کرده باشند، آن کشور ایران است. احساس می‌کردم در اینجا، در قدیمی‌ترین جامعه یهودی جهان، دانستن فرق بین صهیونیسم و یهودیت، یعنی همان موضوعی که در کتابم به آن پرداخته بودم، اهمیتی حیاتی دارد. این امر باعث شد با نوعی حس اعتماد و امنیت به دیدار آنها بروم.

آخرین جای بازدیدم در محله قدیمی، کاروانسراییی بود که زمانی یهودیان اولین بانک را در آنجا تاسیس کرده و محل مبادله ارز در زمان خود بوده است. امروز از آن کاروانسرا و بانک یهودی خبری نیست و به جای آن رستورانی به توریست‌های مشتاق مانند من که مایل به دیدن محله‌های قدیمی تهران هستند، خدمات ارائه می‌کند.

گردش آن روز ما به خوردن غذا در رستوران کاشر پایان یافت. چیزی دال بر کاشر بودن رستوران دیده نمی‌شد، اما مردم آنجا را می‌شناختند و به گفته مرجان بیشتر مشتری‌ها یهودی بودند، هرچند اینجا هم مردان کمی کلاه مخصوص یهودیان را به سر داشتند. باوجود رعایت قواعد کسروت در آن مکان، به نظر می‌رسید مشتری‌های یهودی رستوران چندان در بند خواندن دعای شکرانه بعد از غذا نیستند. می‌دانستم اغلب یهودیان ایرانی اعتقادات مذهبی دارند و اعمال مذهب یهود اساس هویت یهودی آنها را تشکیل می‌دهد و این همان کاری است که هر یهودی به دلیل یهودی بودنش می‌کند. اینجا برای احراز هویت یهودی جایگزینی برای احکام تورات وجود ندارد، از صهیونیسم، ادبیات یهودیان سکولار و رقص‌های اسرائیلی و البته از درس‌هایی در مدارس یهودی در حمایت از دولت اسرائیل هم خبری نیست. از این منظر، جامعه یهودیان ایران ریشه‌ای هزار ساله دارد که امروز بسیاری از اعضای آن مهندس، پزشک یا دارای مشاغل دیگر هستند. آنها آنطور که روحانیون یهودی در سایر نقاط جهان تبلیغ می‌کنند، مدافع یک ایدئولوژی خاص نیستند. آنها همچنان که ایرانی باقی مانده‌اند، یهودی زندگی می‌کنند و به دنیای امروز وارد شده‌اند. ■

از افراد دخیل در گزارشی با عنوان تاثیر تحریم‌ها بر سلامت مردم ایران که به مجامع بین‌المللی هم ارائه شده است. گزارش غم‌انگیزی بود که من هم آنرا خواندم. مرجان یهودی بود، به گفته خودش کاملاً غیرمذهبی اما علاقمند به امور یهودیت. در حیاط یکی از کنیسه‌ها در گلدانی بزرگ بوته مورد کاشته بودند، گیاهی با بوی نافذ و دلپذیر که برای یکی از دعا‌های شکرانه از آن استفاده می‌شود. مرجان پیشنهاد داد دعای شکرانه را برای بوی دلپذیر گیاهان بخوانم.

در نزدیکی دو کنیسه ی قدیمی در محله سنتی کلیمیان به دیدن بیمارستان دکتر سپهر رفتیم که بر بالای سر در آن آیه معروف تورات «همنوع را مانند خودت دوست داشته باش» به زبان فارسی و عبری بر تابلویی نوشته شده بود. برخلاف بیمارستان یهودیان مونترال که در پاسخ به حرکت‌های ضدیهودی در به کار نگرفتن پزشکان یهودی در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ در این شهر بنا شده بود، بیمارستان یهودیان تهران یک مکان خیریه بود که طی جنگ جهانی دوم برای درمان تیفوس به شکل درمانگاهی در یک کنیسه کار خود را آغاز کرد، به تدریج مردم خانه‌هایی را برای گسترش آن وقف کردند تا اینکه به صورت امروزی ساخته شد. یهودیان سال‌هاست که از آن منطقه [عودلاجان] به نواحی دیگر شهر کوچ کرده‌اند، اما بیمارستان همچنان به بیماران یهودی و مسلمان خود خدمات‌رسانی می‌کند. یهودیانی که در سال‌های انقلاب مشروطه در آن محل می‌زیستند، در وقوع آن انقلاب نقش داشتند و به گفته یشایایی کنیسه‌ی بزرگ‌تری که امروز تنها بخشی از آن فعال است، یکی از محل‌های تجمع انقلاب مشروطه بوده است.



دوست عروسک‌ها

مصاحبه با رامین کهن، هنرمند کلیمی

آزاده بن ذکریایی

قصه در نشریه صورت گرفت و در آن زمان زمینه مساعد برای کار فراهم نشد و لذا در سال ۱۳۹۵ با بازنگری اساسی و جدی برای جشنواره‌ی بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران-مبارک تصمیم به اجرای این نمایش گرفتم. بازنویسی نمایشنامه همراه با نگاهی نو به قصه بود و سعی شد فضای شاعرانه‌ی کودکانه‌ای به متن داده شود. عموماً تفکر غالب این است که مضامین عشقی به کودکان بی‌ربط است. اما من نظرم مخالف این است و در این کار به شدت تاکید روی مضمون عاشقانه داشتم برای مخاطب کودک.

* شما در زمینه موسیقی هم تبحر دارید و همیشه موسیقی‌هایی که انتخاب می‌کنید، جذابیت کار رو صد چندان می‌کند، از موسیقی و آهنگسازی این کار برایمان بگویید.

- در ابتدا همه‌ی بخش‌های این نمایش به صورت شعر سروده شده بود و موسیقی نیز به صورت همزمان ساخته می‌شد. اما به دلیل این‌که فضای تماماً موزیکال برای کودکان ایجاد نوعی عدم تمرکز روی خط داستانی می‌کند و ممکن است قصه را فراموش کنند و بیشتر با ریتم همراه شود تا

رامین کهن

نویسنده، کارگردان و آهنگساز تئاتر

متولد ۱۳۶۶ تهران

تحصیلات دوره متوسطه در رشته‌ی سینما

کارشناسی تئاتر از دانشگاه هنر

کارشناسی ارشد نمایش عروسکی پردیس

هنرهای زیبای دانشگاه تهران

فارغ التحصیل طراحی و ساخت عروسک از

مدرسه تئاتر عروسکی شارلویل مزیر فرانسه

آغاز فعالیت حرفه‌ای از سال ۱۳۸۴

* آقای کهن لطفاً از طرح و ایده اولیه نمایش عروسکی «موش تا موش» برای ما توضیح دهید.

- طرح اولیه موش تا موش از قصه‌ای به همین نام که در سال ۱۳۸۶ برای کودکان در نشریه می‌نوشتم آغاز شد. این قصه برگرفته از افسانه‌ها، متل‌های قدیمی و قصه‌های فولکلوریک بود که مضمونی عاشقانه داشتند. البته نگاه عاشقانه‌ی این قصه به گونه‌ای برگرفته از روایت شیرین و فرهاد نظامی گنجوی بود.

نگارش متن اولیه نمایش یک‌سال بعد از چاپ

ابک، علی باروتی، فاطمه پورهاشمی، متین گودرزی و پرستو آریا کیا را نام ببرم، و البته هنرمندان دیگری هم در این کار بودند که دیده نمی‌شدند اما صدای ماندگارشان برای همه ما آشناست. در این کار مرضیه برومند، هنگامه مفید، الکا هدایت و امیررضا میرآقا بعنوان صدای پیشه‌ی عروسک‌ها من را همراهی کردند.



* اجرای موش تا موش را برای اولین بار در کانون پرورش فکری کودک و نوجوان دیدیم و با اجرای تالار هنر تفاوت‌های زیادی داشت. از جشنواره تا اجراهای تالار هنر چه تغییراتی در نمایش ایجاد شد؟

- نمایش موش تا موش در جشنواره عروسکی در سالن مرکز تولید کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در تاریخ‌های ۴ و ۵ شهریور به روی صحنه رفت، در همان روزها مدیر کانون پرورش فکری تاییدیه اجرای نمایش برای عموم به مدت ۴۵ شب در آذر ماه سال ۹۵ در سالن کانون را صادر کرد. اما متأسفانه پس از عقد قرارداد به دلایلی نامعلوم لغو گردید.

قصه، تصمیم گرفتم دیالوگ‌هایی هم به نمایشنامه اضافه کنم و شکل داستانی نمایش را حفظ کنم. کلیه موسیقی‌ها را بدون دخالت هیچ نرم‌افزار و برنامه‌ی آهنگسازی بصورت پارتیتور نوشتم و با سازهای آکوستیک در استودیو ترنج ضبط کردم. نوازندگان متعددی برای ضبط موسیقی دعوت شدند و سازها عبارت بودند از: پیانو، سه‌تار، ویلن، بلز، فلوت، آکادئون، گیتار آکوستیک، کاخن، کوزه، دومدوم، دف، تنبک، گیتار باس، کمانچه و سازهای افکتیو. همچنین روایت قصه توسط یک گروه کر صورت می‌گرفت.

* عروسک‌هایی که در این نمایش به صحنه آمدند بسیار دلنشین و مورد پسند همه‌ی مخاطبان بودند. کمی در مورد آنها و البته عروسک‌گردان‌های خبره توضیح بدهید.

- من تکنیک عروسکی بونراکو که تکنیک بسیار سختی هم در ساخت عروسک و هم در هدایت عروسک است را انتخاب کردم. این یک تکنیک ژاپنی است و عروسک‌ها دارای امکان حرکتی بسیاری هستند، مثل داشتن توان حرکتی اجزای صورت و ... این تکنیک نیاز به هماهنگی شدید بازی دهندگان با هم و مهارت دارد. به مدت ۴ ماه تمرینات ادامه پیدا کرد تا پس از سه مرحله بازمینی کار برای شرکت در جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران - مبارک مورد تایید داوران قرار گرفت.

از چهره‌های شاخصی که در این پروژه به عنوان عروسک‌گردان من را همراهی کردند می‌توانم سعید

گفت: «من رو بردید به کودکی‌هام و افسوس که شما جوونا انقدر خوب کار می‌کنید ولی قدرتونو نمی‌دونن».

لیلی گلستان گفت: «یک کار حرفه‌ای در سطح بین‌المللی بود».

حسن معجونی بازیگر، کارگردان و مدیر گروه تئاتر لیو نیز پس از دیدن اجرا در حال فراهم کردن شرایطی برای اجرای موش تا موش در رشت و شیراز است.

* مطلع شدیم که به تازگی در مقطع کارشناسی ارشد و در رشته‌ی تئاتر فارغ‌التحصیل شدین و از پایان نامه با موضوع تئاتر عروسکی در دانشگاه تهران دفاع کردید. آیا موش تا موش هم جایی در این پایان نامه داشت؟

- اساس این اجرا دستمایه‌ای شد برای پژوهشی علمی و آکادمیک در باب تحلیل روانکاوانه از افسانه‌ها و داستان‌ها بر اساس آرای برونو بتلهایم برای تئاتر عروسکی. پژوهش در قالب پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد با راهنمایی استاد هما جدیکار نگاشته شد و در تاریخ ۱۲ تیرماه جلسه‌ی دفاع از رساله‌ی نظری در دانشگاه تهران به داوری دکتر شیوا مسعودی و دکتر آزاده گنجه برگزار شد.

* کمی برایمان در مورد بتلهایم بگویید.

- برونو بتلهایم در سال ۱۹۰۳ میلادی دروین به دنیا آمد. او برای فعالیت‌هایش در زمینه‌ی درمان و تعلیم کودکان - به لحاظ احساسی - آسیب دیده مشهور است. در جنگ جهانی دوم هنگامی که

پس از این اتفاق مدیریت تالار هنر بلافاصله از ما برای اجرا در تالار دعوت کرد و قرار شد در فروردین ۱۳۹۶ و در ایام عید اجرای ما بروی صحنه برود. شتابزدگی آماده کردن کار برای جشنواره من را قانع نکرده بود و تصمیم به بازتولید کار گرفتم و با شقاوت تمام هرچه داشتم را دور انداختم و از نو ساختم. لذا این اجرا نسبت به اجرای جشنواره پیشرفت چشمگیری داشت.

* لطفا برای ما از روزهای اجرای کار و استقبال مخاطبان بفرمایید.

- در تاریخ ۶ فروردین اجرای تئاتر ما شروع شد ولی افتتاحیه‌ی رسمی نمایش در روز ملی تئاتر (۷ فروردین) با حضور مدیر مرکز هنرهای نمایشی وزارت ارشاد، اساتید، بزرگان تئاتر و کارگردانان سینما و تلویزیون برگزار شد. در همان روز های اول کل بلیت‌های هفته‌ی اول در فروش اینترنتی تمام شد و این روند تا انتهای اجراها تقریباً ادامه داشت. اجرای نمایش با استقبال مواجه شد و پس از سه بار تمدید در تاریخ ۶ خرداد با پشت سر گذاشتن ۵۱ شب اجرا و آمار تماشاچی بیش از ۸ هزار نفر، بالاخره نمایش موش تا موش با مراسم آتش بازی در خیابان ورزنده خاتمه یافت.

* این نمایش بازتاب رسانه‌ای و مطبوعاتی خوبی داشت و هنرمندان بسیاری به دیدن نمایش آمدند. کدام هنرمندان برای خودتان شاخص بودند و چه نظری داشتند؟

- حسن دولت‌آبادی پس از دیدن نمایش

از مهم ترین کتاب‌های او «کاربردهای افسون: معنا و اهمیت قصه های پریان» است. از دیگر کتاب های او می‌توان به «فروید و روح بشر»، «والدین به قدرکفایت خوب: کتابی در باب پرورش کودک» و ده ها کتاب و مقاله‌ی دیگر که به چاپ رسیده است، اشاره کرد.

وقتی برونو بتلهایم در سال ۱۹۹۰ میلادی و در سن ۸۶ سالگی اقدام به خودکشی کرد، روانکاوی پرآوازه بود. او از جهان رخت برپست در حالی که پشت سرش صدها کودک پریشان را به زندگی عادی و شرایط طبیعی بازگردانده بود.

* و سخن آخر؟

- قرار است ۲۳ شهریور نیز سمیناری در موسسه‌ی پژوهشی کودکان برگزار کنم و نتیجه پژوهش را در آن سمینار برای نمایشگران کودک، مربیان و فعالان این حوزه شرح دهم. علاوه بر این، یک روز کارگاه برای قصه گوینان نیز برگزار خواهم کرد.

به امید کارهای فوق العاده بعدی از شما

هنرمند جوان جامعه کلیمی. ■

نازی‌ها بر اتریش غلبه پیدا کردند، به علت آن که یهودی بود در اردوگاه‌های کار اجباری در آلمان ساکن می‌شود. پس از یک سال از اردوگاه آزاد و به آمریکا مهاجرت می‌کند. او در مقاله‌ای تأثیرگذار به روانشناسی محبوسان در اردوگاه های کار اجباری می‌پردازد.



او در یادداشت‌ها و تحقیقاتش در جستجوی یافتن راه حلی بود تا به لحاظ درمانی به از بین بردن رنج‌های عاطفی و آشفتگی‌های

کودکان مضطرب کمک کند و به آنها در مفید بودن اجتماعی یاری رساند.

بتلهایم قصه گوی خوبی بود و ایده های فروید را عمومیت بخشید. کتاب هایش با فروش چشمگیر و موفقیت محسوسی همراه بود.



ماه پشت ابر نمی ماند

آرش آبائی

محقق و مدرس در موزه یهودیت

حجم عظیم ادبیات سیاسی، اجتماعی و الهیاتی در کنار آثار هنری در جهان درباره این واقعه است که همچنان پس از هفت دهه به واکاوی ابعاد آن می پردازند. دوم، رفتار آگاهانه‌ی جمعی از روشنفکران و اهالی قلم کشور که نسبت به این موضوع انسانی بی تفاوت نمانده و با وجود جریانات قدرتمندی که سعی در انکار یا حداقل خاموشی یاد هولوکاست دارند، متعهدانه به بازنمایی آثار جهانی آن در ایران اهتمام می ورزند. و این نشان قدرت حقیقت است که برای همیشه پنهان نخواهد ماند.

«باقی مانده‌های آشویتس (شاهد و بایگانی)»

نویسنده: جورجو آگامبن

مترجم: مجتبی گل محمدی

ناشر: بیدگل، ۱۳۹۶

آگامبن در «باقی مانده‌های آشویتس» یا «از آشویتس چه می ماند» می کوشد معنا و امکان شهادت را روشن کند. در نظر آگامبن اگرچه از دیدگاهی تاریخی می دانیم مثلاً ریزترین جزئیات آخرین مرحله انهدام یهودیان چگونه اجرا شده، چگونه تبعیدشدگان به دست جوخه‌ای از هم‌بندهای خود به اتاق‌های گاز فرستاده شدند، چطور گروهی دیگر جسد‌ها بیرون آورده و

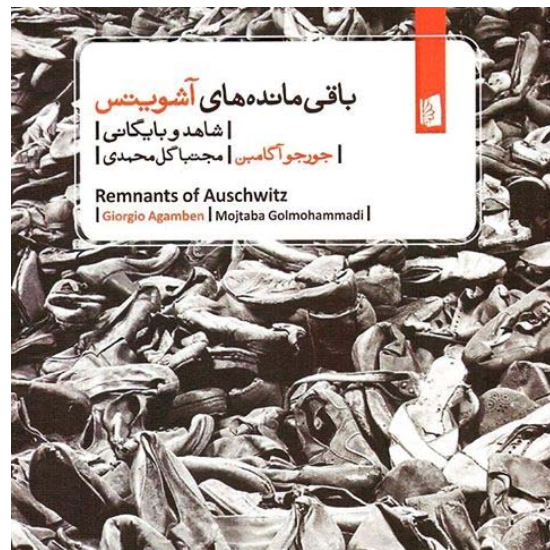
حدود ۷۰ سال پیش در کشتاری سازمان یافته، حدود دو سوم جمعیت یهودیان اروپا (قریب ۶ میلیون نفر) قتل عام شدند. منابع دست اول پرشماری برای بررسی هولوکاست موجود است که شامل گزارش‌های نزدیک به ۵۰ هزار نفر نجات یافته از اردوگاه‌های مرگ، گزارش بازماندگان دیگر یعنی مخفی‌شدگان، شناسایی‌نشده‌گان و وادارشدگان به کار در کارخانه‌ها و مزرعه‌ها، هزاران سند مکتوب دولتی که رژیم فرصت از بین بردنشان را نیافت، جسد‌های به جا مانده در اردوگاه‌ها، گورهای دسته‌جمعی که بعدها کشف شدند، هزاران آلمانی که شاهد واقعه بودند، خاطرات نگهبانان و کارگزاران اردوگاه‌ها و زندان‌ها، خاطرات مقامات دولت نازی و اعترافات رهبران آلمان در دادگاه‌های متهمان به جنایات جنگی از جمله دادگاه نورنبرگ، می‌شوند.^۱

علی‌رغم اظهارنظرهایی مبنی بر افسانه خواندن و نفی هولوکاست در گوشه و کنار کشور آثاری متعدد در تأیید این فاجعه منتشر شده است که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

نکاتی در معرفی این آثار نهفته است. نخست،

^۱ - ویکی‌پدیا - مدخل هولوکاست

سرانجام در کوره‌های جسدسوزی قرار می‌دادند و اگرچه می‌توانیم تک‌تک این رویدادها را ذکر و وصف کنیم، اما وقتی می‌خواهیم آنها را به‌راستی بفهمیم همگی به طرز نامعمول مبهم باقی می‌مانند. تأکید آگامبن در کتاب حاضر بر خود ساختار شهادت است.



آگامبن تأکید دارد «حقیقت عنصری غیرقضائی در خود دارد» و «مسئله امر واقع» را هرگز نمی‌توان به «مسئله امر قضائی» فروکاست. با این حال، قضاوت‌ها انجام و مدارک اثبات گناه هولوکاست به طور قطعی محرز شدند. شهادت بازمانده‌ها و در پی آن برپایی محاکمه‌ها به این تصور دامن زد که مسئله آشویتس حل شده است. ولی خط میان قانون و اخلاقیات، میان الاهیات و قانون نیز برجسته شد. آگامبن مدعی است «نیم‌قرن طول کشید تا بفهمیم که قانون این مسئله را به فرجام نرسانده بلکه این مسئله خود چنان عظیم بود که خود قانون را به پرسش کشید و موجب تباهی و ویرانی آن شد». در

جریان محاکمه آیشمن در اورشلیم به ادعای وکیلش او «خود را در پیشگاه خداوند گناهکار احساس می‌کند نه در پیشگاه قانون». او تا پایان مصرانه بر این مدعا ادامه داد که گنااهش در پیشگاه خداوند نمی‌تواند به لحاظ قانونی پیگیری شود. «تنها توضیح ممکن برای این پافشاری آن است که اگرچه پذیرش گناه اخلاقی به نظر متهم به لحاظ اخلاقی بزرگ‌منشانه می‌رسید، او نمی‌خواست هیچ گناه قانونی را گردن بگیرد»^۲.

«آشویتس یکتا»

ارنست نولته، یورگن هابرماس و ۲۵ سال دعوی تاریخ‌نگاران»

مؤلف: ماتياس برودکرب

مترجم: مهدی تدینی

ناشر: کویر، ۱۳۹۵

کتاب به بزرگ‌ترین دعوی نظری آلمان در دوران پس از جنگ جهانی دوم می‌پردازد که از آن با نام «دعوی تاریخ‌نگاران» نام می‌برند. در سال ۱۹۸۶ از نولته دعوت شد تا در نشستی در شهر فرانکفورت نظرش را پیرامون برخورد آلمانی‌ها با گذشته‌شان (نازیسم و هولوکاست) شرح دهد. اما هابرماس مدعی شده بود نولته در این اظهار نظر، «یکتایی آشویتس» (یعنی بی‌نظیر بودن یهودی‌کشی) را زیر سوال برده است. دلیل این بود که نولته میان جنایت‌هایی که بولشویک‌های شوروی

^۲ - روزنامه شرق، حقیقت کامل بسیار تراژیک‌تر است، بسیار هولناک‌تر...، ۲۶ خرداد ۹۶

آدورنو در شروع مقاله‌اش چنین می‌نویسد: نخستین ضرورت هر نوع آموزشی این است که آشویتس تکرار نشود. اولویت این مسئله نسبت به سایر ضرورت‌ها به قدری بیشتر است که به اعتقاد من، الزام نیست و نباید آن را توجیه نمایم. نمی‌توانم درک کنم که چرا تاکنون اهمیت اندکی به این موضوع داده شده است. توجیه آن در بستر شرارتی که اتفاق می‌افتد، پر مهابت است. اما این حقیقت که اشخاص به ندرت نسبت به این ضرورت و سوال‌هایی که بر می‌انگیزد آگاهی دارند، نشان می‌دهد که شرارت به عمق اذهان مردم نفوذ نکرده است و خود این موضوع نشانه‌ای است از امکان بالقوه‌ی دائمی حادث شدن آن، تا زمانی که هشیاری و ناهشیاری مردم متوجه آن شود. هر مباحثه‌ای پیرامون ایده‌آل‌های امر آموزش در مقایسه با این ایده‌ی واحد، کم مایه و فاقد ارتباط منطقی است: آشویتس، دیگر هرگز.

«آدولف هـ دو زندگی»

نویسنده: اریک امانوئل اشمیت

ترجمه: محمد همتی

ناشر: نیکو نشر، ۱۳۹۴

اگر آدولف هیتلر، بزرگترین جنایتکار جنگی قرن بیستم، پیش از ورود به ارتش، در دانشکده‌ی هنرهای زیبای وین پذیرفته می‌شد، چه سرنوشتی می‌داشت؟ در عالم هنر به کجا می‌رسید و رفتارش با خانواده، هنرمندان و منتقدان و شاگردانش چگونه بود؟

مرتکب شده بودند و جنایات ناسیونال-سوسیالیست‌ها (نازی‌ها) ارتباطی برقرار کرده بود و آن‌ها را با هم مقایسه کرده بود. پس از شکل‌گیری اتحاد جماهیر شوروی، حزب کمونیست کوشید طبقه‌زارعان را که «کولاک» نامیده می‌شدند از میان بردارد. در جریان این نابودی طبقاتی، میلیون‌ها انسان جان باختند که از آن با نام «کولاک‌کشی» یاد می‌شود. نولته کولاک‌کشی و یهودی‌کشی را از جهاتی قابل قیاس می‌دانست و هر دو جنایت را جنایت‌هایی «ایدئولوژیک» می‌پنداشت که قابل قیاسند. اما منتقدان نولته و در رأس آن‌ها هابرماس معتقد بودند نولته با این قیاس، «یکتابی» یهودی‌کشی (یعنی «بی‌نظیری» آن) را خدشه‌دار کرده است. این در حالی است که نولته باور داشت تا پیش از آن‌که یک پدیده با پدیده‌های متناظر مقایسه نشود اصلاً نمی‌توان یکتایی آن اثبات کرد و اساساً قیاس، شرط تعیین یکتایی یک پدیده است.^۳

«دو جستار پیرامون آشویتس»

نویسندگان: تئودور آدورنو و هانا آرنت

مترجمان: سارا اسکندری و رضا اسکندری

ناشر: فقنوس، ۱۳۹۳

کتاب حاضر، مشتمل بر دو جستار با عنوان‌های «آموزش پس از آشویتس» و «محاکمه آشویتس» است.

^۳ - <http://www.faratab.com/news/2421>

مترجم: رحمان بوذری

ناشر: رخداد نو، ۱۳۸۹

خواندن هیتلر شبیه خواندن شکسپیر نیست، اما هم‌چنان تجربه‌ای مثمر ثمر برای آنانی است که می‌خواهند بدانند چگونه واقعه نسل‌کشی یهودیان اروپا پدید آمد. کتاب حاضر مشتمل بر بررسی اندیشه‌های محوری هیتلر با توجه به بخش‌هایی از آثار وی است. نویسنده حدود ده قطعه کوتاه از کارهای هیتلر را برگزیده و نکته به نکته آن را حل‌جی کرده و بدین‌ترتیب جهان فکری هیتلر را به تصویر کشیده است. وی در فصل نخست چکیده‌ای از دژ هیتلر در آثارش را تشریح نموده و در سایر فصل‌ها به تجزیه و تحلیل اندیشه‌های او پرداخته است. برخی از عنوان‌های مطالب کتاب عبارت‌اند از: سیاست نژادی؛ زبان و سیاست؛ تاریخ؛ یهودیان؛ بهسازی نژادی؛ مدرنیته؛ توسعه اراضی؛ رهبری، تبلیغات، بسیج عمومی و...

«پسرکی با پیژامه راه راه»

نویسنده: جان بوین

ترجمه: هرمز عبداللهی

نشر هیرمند، ۱۳۹۳

داستان کتاب با موضوع هولوکاست، ماجرای دو کودک هشت ساله، یکی یهودی زندانی و دیگری فرزند فرمانده نازی است که در حین جنگ جهانی دوم به واسطه اتفاقاتی به اردوگاه مرگ راه می‌یابند. در انتهای کتاب، در گفتگوی ناشر کتاب با نویسنده رمان، جان بوین، اطلاعاتی درباره اردوگاه

«اریک امانوئل اشمیت» از همین فرض آغاز می‌کند و نگاهی موشکافانه و منصفانه به تاریخ قرن بیستم آن هم در آستانه‌ی جنگ جهانی دوم می‌اندازد. نویسنده دو روایت موازی را چنان زیرکانه و با تمام جزئیات، همزمان پیش می‌برد که هیچ‌گاه به دام نتیجه‌گیری‌های معمول کلیشه‌یی برای یافتن مقصر فاجعه نمی‌افتد.

کتاب در چندین بخش نفرت هیتلر از یهودیان را یادآور می‌شود و در پایان به صراحت واقعه هولوکاست و رقم کشته‌شدگان یهودی را ذکر می‌کند.

«آلمان نازی»

نویسنده: مایکل لینچ

مترجم: بابک محقق

ناشر: فرهنگ جاوید، ۱۳۹۴

مایکل لینچ در کتاب آلمان نازی، بستر ظهور، صعود و سقوط آلمان نازی را تشریح می‌کند و آگاهی نسبتاً مناسبی از نازیسم، هیتلر و اطرافیان او در اختیار خواننده قرار می‌دهد. در فصل دوازدهم کتاب، رفتار نازی‌ها با یهودیان بررسی و به موارد زیر پرداخته شده است:

نظر هیتلر درباره یهودیان - هیتلر و نژاد برتر - تعقیب و آزار یهودیان در آلمان - هولوکاست - راه‌حل نهایی - آدولف آیشمان - مسئولیت شخص هیتلر در هولوکاست. در فصل سیزدهم نیز به اردوگاه‌های کار اجباری و به ویژه آشویتس پرداخته شده است.

«چگونه هیتلر بخوانیم»

نویسنده: نیل گرگور

انتخاب عنوان تلخ «آشویتس خصوصی من» رسیده است، می‌گوید: «آدورنو معتقد است که پس از آشویتس شعر گفتن بربریت و توحش است. این گفته ناظر بر آن است که آشویتس دیگر نباید تکرار شود. اما نه تنها آدورنو بلکه عموم متفکران و روشنفکران قرن بیستم که انتظار داشتند آشویتس دیگر تکرار نشود در اشتباهی بزرگ بودند. آشویتس در روزگار جنگ دوم جهانی تمام نشد، بلکه پس از آن، در روزگار جنگ سرد و جهان درگیر دعوا بر سر غنائم جنگ و رقابت بر سر شکل دادن خاورمیانه‌ی جدید و سهم‌خواهی از این خطه‌ی خون‌خیز و دین‌خیز جهان، هر بار به نحوی بازتولید شد. این توحش و گسست در مدنیت با فاجعه‌ی غم‌انگیز سوریه عملاً به اوج رسیده است. کتاب «آشویتس خصوصی من» ناظر بر این فجایع بی‌پایان است، بدون اینکه بخواهد از سوریه و دمشق و حلب و بغداد و کابل و بیروت و بیت‌المقدس و آنکارا و... نام ببرد^۴».

نمایش «حادثه در ویشی»

نویسنده: آرتور میلر

مترجم و کارگردان: منیژه محامدی

دی ۱۳۹۵

حادثه در ویشی (Incident At Vichy)

آشویتس و واقعه هولوکاست می‌دهد که براساس آنها، این رمان شکل گرفته است.

این رمان مدتی پس از انتشار توسط «مارک هرمن» کارگردان انگلیسی برای ساخت فیلم در سینما مورد اقتباس قرار گرفت و فیلمی با همین نام در سال ۲۰۰۸ از روی آن ساخته شد که بر شهرت کتاب بیش از پیش افزود.

«وقتی هیتلر خرگوش صورتی مرا ربود»

نویسنده: جودیت کر

ترجمه: روح‌انگیز شریفیان

ناشر: مروارید، ۱۳۹۴

جودیت کر در برلین از پدر و مادری یهودی متولد شده است. پدرش آلفرد کر نویسنده‌ای برجسته بود که به شدت با نازی‌های آلمان حتی پیش از آنکه روی کار بیایند، مخالف بود و در مقاله‌هایش آنها را سخت مورد انتقاد قرار می‌داد. زمانی که هیتلر سرکار آمد ناچار با خانواده‌اش از آلمان فرار کرد. در آن زمان جودیت ۹ سالش بود. این کتاب سرگذشت تجربه‌های او از این دوران است. فرار در آخرین لحظه، زندگی در دهکده‌ای در سوییس، رفتن به پاریس، و در نهایت مهاجرت به انگلستان بخشی از این دوران هستند.

«آشویتس خصوصی من»

نویسنده: حسن همایون

ناشر: چشمه، چاپ اول ۱۳۹۵

مؤلف این کتاب که مجموعه‌ای از بیش از صد قطعه شعر عموماً بلند است، درباره‌ی اینکه چرا به

^۴ - لیلا صمدی

هستند چراکه مرگ را زیر گوششان احساس می‌کنند. اما خوش‌باوران هرکدام فکر می‌کنند که مرگ آن دیگری را خواهد ربود و دست فاشیست گلوی آن دیگری را خواهد فشرد اما نوبت خودشان هم به‌زودی فرامی‌رسد.^۵

نمایش «ارکستر زنان آشویتس»

نویسنده: آتیلا پسپانی

کارگردان: کمال زارعی

آذر ۱۳۹۵



در این نمایش، بخشی از زندگی زنان یهودی زندانی در اردوگاه آشویتس به تصویر کشیده می‌شود که برای تحمل شرایط طاقت‌فرسای زندان، در ارکستری حضور دارند. آرتور میلر فیلمنامه «ارکستر زنان آشویتس» را بر اساس خاطرات فانی فنه لون نگاشت. فانی به عنوان یک نیمه یهودی به آشویتس منتقل شد و در آنجا به عنوان عضوی از «ارکستر زنان» از این واقعه جان بدر برد. این ارکستر هم برای سرگرمی افسران اس.اس می‌نواخت و هم برای شروع عملیات کشتار. این زن‌ها تا وقتی که می‌نواختند ضمانت زندگی و حیات داشتند. ■

نمایشنامه‌ای در یک پرده از آرتور میلر، نویسنده اهل ایالات متحده آمریکا است. این کتاب در سال ۱۹۶۴ منتشر شد. داستان آن درباره جمعی است که در دوره حکومت ویشی و اشغال فرانسه توسط نازی‌ها دستگیر شده‌اند و منتظر رسیدن افسران آلمانی هستند.

نازی‌ها که به پیروی از رایش سوم اعتقادی مبنی بر نژاد برتر داشتند معیارهایی به‌اصطلاح علمی و پزشکی را در شناسایی یهودیان وضع کرده و شروع به شناسایی و دستگیری یهودیان کردند. پزشکان بسیاری تحت لوای آزمایش‌های ژنتیکی و نژادی این نشانه‌ها را در افرادی که دستگیر می‌شدند جستجو کرده و برحسب معیارهایی که داشتند و جواب‌هایی که از آزمایش‌هایشان بر روی مظنونین انجام می‌دادند نژاد آنان را به خیال خود مشخص می‌کردند. چنانچه فرد بر اساس همان معیارها یهودی تشخیص داده می‌شد به اردوگاه‌های کار فرستاده و نهایتاً نابود می‌شد.

در نمایش حادثه در ویشی نیز تعدادی زن و مرد برای تشخیص هویت و نژاد اصلی از بین مردم دستگیر شده و به زندان آورده می‌شوند. چنانچه با تأیید پرفسوری که آنجاست هویت و نژادشان یهودی تشخیص داده شد توسط قطار به اردوگاه‌ها فرستاده می‌شوند. هرکدام از این آدم‌ها که برحسب اتفاق در یکجا یعنی زندان گرد هم آمده‌اند دارای افکار و خصوصیات و دیدگاه‌های مختلف نگاه متعارض با یکدیگر هستند. در لایه زیرین متن هراس و دهشت هولناکی وجود دارد که تک‌تک این آدم‌ها نیز درگیر آن

^۵ - <http://theater.ir/fa/74362>



گشت و گذاری در محله عودلاجان

فرانک عراقی

کارشناس ارشد (روزنامه نگاری)

همین دلیل آقای سلیمان سنه یک حمام مدرن را با سرمایه شخصی خود و به یاد بود همسرش کشور خانم احداث کرد و نامش را حمام کشوریه گذاشت. این حمام که روزگار درخشانی را به خود دیده امروز تک و تنها و مخروبه با درهای آهنی زمختی که هیچ سنخیتی با ساخت و بنای داخل حمام ندارد در مجاورت بیمارستان دکتر سپیر به بوته فراموشی فرو رفته. در داخل حمام با وجود خرابی‌های زیاد، هنوز هم سقف‌های آینه‌کاری، دیوارهای مزین به کاشی‌های فیروزه‌ای، حوضچه مرمرین با آب نما، طرح‌های گچبری، هنرهای منبت‌کاری بر روی درها، به زیبایی جلوه‌گری می‌کند. چند نفر از همراهان ما به یاد می‌آوردند روزی را که حمام عروسیشان در این مکان برگزار شد.

حتی به وضوح جایگاه مهمانان را به یاد داشتند و با چشمان اشک‌آلود خاطرات خود را برای دیگران تعریف می‌کردند. حمام کشوریه در دو قسمت مردانه / سلیمانیه / و زنانه / کشوریه / با سرویس‌های مدرن روز و به سبک اروپایی قسمت رخت‌کن و دوش مجزا در زمان خودش جلوه‌ی باشکوهی به خیابان سیروس بخشیده بود.

کوچه‌های تنگ و باریک، سنگ فرش‌های ناهموار، مغازه‌های کوچک و خانه‌هایی با معماری سنتی و لابلاهی هم، نگاه خیره ساکنان محل که ما را غریبه می‌پنداشتند.....

اما ما غریبه نبودیم، تعدادی از همراهان ما کودکی و جوانی‌شان را در این محل گذرانده بودند محله عودلاجان.....

و دقیقاً به همین علت یعنی حضور هم‌کیشان کلیمی در این ناحیه بزرگ و قدیمی تهران، نام عودلاجان گاهی مترادف با محله کلیمیان شده است. اما امروز در این محل تعداد کلیمیان شاید به تعداد انگشتان دست هم نرسد...جایی که روزگاری مملو از جمعیت بود...

اولین مقصد ما حمام کشوریه بود. تقریباً صد سال پیش در محله و ده عودلاجان شهروندان یهودی سه حمام ویژه خود داشتند. حمام عساو در ناحیه سرچال، حمام ذخرون جنب کنیسه‌ی عزرا یعقوب، و حمام اسحق واقع در تکیه رضا قلی خان. اما تمامی این حمام‌ها در فاصله ۱۲ متری از سطح زمین بودند با پله‌های زیاد و شیب تند که اغلب آنها برای اشخاص سالخورده و زنان حامله و حتی کودکان همیشه مشکل آفرین بود.... به



بانو راحل نعمان ساکن کنیسه‌ی عزرا یعقوب

عزرا یعقوب ساخت.

اما امروز با با کم جمعیت شدن محله عودلاجان این کنیسه دیگر رونق روزهای گذشته را ندارد و فقط در ایام خاص و شبات‌ها (شنبه‌ها) مراسم مذهبی در آن انجام می‌شود. هنوز چند نفری در آن زندگی می‌کنند که دیدار با آنها زمان را چند دهه به عقب برد و متوقف کرد... در سال ۱۳۸۳ کنیسه‌ی عزرا یعقوب به جهت داشتن ویژگی‌های معماری خاص دوران قاجار با همت انجمن کلیمیان و حمایت میراث فرهنگی و گردشگری در ردیف آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

مکان بعدی ما کنیسه‌ی حاداش / حکیم آشر/ بود که به کنیسه‌ی نو نیز مشهور است. این کنیسه که مدت‌ها مهاجران افغانی و مهاجران جنگ تحمیلی در آن می‌زیستند اکنون با تعمیرات سازمان میراث فرهنگی تهران و انجمن کلیمیان تهران به شکل زیبا و دل‌انگیزی مرمت شده که مورد بازدید جهانگردان خارجی و هموطنان قرار می‌گیرد.

این حمام برای کلیمیان احداث شد اما بعدها هم‌وطنان مسلمان نیز از آن استقبال کردند. حتی بعضی از مراجعین این حمام باور داشتند که آب خزینه این حمام برایشان مشکل گشا بوده و سرانجام این حمام در سال ۱۳۸۵ از جهت داشتن سبک معماری ویژه توسط سازمان میراث فرهنگی به ثبت رسید.

دیدار بعدی ما از کنیسه‌ی عزرا یعقوب بود. این کنیسه یکی از قدیمی‌ترین و بزرگترین کنیسه‌های یهودیان در محله عودلاجان است که قدمت آن به اواخر حکومت ناصرالدین شاه می‌رسد این کنیسه یکی از مراکز مهم تجمع یهودیان در محله سر چال بوده است. در این کنیسه که مشتمل بر دو کنیسه کوچک و بزرگ است کارهای زیادی انجام گرفته است: از جمله مصاپزی، محل اسکان مهاجرین لهستانی، فعالیت‌های فرهنگی و دینی، برخورداری از آب انبار بزرگی که همواره یهودیان از آن استفاده می‌کردند و از همه جالب‌تر محل سخنرانی بعضی مشروطه‌خواهان برای مردم.. به نقل از کتاب تاریخ یهود تألیف حبیب لوی کنیسه‌ی عزرا یعقوب بنا بر وصیت عزرا یعقوب در سال ۱۲۷۳ خورشیدی بنا شد. عزرا یعقوب یکی از تاجران مهم به شمار می‌رفت که با شهرهای انگلستان هم مبادلات بازرگانی انجام می‌داد. اما در سال ۱۲۷۳ به علت عارضه ریوی در چهل سالگی فوت کرد. بیوه عزرا یعقوب، صنوبر حق‌نظر که فرزندی نداشت، طبق وصیت شوهرش قسمت اعظم ثروت او را در کارهای خیریه خرج کرد و کنیسه‌ی بزرگی به نام

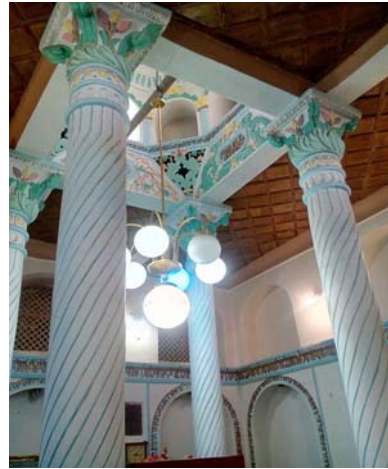
بزرگ تهران به عنوان یکی از مراکز حضور گردشگران به خصوص گردشگران خارجی قرار گرفته است. این تیمچه از بدو تاسیس تاکنون شاهد حضور مشاغل مختلفی در خود بوده است. مدتی به همراه دوستان در فضای زیبای تیمچه نشستیم و به صرف چای با موسیقی دلنواز قل قل سماور پرداختیم.

محلۀ عودلاجان افراد مشهور زیادی را به خود دیده چه از هم‌کیشانی کلیمی و چه از هم‌وطنان مسلمان... که از آن جمله می‌توان به پروین اعتصامی شاعره برجسته دوران معاصر، آیت‌الله بهبهانی از رهبران مشروطیت، و آیت‌الله مدرس نماینده مجلس شورای ملی اشاره کرد.

محلۀ عودلاجان دیدنی‌های بسیاری دارد و این تنها چند نمونه از مکان‌های قدیمی و تاریخی آن بود که در واقع به علت وجود همین آثار تاریخی در فهرست آثار ملی ثبت تاریخی شده است.

خوشبختانه گروه زیادی از علاقمندان به تهران قدیم بر آن شده‌اند تا این محلۀ را زنده نگه دارند و بناهای تاریخی آن را احیا نمایند.

تور کنیسه‌گردی و دیدار با مناطق سنتی و تاریخی محلۀ عودلاجان که هر از چند گاهی اجرا می‌شود یکی از این اقدامات است که مورد توجه بسیاری از دوستداران بناهای تاریخی قرار گرفته است. ■



نمای داخلی کنیسه‌ی خاتون (حکیم آتش)

کنیسه‌ی خاتون از زیبایی منحصر به فردی برخوردار است. سقف کنیسه گذشته از خلق آثار هنری به نحوی طراحی شده که به صورت بادگیر باعث خنکی محیط کنیسه نیز باشد. هنر گچ‌بری خط عبری به سبک عراقی بر دیواره کنیسه بسیار زیباست. این کنیسه نیز از طرف سازمان میراث فرهنگی به ثبت رسیده است.

سرانجام به مقصد آخر رسیدیم ... تیمچه اکبریان (یهودی‌ها)* روی نوشته‌ای در بالای تیمچه چنین نوشته: «بنای فوق مربوط به دوران قاجار مصادف با دومین سال حکومت آغا محمد خان قاجار برابر با ۱۱۵۳ ه.ش/ ۱۱۹۵ ق.م.ی باشد. این تیمچه اولین بانک ایران در دوره قاجار بوده که در ابتدا به صنف صراف‌ها و زرگرها اختصاص داشت. و در دومین سال حکومت فتحعلی شاه قاجار به عنوان اولین بانک در کشور ایران تغییر کاربری یافت».

امروزه این مکان به یک سفره‌خانه سنتی تبدیل شده است و با توجه به موقعیت مکانی آن در بازار

*- علت نامگذاری این تیمچه به نام یهودی‌ها این بوده است که تعداد زیادی از صراف‌های یهودی در این مکان فعالیت می‌کرده‌اند.

منابع:

- ۱- تکمیل همایون، ناصر، (۱۳۹۵)، محلۀ کلیمیان تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۲- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۹۳)، اودلاجان (عودلاجان) دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۳- ویکی پدیا.



نمای کنیسه‌ی Choral در مسکو - روسیه

یهودیان روسیه

(بخش پایانی)

دکتر ژان پایاب

تحت کنترل شوروی

هنگامی که کنترل مرزهای روسیه شوروی تشدید شدند، عده‌ای زیادی از یهودیان که قبلاً تحت کنترل روسیه بودند، خود را خارج از کنترل امپراطوری شوروی یافتند، تنها در حدود ۲/۵۰۰/۰۰۰ یهودی تحت کنترل شوروی باقی ماندند. بلشویک‌ها ضدیت با یهودیان را رد کردند و محدودیت‌های مدنی یهودیان را فرو ریختند.

بلشویک‌ها با استفاده تأثیر یهودیان متفق و بانفوذ شروع به جذب یهودیان به عوان تنها راه‌حل برای مشکلات یهودیان کردند. در سال ۱۹۲۶ یهودیان ۴/۴ درصد از افسران ارتش سرخ را تشکیل دادند (بالغ بر ۲ برابر نسبت به جمعیت عمومی) نخبگان یهودی نیز در بازسازی اداری کشور شرکت کردند.

در حالی که آنها گروهی کوچک بودند ولی به بازسازی روسیه کمک کرده و تأثیرگذار بودند، کمونیست‌ها دست‌اندرکاران غیرمذهبی یهودی را به رسمیت شناختند تا بتوانند سبب ایجاد تنفر نسبت به دین یهودیت، شوند. در ماه آگوست ۱۹۱۹

جوامع یهود منحل شد و اموالی مصادره گشتند، مؤسسات و آموزشگاه‌های قدیمی مربوط به آموزش و پرورش و فرهنگ یهودی مثل شیفتوت و چوبر تعطیل شدند. مطالعه زبان عبری ممنوع شد. در سال ۱۹۲۸ حتی کتاب‌های مذهبی و تقویم‌های یهودی ممنوع شد. در سال ۱۹۲۷ رهبر حسیدیم، ری جی اسندسون زندانی شد و سپس از روسیه اخراج شد ولی هنوز فعالیت‌های مذهبی و زیرزمینی هم‌چنان ادامه داشت اما بعد از جنگ جهانی دوم صدها نفر از پیروان حسیدیم، روسیه را به مقصد اسرائیل ترک کردند. محدودیت‌های رو به رشد در زندگی مذهبی یهودیان سبب تقویت صهیونیسم شد.

عفو آناتلی شارانکی در اتحاد شوروی یهودی

در طی جنگ جهانی دوم تلاش جهت آزار و اذیت یهودیان متوقف شد. هنگامی که جنگ جهانی دوم آغاز شد یهودیان بخش مهمی از تلاش در بخش نظامی شوروی را ایفا کردند. نقش آنها در خط مقدم بیشتر از دیگر گروه‌های ملی بود. در حالی که بسیاری از یهودیان اتحاد جماهیر شوروی

بعد از ایالات متحده، اسرائیل و فرانسه، چهارمین جمعیت بزرگ یهودیان را تشکیل می‌دهد. مسکو و سنت پترزبورگ به همراه دیگر شهرهای بزرگ روسیه شامل هزاران یهودی هستند.

جمعیت یهودیان روسیه به دلیل مهاجرت و کهولت سن رو به کاهش است. در زمان سقوط اتحاد جماهیر شوروی میلیون‌ها یهودی از روسیه و کشورهای شوروی سابق جان خود را از دست دادند. ابتدا یهودیان به اسرائیل و ایالات متحده منتقل شدند. هر چند از سال ۲۰۰۰ مهاجرت‌ها کاهش یافته است و برای احیای زندگی یهودیان در روسیه و اتحاد جماهیر شوروی تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است.

کنیسه بزرگ کوران

در سال ۲۰۰۳ روسیه شبکه‌ای از مدارس یهودی داشت که شامل ۱۷ مدرسه، ۱۱ مهدکودک و ۸۱ مدرسه تکمیلی و حدود ۷۰۰۰ دانش‌آموز بود. هم‌چنین ۴ دانشگاه یهودی نیز وجود داشت.

شهرهای بزرگ، یهودیان، کنیسه‌ها و ربی‌ها را داشتند. جنبش حسیدیم حَباد - لوباویچ نقش مهمی در بازسازی زندگی یهودی ایفا می‌کند. حَباد در مسکو چهار مدرسه تأسیس کرده است و طبقه هفتم آن یک مرکز اجتماعی برای یهودیان است. برنامه مطالعات یهودی به درس‌های دانشگاه افزوده شده است.

بسیاری از شهرهای روسیه، روزنامه یهودی

در هولوکاست آسیب دیده بودند افرادی که در روسیه زندگی می‌کردند نجات یافتند، با این حال بعد از جنگ جهانی دوم تلاش جهت سرکوب نمودن یهودیان اتحاد جماهیر شوروی از سر گرفته شد. تا موقع مرگ استالین در سال ۱۹۵۳ برخی یهودیان شوروی در گولاک بودند و با سرکوب‌های فیزیکی قابل توجهی مواجه شدند.

استالین در سال ۱۹۵۲ تعدادی از روشنفکران برجسته یهودی روس را در شب شعر شاعران به قتل رساند.

حتی بعد از مرگ استالین تلاش جهت سرکوب کردن یهودیان و فرهنگ یهودی ادامه داشت. کتاب‌های مذهبی یهودیان باید به کشور قاچاق می‌شد و همه تلاش می‌کردند تا کتاب‌ها را مطالعه کرده و مقالات مذهبی را مورد استفاده قرار دهند. طبیعتاً این پنهان‌کاری باعث شد فقط نفراتی محدود به زندگی یهودیان دسترسی داشته باشند. تعداد کمی از یهودیانی که در این نوع زندگی مشارکت داشتند رفوسنیک نامیده می‌شدند و توسط مقامات شوروی شدیداً مجازات شدند. تا سال ۱۹۶۵ فقط حدود ۶۰ کنیسه در روسیه باقی ماند. تا هنگامی که میخائیل گورباچف به قدرت رسید و سیاست گلاسنوست را به کار گرفت که محدودیت‌های یهودیان شوروی را کاهش داد، این اوضاع ادامه یافت.

سال ۱۹۸۰ و فراتر از آن

حتی پس از فروپاشی شوروی، روسیه یکی از بزرگ‌ترین جوامع یهودی در جهان است. روسیه



فضای درونی کنیسه‌ی Choral در مسکو - روسیه

خود را با چاپ می‌رسانند و در دیگر نهادهای فرهنگی، اجتماعی و مذهبی گسترش می‌یابند. مسکو دارای ۵ کنیسه، ۶ مدرسه روزانه، یشیوا و رستوران کاشراست.

علی‌رغم رو به رشد مؤسسه‌های مذهبی در روسیه، با این حال پس از سال‌ها بسیج شدن، اکثر یهودیان روسی مذهبی نیستند و فقط از لحاظ رفتاری، قومی و فرهنگی موضوع را می‌نگرند.

پس از امواج فراگیر مهاجرت در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم در روسیه حدود ۷۰۰/۰۰۰ - ۴۰۰/۰۰۰ یهودی وجود دارد که تقریباً ۰/۴۸ - ۰/۲۷ درصد از جمعیت روسیه را تشکیل می‌دهند.

موزه یهودیان در مسکو

یکی از جوامع فعال یهودیان روسیه، در سن پترزبورگ قرار دارد. کنیسه‌ی بزرگ کورال مسئول اکثر فعالیت‌های فرهنگی در شهر است. سن پترزبورگ دو مدرسه یهودی روزانه و یشیوا برای مردان و زنان دارد. یک آشپزخانه و سالن ناهارخوری کاملاً کاشرا موجود است که به شهروندان فقیر روزانه غذا می‌دهد.

هم‌چنین کنیسه، خانه‌ای را برای کودکان فقیر یا یتیم در جامعه ایجاد کرده است. بسیاری از اعضای کنیسا متعلق به مرکز خیریه‌اند.

موزه جدید یهودیان، تلاش می‌کند تا سنت‌های فرهنگی یهودیان و هم‌چنین رسم و رسوم و تاریخ روسیه را به حالت عینی به مردم یهودی نشان دهد و به عنوان مکانی برای گفتگو در مورد موضوعاتی مثل تحمل، درک متقابل احترام و روابط بین فرهنگی استفاده می‌شود. ■

منابع:

1. Beyond the pale: The History of Jews in Russia.
2. Federation of the Jewish Communities of Russia .
3. History of the Russian Federation February Revolution

گذری بر تاریخچه کنیسه‌های تهران



نمای بیرونی کنیسه‌ی کوروش با قدمت تقریبی یک قرن

کنیسا^۱ و مجموعه فرهنگی کوروش

(بخش اول)

مهندس مهران ملک

کارشناس معماری

تحقیقات در تاریخچه‌ی سکونت کلیمیان در تهران حاکی از آن است که در حدود یک قرن گذشته، یعنی بین سال‌های ۱۲۹۵ تا ۱۳۰۰ خورشیدی پس از این که یهودیان آن زمان از تنها یهودی‌نشین تهران، یعنی منطقه عودلاجان و مناطق اطراف خیابان سیروس و بیمارستان دکتر سپهر تغییر مکان داده و به سایر مناطق تهران کوچ کردند، اولین منطقه‌ای که در آن مستقر شدند، خیابان حاج شیخ هادی بود. پس از این که به تدریج یهودیان در این خیابان و محلات و کوچه‌های تابعه‌ی آن استقرار یافتند، ابتدا به فکر ایجاد مکان‌هایی برای کسب و کار، مکانی جهت تحصیل و آموزش فرزندان خود و نهایتاً مکانی برای به جای آوردن فرائض مذهبی و انجام عبادات خود افتادند.

نگاهی اجمالی به تاریخچه خیابان

شیخ هادی تهران

معمولاً بررسی یک محله یا خیابان به لحاظ تاریخی وابستگی مستقیم به تاریخچه‌ی بناهای موجود در آن محله یا خیابان بخصوص دارد. به جرأت می‌توان گفت که یکی از قدیمی‌ترین ابنیه موجود در خیابان و محله شیخ هادی تهران، بنای

مقبره (حاج شیخ هادی نجم آبادی)، از مجتهدین و علمای به نام صدر مشروطیت و صدهی دوازدهم و اوایل صده سیزدهم هجری قمری می‌باشد که پس از درگذشت ایشان در اواخر دوره قاجاریه به همت دو تن از مریدان و شاگردان آن مرحوم و مساعدت خاندان مرحوم شیخ هادی، قطعه زمینی با مساحت تقریبی ۵۱۵ مترمربع خریداری شده و وقف بنای مقبره مذکور می‌گردد. تاریخ بنای مقبره سال (۱۳۲۰ هجری قمری - ۱۲۸۴ خورشیدی) باز می‌گردد که این بنا در تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۸ تحت شماره‌ی ۲۲۴۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. لازم به ذکر است که بنای دیگری در خیابان شیخ هادی وجود دارد به نام مدرسه فیروزکوهی که موقوفه‌ی بزرگ خاندان فیروزکوهی بوده و تاریخ تأسیس ساختمان آن به سال ۱۲۷۵ خورشیدی یعنی بیش از ۱۲۰ سال پیش بازمی‌گردد که هنوز به عنوان مدرسه و کتابخانه عمومی فعال بوده و پابرجاست. لازم به ذکر است که بنای مقبره حاج شیخ هادی در خود

۱- کلیمیان ایران لفظ کنیسا را به جای کنیسه استفاده می‌کنند.

۲۰، چیزی بین ۱۳۵۰ تا بیش از ۱۴۰۰ خانوار یهودی در خیابان شیخ هادی (حداصل خیابان امام خمینی «سپه» تا خیابان جمهوری اسلامی) و بالاتر (ابتدای خیابان رازی - محدوده خیابان نوفل لوشاتو «فرانسه یا چرچیل سابق») به طور پراکنده ساکن بوده‌اند که این رقم در طول سال‌های بعد فزونی یافته به طوری که سر ریز جمعیت یهودیان از سمت غرب محدوده‌ی شیخ هادی فراتر رفته و در خیابان‌های فلسطین جنوبی (کاخ سابق - به سمت بیت رهبری) خیابان شهید کشور دوست (جم سابق) خیابان دانشگاه و خیابان فروردین و اردیبهشت (شهید منیری جاوید فعلی) نئو کوچه‌های اطراف ساکن شدند که بعدها با گذشت زمان و نزدیکی کنیسه‌های دیگری چون کنیسه لویان (سزاوار) و کنیسه‌ی اتفاق (عراقی‌ها) به محل زندگی‌شان از آن کنیسه‌ها جهت انجام فرائض مذهبی خود استفاده می‌کردند.

بررسی تاریخی کنیسه و مجتمع مدرسه کوروش

بررسی تاریخ کنیسه‌های کوروش بدون بازگشت به تأسیس و گسترش مجتمع مدارس کوروش تهران به هیچ‌وجه امکان‌پذیر نیست. جابجایی یهودیان تهران از محله سنتی کلیمیان در منطقه عودلاجان به سایر محلات تهران از قبل از دهه ۱۳۰۰ خورشیدی آغاز می‌شود. این نقل و انتقال جمعیت از محله، عموماً به خیابان شیخ هادی و منطقه اطراف میدان حسن آباد امروزی شکل می‌گیرد. لازم به یادآوری

خیابان شیخ هادی - بالاتر از خیابان جامی و مدرسه فیروزکوهی درست روبروی انجمن کلیمیان تهران واقع شده است.

پیشه و مشاغل مرتبط با کلیمیان ساکن در خیابان شیخ هادی قدیم

محل سکونت کلیمیان در محله و خیابان شیخ هادی در ابتدا، خود خیابان حاج شیخ هادی و کوچه‌های اطراف (از شمال - نرسیده به خیابان جمهوری اسلامی) و از جنوب (بالاتر از خیابان امام خمینی - سپه سابق) و خیابان‌های جامی و استخر (شهید میردامادی فعلی) بوده است. یهودیان آن زمان معمولاً به مشاغلی چون: قصابی، مرغ فروشی، پارچه فروشی (بزازی)، کفاشی، صحافی و مقوا فروشی، خیاطی (دوزنده کت و شلوار و البسه‌ی سفاری) و عطاری اشتغال داشتند که عموماً مغازه‌هایشان در سرتاسر طول خیابان شیخ هادی پراکنده بوده است.

رمزگشایی حقیقی از جمعیت کلیمیان منطقه شیخ هادی و حومه در زمان گذشته

آمار تقریبی نشان‌دهنده آن است که حدود ۶۵ تا بیش از ۷۰٪ جمعیت ساکن در منطقه محله تهران تا اواخر دهه‌ی ۱۳۲۰ و اوایل دهه‌ی ۱۳۳۰، به تدریج از منطقه خیابان سیروس و اطراف به خیابان حاج شیخ هادی و محلات و کوچه‌های تابعه نقل مکان کردند. برخی از افراد مسنی که هنوز در قید حیات هستند و جزو افراد کنیسه‌ی کوروش می‌باشند بر این باورند که تا سال‌های واپسین دهه‌ی

(مدارس آلیانس) تأسیس شده بود که جوابگوی نیاز ساکنین محلات جدید تهران نبود، از طرفی دیگر با وجود این که، آلیانس خدمات قابل توجهی به جامعه‌ی یهودی ایران کرده بود و نسل جدید آن دوره، پیشرفت‌های فرهنگی خود را مدیون آلیانس می‌دانست، باز هم در نظر جامعه یهودی و افکار عمومی مردم، مدارس آلیانس، یک موسسه یهودی فرانسوی محسوب می‌شد و بزرگان جامعه‌ی آن روز علاقمند بودند که نهادهایشان به طور مستقل، به خصوص در امور تعلیم و تربیت نونهالان و جوانان فعال باشند، از این رو با حمایت همه‌جانبه معتمدین و افراد سرشناس جامعه‌ی کلیمی آن دوره و ساکنین خیابان شیخ هادی و حوالی آن، تأسیس مدارس کوروش به عنوان یک نیاز جدی مورد توجه عمومی و در اولویت قرار گرفت.

بعدها پس از تأسیس مدرسه کوروش، مشخص شد که وجود مدرسه مذکور بدون وجود یک کنیسا در مجاورت آن به هیچ وجه ممکن نیست و قاعدتاً نیاز مردم به کنیسا به مراتب واجب‌تر از مدرسه بود، بنابراین ساخت بنای کنیسا بین سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۸ در دستور کار جدی یهودیان منطقه شیخ هادی قرار گرفت. پس از ساخت ساختمان مدرسه در سال‌های آخر دهه‌ی ۱۳۰۰ که به صورت ساختمانی دو طبقه با دو حیاط مجزا (به صورت دخترانه و پسرانه) و فقط در مقطع دبستان بود، با تصمیمات بعدی معتمدین جامعه کلیمی که بعداً اتخاذ شد، در ضلع جنوبی حیاط غربی مدرسه،

می‌باشد که در طول همین سال‌ها و بعد از طرح جدیدی که برای محلات تهران توسط اداره بلدیة (شهرداری) آن زمان تصویب شد، منطقه جدیدی در ارگ قدیم تهران و مجاورت آن طراحی گردید به این ترتیب که از شمال به خیابان نوفل لوشاتو (فرانسه سابق) از جنوب به خیابان امام خمینی (سپه) از غرب به خیابان ولیعصر (پهلوی سابق) و از شرق (شمالاً) خیابان حافظ به سمت جنوب ادامه‌ی میدان حسن آباد و جنوباً خیابان وحدت اسلامی «شاپور سابق» محدود می‌شد که محدوده‌ی مذکور به محل استقرار نهادهای دینی و اجتماعی اقلیت‌های مذهبی مسیحی، کلیمی و زرتشتی اختصاص یافت (بین سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۸ خورشیدی). کنیسای حئیم کلیمیان، کلیسای سن پطروس مسیحیان در خیابان میرزا کوچک خان، کلیسای انجیلی (گریگوری) مسیحیان پروتستان، انجمن زرتشتیان تهران و در مجاورت آن دبیرستان فیروز بهرام زرتشتیان و معبدگاه مربوطه در خیابان سی تیر شمالی، انجمن کلیمیان تهران در خیابان شیخ هادی که هنوز هم در این منطقه وجود دارند. با وجود این که جمعیت اقلیت‌های دینی در این منطقه نسبت به قدیم بسیار کمتر شده است، اما حضور جمعیتی قابل ملاحظه از یهودیان در خیابان حاج شیخ هادی و حوالی آن، تأسیس مجتمع فرهنگی (مدرسه) و کنیسای حئیم در آن زمان را بسیار ضروری می‌ساخت. البته پیشتر در حوالی سه راهی ژاله و خیابان سیروس مدارس تحت عنوان



کنیسه‌ی کوروش به صورت کاملاً مستقل از تشکیلات مدرسه ساخته و در سال ۱۳۱۰ شمسی مورد بهره‌برداری قرار گرفت. مساحت سالن کنیسه‌ی مذکور کلاً حدود ۶۰۰ مترمربع بود و دارای بخش‌های مخصوص آقایان و بانوان بود.

در سال‌های بعدی با احساس نیاز جدی به وجود مقطع تحصیلی متوسطه (دبیرستان)، قطعه زمینی جدیدی در مجاورت زمین مدرسه خریداری و به زمین مدرسه ملحق و بخش متوسطه نیز در رشته‌های ریاضی، علوم تجربی (طبیعی) و ادبیات نیز به مجموعه‌ی آموزشی کوروش افزوده شد و سالیان متمادی تا حدود سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ به فعالیت آموزشی خود ادامه داد. لازم به ذکر است که مدرسه کوروش، چندین سال به صورت پی در پی به عنوان یکی از حوزه‌های مهم امتحانی (ستاد آزمون) میزبان برگزاری امتحانات نهایی پایان سال (خرداد ماه) در میان مدارس تهران بوده است.

کنیسه‌ی دوم کوروش (کنیسه‌ی بتِ اِل)

بعدها با گذشت حدود دو دهه از تأسیس کنیسه‌ی اصلی کوروش در انتهای حیاط غربی ملک کوروش مشخص شد که آن کنیسه به تنهایی جوابگوی جماعت زیاد نمازگزاران، جهت انجام فریضه‌ی مذهبی (تفیلا) نیست چرا که به عنوان مثال شب‌های شبات و صبح‌های شبات کنیسه از جمعیت لبریز می‌شد و روزهای خاص سال به خصوص شب‌های روزه‌ی بزرگ کلیمیان (یوم کیپور) آن قدر سالن کنیسه مالا مال از جمعیت

نمازگزار می‌شد که برخی خانواده‌ها بعد از پایان تفیلا‌ی شب کیپور داخل حیاط کنیسه چادر می‌زدند و شب را در چادرها به صبح رسانده تا صبح اول وقت مجدداً بتوانند برای خواندن نماز صبح کیپور (تفیلا‌ی شحریت) در کنیسه حاضر باشند.

با توجه به این مسائل فرضیه تأسیس کنیسه‌ی دومی در طبقه دوم ساختمان ضلع شمالی مدرسه کوروش مطرح شد که در سال‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ به حقیقت پیوست و بعدها به نام سالن دوم کنیسه‌ی کوروش یا (کنیسه‌ی بتِ اِل) معروف گردید.

(ادامه دارد)

لازم به توضیح است در مقاله کنیسه‌ی حییم نشریه افق بینا، شماره ۴۴، صفحه ۳۸، ستون دوم، خط اول، سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۰ صحیح می‌باشد.

منبع

۱- تکمیل همایون، ناصر، (۱۳۹۵)، محله کلیمیان

تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

حیات و اندیشه دینی یهود قبل از قرون وسطی (بخش پایانی)

نسترن یازدب

پیدایش فرقه‌های گوناگون

همه یهودیان در قرون بعدی، وفاداری خود را به «تورات» ابراز کردند، با این وصف، جامعه یهودی در یهودا به فرقه‌های گوناگونی تقسیم شد. طبق گفته «یوسفوس»، تاریخ‌دان قرن اول میلادی، سه گروه مهم ایشان «صدوقیان»، «فریسیان» و «اسنی‌ها» بودند. به احتمال زیاد، «صدوقیان» گروه کوچکی از افراد بانفوذ بودند، کاهنان موروثی که مراسم عبادی معبد زیر نظر آنان انجام می‌گرفت از جمله این افراد بودند. از نظر این گروه، دلیلی برای تفسیر و بسط شریعت مکتوب وجود ندارد. صدوقیان هر نوع تفکر و اندیشه‌ای را راجع به زندگی آینده رد می‌کردند. اما «فریسیان» به رستاخیز بدن و جهان آینده اعتقاد داشتند، علاوه بر این، آنها مشتاق بودند که با مطرح کردن توضیحات شفاهی برای متن کتاب مقدس، شریعت مبتنی بر کتاب مقدس را نسبت به شرایط روز کارآمد کنند. به عقیده آنان، خدا وقتی که فرمان‌های مکتوب را در کوه سینا به موسی داد، استفاده از این روش را نیز به او امر کرده بود. فرقه سوم این دوره «اسنی‌ها» بودند.

مهم‌ترین مشخصه این گروه به روش زندگی آنها مربوط می‌شود. آنها با طرد فساد زندگی شهری

در اجتماعات نیمه رهبانی زندگی می‌کردند. آنان در قوانین اجتماعی و جنگی خود (یا دستورنامه انضباطی خود) پایان مصیبت‌باری را برای جهان به تصویر کشیده بودند که ناشی از مبارزه میان خیر و شر بود و بنی‌اسرائیل از آن میان پیروز بیرون می‌آمد. **ویرانی معبد اورشلیم در اواخر قرن اول ق.م.**

در اواخر قرن اول ق.م. پس از مرگ «هرود» احساسات ضد رومی شدیدی در میان عموم یهودیان وجود داشت. سرانجام این خصومت‌ها منجر به جنگی شد که عاقبتی جز شکست و ویرانی دوباره معبد اورشلیم در پی نداشت. در سال ۷۰ میلادی هزاران یهودی آواره شدند. اما ویرانی معبد، امید یهود را نسبت به آزادی سرزمین مقدس از دست ظالمان قطع نکرد.

شورش برکوخبا و شکوفایی تعلیمات یهودیت حاکمی اولیه در قرن دوم م.

در قرن دوم شورش مسیحایی به رهبری «شیمعون برکوخبا» به وسیله نیروهای رومی متلاشی شد و بسیاری از یهودیان کشته شدند و یهودیه ویران شد. به رغم این شکست، باز فریسیان سنت یهودی را از طریق تعلیم و آموزش به پیش بردند. به دنبال جنگ برکوخبا، «هاردیان»، یهودیت را در

پیامبران و پیامبران آن را به افراد مجمع بزرگ سپردند. لازمه این دیدگاه آن است که از موسی تا رهبران قوم و سرانجام تا فریسیان یک رشته نقل و انتقال مصون از خطا وجود داشته است. خود میشنا تقریباً مفادی کاملاً حقوقی دارد و شامل شش جلد (یا دفتر) می‌شود. این کتاب‌ها مجموعه‌ای از فصول را (که معروف به رسائل‌اند) در برداشته، هر یک به موضوعات خاصی می‌پردازد.

سهندرینی که در گردآوری این اثر بسیار مؤثر بود، در تعدادی از شهرهای جلیل، تشکیل جلسه می‌داد، اما بعد از آن در منطقه طبریه مستقر شد. ناسی در مقام ریاست سهندرین ابقا شد، اما علمای دیگر هر کدام مدارس خاص خود را در بخش‌های دیگری از آن کشور تأسیس کردند. در آنجا، آنها محتوای کتاب میشنا و نیز تعلیمات حاخامی قدیمی (برایتوت) را که در میشنا گردآوری نشده بودند، با زندگی روزمره تطبیق می‌دادند.

پیدایش تلمود فلسطینی تا نیمه اول ق. چهارم

تا نیمه اول قرن چهارم، علمای یهودی در اسرائیل تعلیمات چندین نسل از حاخام‌های آموزشگاه‌های طبریه و قیصریه و صفوریه را در یک مجموعه گردآوری کردند. این بحث‌ها و تحقیقات مفصل در باره میشنا به تلمود فلسطینی (اورشلیمی) تبدیل شد. متن این اثر چندین جلدی چهار بخش از میشنا را فرا می‌گرفت، (بذرها، ایام خاص، زنان، خسارات)، اما رساله‌های گوناگونی در مکان‌های مختلف مفقود شده بودند. شکی نیست که بحث‌های

سرتاسر آن سرزمین ممنوع ساخت، اما بعد از مرگش در سال ۱۳۸ میلادی محدودیت مذهبی برداشته شد. تا آنجا که به یهودیان مربوط می‌شود، آنها به دنبال شکست در جنگ به رهبری برکوخبا، سیاست مصالحه‌آمیزی را با قدرت‌های رومی در پیش گرفتند و این امر منجر به شکوفایی تعلیمات حاخامی گردید. مرکز زندگی یهودی به جلیل منتقل شد و شاگردان «ربی عقیوا»، مجمع «سهندرین» را در «اوشا» دوباره تشکیل دادند.

علمای برجسته این دوره عبارت بودند از: «شیمعون بن گملیئل» دوم، الیعزر بن شموئیل، یسه بن خلفتا، یهودا بر ایلعای، شیمعون بریوحای و ربی میئر. «سهندرین» تحت حاکمیت این گروه به عنوان نیرویی تعیین کننده در زندگی یهودی پا به عرصه گذاشت و به واسطه تأملات و بررسی‌های این مجمع، احکام شرعی نسل‌های پیشین یهود نظام‌مند شد و رواج یافت.

تدوین میشنا توسط یهودا ناسی در ق. سوم

در قرن سوم وضعیت اقتصادی در جلیل بهتر شده بود و ساکنان یهودی به روابط دوستانه‌ای با حکومت رومی دست پیدا کردند. برجسته‌ترین عالم یهودی این دوره ربی یهودا هناسی بود، دستاورد اصلی او تدوین میشنا بود. این کتاب شامل بحث‌ها و دستورات دانشمندانی است که تعالیم آنها به صورت شفاهی به موسی داده شده است: موسی کتاب «تورات» را در کوه سینا دریافت کرد و به دست یهوشوع و مشایخ سپرد، و مشایخ آن را به

تشریح نشده‌اند. تلمود فلسطینی سه و نه رساله میشنا، و تلمود بابلی سی و هفت رساله را شرح کرده است، ولی تلمود بابلی تقریباً چهار برابر کلمات تلمود فلسطینی است. خود متن بیشتر مشتمل بر خلاصه‌ای از بحث‌های حاخام‌ها است: عبارتی از میشنا تفسیر می‌شود، تضادها و اختلافات برطرف می‌گردد، و علت مباحث زاید بیان می‌شود. در این مجموعه، دیدگاه‌های متعارض حکیمان نخستین با هم مقایسه می‌شوند، کلمات غیررایج روشن می‌شود، و قائلان نظریه‌های بی‌نام و نشان معین می‌گردند.

معمولاً هر یک از معلمان موارد خاصی را برای تأیید دیدگاه‌هایشان مطرح می‌کنند، و نیز به بررسی پیشامدهای فرضی می‌پردازند تا راه‌حلی برای مبحث مورد نظر بیابند. مناظراتی که در یک نسل از علمای برجسته وجود داشته و نیز اختلاف دیدگاه‌های افراد یک دوره از یک آموزشگاه یا یک معلم و شاگردانش معمولاً ذکر می‌شود. دامنه شرح‌های تلمودی به مراتب بسیار گسترده‌تر از خود میشنا است و شامل گسترده وسیعی از تعلیمات حاخامی در باره موضوعاتی از قبیل الاهیات، فلسفه و اخلاق می‌شود. این موضوعات غیرحقوقی، یک سوم تلمود بابلی را تشکیل می‌دهند. ■

منابع

۱. فلسفه یهودی در قرون وسطی، نویسنده: دن کوهن شرباک، مترجم: علیرضا نقدعلی، ناشر: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، تاریخ نشر: ۱۳۸۳
۲. سیری در تلمود، نویسنده: آدین اشتاین سالتز، مترجم: باقر طالبی دارابی، ناشر: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، تاریخ نشر: ۱۳۸۳

این آموزشگاه‌ها شامل موضوعات موجود در رساله‌های گم شده بوده است، اما معلوم نیست که این متون پیش از آن‌که مفقود شوند، تا چه اندازه‌ای کارهای مربوط به ضبط، تصحیح و ترتیب‌بندی بخش‌های آنها انجام گرفته است. نظرات این معلمان فلسطینی تأثیر مهمی بر علمای بابلی گذاشت، هر چند این اثر هرگز به شهرت و برجستگی تلمود بابلی دست نیافت. در طی این دوره، یهودیان تبعیدی به بابل، به کارهای علمی مشابهی پرداختند.

تأسیس آموزشگاه در سورا توسط راو آشه در ق. چهارم

در حالی که عالمان دوران پس از میشنا در اسرائیل به مباحثات علمی در باره اجرای شریعت یهود مشغول بودند، راو، از معلمان قرن سوم، آموزشگاهی در سورا تأسیس کرد و معلم معاصر وی، شموئل، در همان زمان ریاست آموزشگاه بابلی دیگری را در نِهردعا بر عهده داشت. بعد از آن‌که آموزشگاه نِهردعا در حمله سال ۲۵۹ میلادی نابود گردید، مدرسه پومبیدیتا به آکادمی تعلیمات یهودی تبدیل شد. تا قرن ششم، علمای بابلی تدوین تلمود بابلی را کامل کرد. این کار در واقع ادامه ویرایش و تدوینی بود که راو آشه در قرن چهارم در سورا آغاز کرده بود. این اثر حجیم هم تراز با تلمود فلسطینی است و تا حد زیادی خلاصه‌ای است از بحث‌های اموراها که در آموزشگاه‌های بابلی اتفاق افتاد. هر دو تلمود در اصل شرح و بسط میشنا هستند، هر چند در هیچ موردی تمامی عبارات میشنایی مربوطه



پروفسور ساموئل رهبر

نیوشا پایاب

ساموئل رهبر از ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۸ به عنوان فرصت مطالعاتی در کالج پزشکی آلبرت انیشتین در نیویورک به فعالیت‌های پژوهشی مشغول شد. این مدرسه‌ای پزشکی در واقع جایگاه خلاقیت و پویایی فوق‌العاده‌ای بود و در همان جا بود که او همکاری پژوهشی خود را با چهره‌های شاخص پزشکی به خصوص پروفسور هلن ام. رانی آغاز کرد.

پروفسور رهبر پس از بازگشت به تهران در سال ۱۳۴۹ درجه‌ی استاد تمام (پروفیسوری) را دریافت کرد و به عنوان مدیر بخش زیست‌شناسی کاربردی دانشگاه علوم پزشکی تهران به فعالیت‌های خود ادامه داد.

پروفسور رهبر پس از انقلاب به آمریکا مهاجرت کرد و در بخش هماتولوژی و پیوند مغز استخوان شهر هوپ در ایالت کالیفرنیا به عنوان همکار پژوهشی مشغول فعالیت شد و از سال ۱۹۷۹ مدیریت آزمایشگاه تحقیقاتی هموگلوبین را بر عهده گرفت.

پروفسور رهبر سه دختر دارد که همه با درجه ممتاز از دانشگاه‌های آمریکا فارغ‌التحصیل شده‌اند.

پروفسور رهبر در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۰۸ خورشیدی (۱۲ می ۱۹۲۹ میلادی) در خانواده‌ای دانش‌دوست یهودی در شهر همدان به دنیا آمد. مادرش در خانه به زبان فرانسه سخن می‌گفت تا فرزندانش تا اندازه‌ای با یک زبان بیگانه آشنا شوند. برادر بزرگش آموزگار شیمی و فیزیک بود و کتاب‌هایی در رشته شیمی نوشته بود که چندی در دبیرستان‌ها به عنوان کتاب رسمی آموزش داده می‌شد. او الگوی خوبی برای ساموئل، سه برادر دیگر و دو خواهرش بود که همگی در راه دانش و فرهنگ گام نهادند. ساموئل آموزش‌های آغازین را در مدرسه‌ی اتحاد گذراند.

وی دوره‌ی عمومی پزشکی خود را در سال ۱۳۳۲ در دانشگاه تهران به پایان رساند و در سال ۱۳۴۲ دکترای تخصصی ایمنی‌شناسی را از همین دانشگاه دریافت کرد.

پروفسور رهبر از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۹ در شهرهای آبادان و تهران به فعالیت‌های پزشکی بالینی پرداخت اما در سال ۱۳۳۸ به زندگی دانشگاهی بازگشت و پس از دریافت درجه‌ی دکترا در بخش ایمنی‌شناسی دانشگاه تهران مشغول کار شد.

دستاوردهای علمی، گنجانند و همین بنیاد پژوهشی کتابی در باره‌ی کشف مهم پروفیسور رهبر و اثر آن در پیشرفت‌های بالینی، منتشر کرده است.

۳. پروفیسور ریچارد روکو از دانشگاه سانفرانسیسکو در کتابی با عنوان مقاله‌های برجسته‌ی شیمی بالینی، ۳۹ مقاله را به عنوان مقاله‌های برجسته‌ی سده‌ی بیستم میلادی برگزیده که مقاله‌ی پروفیسور رهبر با عنوان *An abnormal hemoglobin in red cells of diabetics* (هموگلوبین غیرعادی در گلبول‌های قرمز بیماران دیابتی) یکی از آنهاست. در پیش‌گفتار این کتاب آمده است: مقاله‌هایی که در این کتاب معرفی می‌شوند، نقاط عطف مهم و تابلوهای راهنما برای پیشرفت شیمی بالینی در سده‌ی بیستم میلادی هستند.

۴. پروفیسور لوتر توماس از آلمان و پروفیسور سابین پوشر از سوییس در کتابی که در باره‌ی تاریخ تشخیص آزمایشگاهی نوشته‌اند، دگرگونی‌های انقلابی را که در تشخیص آزمایشگاه رخ داده است، از بررسی ساده‌ی ادرار در گذشته تا بررسی‌های دقیق امروزی، برشمرده‌اند که کشف مهم پروفیسور رهبر در باره‌ی هموگلوبین گلیکوزیله در بیماران دیابتی در صفحه‌ی ۵۴ آن آمده است:

Sam is a wonderful colleague, generous, hard working, and honest. He has a real creativity which is sometimes obscured by his modesty. Winter halter, K.H. (1996). Honorary Members. *Dialectologies* 39: October News Section p. 49. ■

منبع: پایگاه علمی جزیره دانش

رویا، دختر بزرگ او، پژوهش‌گر زیست‌شناسی مولکولی است، گیتا، دختر دوم، پزشک است و فیروزه، جوان‌ترین دختر او، دندان‌پزشک است.

دستاوردهای علمی

پروفیسور رهبر دستاوردهای علمی متعددی داشته و جوایز و افتخارات زیادی دریافت کرده است. مهم‌ترین دستاورد علمی ایشان کشف هموگلوبین گلیکوزیله است.

بنابر این، کشف پروفیسور رهبر، یعنی افزایش مقدار HbA_{1c} در افراد دیابتی، امروزه چراغ راه میلیون‌ها پزشک و بیمار دیابتی است. پروفیسور این کشف اتفاقی را هدیه خداوند می‌داند، هدیه‌ای که خداوند از طریق ایشان به همه بیماران دیابتی عطا کرده است.

سپاس‌گزاری جهانیان

۱. پروفیسور رهبر جایزه‌ی دستاوردهای علمی جاودانه‌ی انجمن دیابت آمریکا را دریافت کرده است و در سال ۱۹۹۶ به عنوان عضو افتخاری انجمن دیابت اروپا (EASD) و پژوهش‌گر برتر دیابت برگزیده شد. در معرفی شخصیت پژوهشی او در مجله‌ی دیابتولوجیا چنین آمده است: «ساموئل یک شخصیت دانشگاهی شگفت‌انگیز، بخشنده، کوشا و پرکار، درستکار و نیک‌کردار است. او دارای خلاقیت واقعی است که گاهی فروتنی‌اش، آن را پوشیده می‌دارد».

۲. پروفیسور رهبر همواره به عنوان یکی از مفاخر آزمایشگاه پژوهشی هوپ مورد توجه بوده است. در همایشی که به نشانه‌ی سپاس‌گزاری از کوشش‌های او برگزار شد، تصویر چهره‌ی او را در آلبوم نام‌آوران

سفری به آرامستان گیلیارد

فرزاد طوبیان

فعال اجتماعی و عضو کمیته بهشتیه انجمن کلیمیان تهران

زحمات و حمایت‌های مهندس شریفی به وی اهدا نمودند. سپس زائران از مکان‌های دیگر گردشگری دماوند نیز بازدید کردند.

گورستان گیلیارد علاوه بر اینکه محلی زیارتی برای کلیمیان است، یکی از سایت‌های مهم گردشگری دماوند نیز می‌باشد که همه هفته تورهای سیاحتی، گردشگران را برای بازدید به این مکان رهنمون می‌سازند. با توجه به این موضوع لازم است با تخصیص بودجه از طرف انجمن، امکانات بهتری را برای گردشگران مهیا ساخت، که این امر می‌تواند محلی برای آشنایی بیشتر هموطنان ایرانی با آداب و رسوم کلیمیان باشد. لازم به ذکر است که کلیه‌ی هزینه‌های مربوط به این تور از طرف گروه یاران وابسته به ستاد خیریه کوروش که معمولاً تورهای زیارتی دیگری نیز برگزار می‌نماید، تقبل گردید.

آرامستان تاریخی گیلیارد دماوند به شماره ۳۱۶۹۱ در تاریخ ۲۱ اسفند ۱۳۹۵ توسط سازمان میراث فرهنگی به ثبت آثار ملی ایران رسیده و به زودی مراحل تعیین حدود، دیوارکشی و بازسازی قبور و صیانت از آن با همکاری میراث فرهنگی و انجمن کلیمیان تهران شروع خواهد شد. این گورستان تاریخی با قدمتی باستانی، از اولین مراکز یهودی‌نشین، پس از ورود یهودیان به ایران بوده که آثار متعددی از تمدن اسلامی را نیز در خود جای داده است. ■

به همت گروه یاران، وابسته به ستاد خیریه کوروش به ریاست اسکندر میکایل و با همکاری کمیته بهشتیه تهران به ریاست موسی ثانی و الیاس تراشندگان، تور یک روزه سیاحتی- زیارتی آرامستان تاریخی گیلیارد که به تازگی به ثبت میراث آثار ملی ایران رسیده است، در روز یکم امرداد برگزار گردید. حدود ۴۰ نفر از همکیشان که خویشاوندانی مدفون در این آرامستان داشتند به مناسبت ایام نهم آو از گیلیارد بازدید نموده و به نیایش پرداختند. در این مراسم دکتر همایون سامه‌یچ، سعید یاشارئل، عضو کمیته‌ی املاک انجمن و مسئول امور مربوط به گیلیارد، هارون یشایایی رییس اسبق انجمن کلیمیان - که با پیگیری‌های ایشان این آرامستان به ثبت آثار ملی رسیده است- و مهندس شریفی مدیر کل میراث فرهنگی شهرستان دماوند نیز حضور داشتند. ابتدا هارون یشایایی تاریخچه‌ی مختصری از گیلیارد را به استماع حضار رساند و سپس مهندس شریفی از نحوه ثبت این اثر تاریخی در آثار ملی و فواید آن برای حفظ و ماندگاری این گورستان تاریخی که نه تنها برای یهودیان ایران بلکه به عنوان میراثی جهانی برای تمام یهودیان جهان اهمیت دارد توضیحاتی ارائه نمود و بر بازسازی این مکان تاریخی با مشارکت سازمان میراث فرهنگی و انجمن کلیمیان تاکید کرد. دکتر سامه‌یچ و هارون یشایایی به نمایندگی از کلیه حضار و جامعه کلیمیان لوح یادبودی را به پاس

جمهوری اسلامی ایران
سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
سازمان پژوهش‌ها و پهنای سازمان

جناب آقای سیدحسین هاشمی
استاددار محترم تهران

با سلام و تحنیت:

در اجرای بند (ج) ماده واحده قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی و بند ششم ماده سوم قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی مبنی بر ثبت آثار ارزشمند منقول و غیرمنقول فرهنگی - تاریخی کشور در فهرست آثار ملی و فهرستهای ذریعاً، مراتب ثبت آثار فرهنگی - تاریخی «گورستان تاریخی جلیله‌آباد» واقع در استان تهران، شهرستان دماوند، بخش مرکزی، شهر دماوند، منطقه جلیله‌آباد (جلیله‌آباد) گورستان کلبیان که پس از طی تشریفات قانونی لازم به شماره ۳۱۶۹۱ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۱ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده، ابلاغ می‌گردد.

آثار مذکور تحت حفاظت و نظارت این سازمان است و هرگونه دخل و تصرف یا اقدام و عملیاتی که منجر به تخریب یا تغییر هویت آن شود برابر مواد ۵۵۸ لغایت ۵۶۹ از کتاب پنجم قانون مجازاتهای اسلامی، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده، جرم محسوب می‌شود و مرتکب مشمول مجازاتهای قانونی خواهد شد و مرمت و بازسازی آثار صرفاً با تأیید و نظارت این سازمان ممکن خواهد بود.

خواهشمند است دستور فرمایید مراتب جهت اطلاع و اجرا به مقامات و مسئولین ذریعاً در استان ابلاغ و از نتیجه این سازمان را مطلع نمایند.***

زهرا احمدی پور

تهران، خیابان آزادی، مجتمع بزرگ پارک‌ها (ساختمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری) طبقه ۶۱، ۶۲
شماره تلفن: ۸۴۴۲۰۶۱۱ | کد پستی: ۱۳۳۷۱۷۱۷ | سایت: www.ir.mch.gov.ir

جمهوری اسلامی ایران
سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

بسته

در اجرای قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب آبان ۱۳۰۹ و نظام نامه اجرائی آن مصوب آبان ۱۳۱۱، بهرودوم قانون تجدید استخدام آمده کدار مصوب اسفند ۱۳۳۳، ماده واحده قانون ثبت آثار ملی مصوب آذر ۱۳۵۲، بند (ج) ماده واحده قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۴، و بند ششم ماده سوم قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۷:

آثار فرهنگی - تاریخی: گورستان تاریخی جلیله‌آباد

باجهت: دوره قاجار - معاصر

برهتانی: استان تهران، شهرستان دماوند، بخش مرکزی، شهردماوند، منطقه جلیله‌آباد (جلیله‌آباد)، گورستان کلبیان

برشماره ۳۱۶۹۱ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۱ در فهرست آثار ملی ثبت گردید.

محمد حسن طایلیان
سازمان میراث فرهنگی

زهرا احمدی پور
سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری





نگرشی بر تصویر حضرت موسی(ع) در فرش ایران

افشین میرعبداللہ لواسانی

کارشناس ارشد مردم‌شناسی

قالی دست‌آفریده‌ی پرنقش و نگار و ره‌آورد زندگی پر از تلاش زنان و مردانی است که با شوریدگی نگاره‌ها و گرمی رنگ دل‌های پاک ممزوج شده است. در این دست‌بافته‌ها راه و رسم کهن و سنت دورنمایه هر نقش‌پردازی است که جهانی برای آفرینش دارد. این دست‌آفریده‌ها به خواب (دار) گره خورده که قالی ایران نام دارد آینه تمام‌نمایی از هنر و تمدن ایرانی و اسلامی است. میراث گران‌قدری که از دیرباز بجا مانده و در شناسنامه ملت‌ها مهر تایید خورده است.^۱

هنرهای کاربردی ایران ارتباطی آمیخته از صورت و معنا دارند که این هر دو با نقش وجودشان به طور کلی ارتباط پیدا می‌کند. این جهان پر از معنا است معنایی که بر ما ظاهر شده‌اند و هنر کاربردی ایران هنر معنوی است. یعنی هنری که همه چیز را آفریده از معنا می‌داند. روح یک اثر هنری در واقع معنایی است که در آن بیان شده است و به میزانی از فضا که در اثر گنجانده شده بستگی دارد، نسبت به صورت و معنا به یکدیگر مانند نسبت تن و جان به هم است.

فرش ایرانی هنری قومی است یعنی می‌توان سلیقه‌ها و خدمات جمعی قوم و مردم را به ویژه در بافته‌های ایللیاتی به وضوح در آن دید. این ویژگی طبیعی این هنر است به تعبیری دیگر حتی بازتاب اندیشه‌های اجتماع را می‌توان در فرش دید و این خصیصه هنری است که قادر است خواسته‌ها و احساسات جمعی را در قالب شکل و نقش و رنگ به بیان آورد.^۲



قالیچه – تابلو تلفیقی از ده فرمان

گرفتن گهواره حضرت موسی از رود نیل توسط دختر فرعون اندازه: ۷۸ × ۱۰۵ سانتی‌متر، تار: ابریشم، رج‌شمار: ۷۰، پود: نخ، محل بافت: قم، پرز: ابریشم. (ادب و عرفان در قالی ایران، سیدرضا خشکنابی، انتشارات سروش، ۱۳۷۸)

^۱ . دائرةالمعارف صنایع دستی ایران، جلد اول، «حسینی - بهنور - براتعلی» وزارت فرهنگ و ارشاد اسلام، ۱۳۸۷

^۲ . زیبایی شناسی در فرش دستباف ایران، دکتر نازیلا دریانی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موزه فرش ایران، ۱۳۸۶.



قالیچه تصویری بیرون آوردن موسی از رود نیل توسط آسیه زن فرعون

اندازه: $1 \times 1/5$ متر، رج‌شمار: ۵۰، محل بافت: تبریز،
مواد به کار رفته: پشم
(ادب و عرفان در قالی ایران، سیدرضا خشکنابی،
انتشارات سروش، ۱۳۷۸)

قالی تصویری تمثال مبارک حضرت موسی (ع)

اندازه: 200×300 سانتی‌متر، نوع گره: متقارن، رج‌شمار: ۶۰ تار؛
ابریشم، محل بافت: تبریز، پرز: پشم درجه ۱
(تصویر نشان‌دهنده گوشه‌ای از قالی است) صحنه شبانی کردن
حضرت موسی برای حضرت شعیب «مضمون آیه‌های ۲۷ و ۲۸ از سوره
مبارکه قصص» (ادب و عرفان در قالی ایران، سیدرضا خشکنابی،
انتشارات سروش، ۱۳۷۸)



قالیچه تابلو معجزات حضرت موسی (ع) از قصص قرآن مجید

تبدیل شدن عصای حضرت موسی به اژدها
اندازه: 100×60 سانتی‌متر، تار: ابریشم، رج‌شمار: ۵۰،
پود: نخ، محل بافت: تبریز، پرز: کرک و ابریشم.
اقتباس: از طرح استاد فرشچیان (ادب و عرفان در قالی
ایران، سیدرضا خشکنابی، انتشارات سروش، ۱۳۷۸)

قالیچه تصویری آمدن الواح آسمانی به وسیله فرشتگان به حضرت موسی(ع)

اندازه: زرع و نیم، نام بافنده: رهبر، رج‌شمار: ۵۰، تار: ابریشم، محل بافت: تبریز، پرز: ابریشم، نوع گره: متقارن

شرح:

۱. در تهیه نقوش این اثر هنری، از متون کتاب‌های آسمانی استفاده شده است.
۲. دو ستون زیبا موزن متن قالیچه را به ۶ صحنه تقسیم و به آن حالت محرابی و روحانی داده است.
۳. در قسمت بالا دو فرشته بالدار روبروی هم روی تخت فاخری قرار دارند. دو شمعدانی منور در پشت سر آنان ملاحظه می‌شود. لوحه‌ای به خط عبری در وسط فرشتگان نهاده شده در سایر صحنه‌ها نیز از همین خط استفاده شده است. چنانچه این خطوط خوانده و ترجمه شود به ارزش این اثر هنری افزوده خواهد شد.
۴. در سمت راست قالیچه، تصویر حضرت موسی را در کنار آب گوارایی که از سنگ خارا جاری ساخته می‌بینیم.
۵. سمت چپ قالیچه، صحنه ذبح حضرت اسماعیل را نشان می‌دهد.
۶. در تصویر دیگر الواح آسمانی را در دست حضرت موسی مشاهده می‌کنیم.
۷. در سمت چپ قالیچه، روشن شدن شمعدان هفت شاخه به دست حضرت موسی به تصویر کشیده شده است.
۸. در قسمت پائین قالیچه، تاختن حضرت خضر جهت رسیدن به آب بقا و یافتن حیات جاویدان، به زیباترین شکل ممکن طراحی شده است. خضرم از آب‌ها شست و صفا داد مرا در فنا لخت شدم رخت بقا داد مرا
۹. قسمت بالای قالیچه ۱۲ ماه سال را روی ستاره‌های ۶ پر، با تصویر سمبولیک هر ماه، نشان می‌دهد. این قالیچه از نظر وسعت کار و نشان دادن صحنه‌های متعدد مذهبی و عرفانی کم‌نظیر است. (ادب و عرفان در قالی ایران، سیدرضا خشکنایی، انتشارات سروش، ۱۳۷۸)



قالیچه تابلو حضرت موسی(ع) از قصص قرآن مجید

اندازه: ۱۱۰×۱۷۰ سانتی‌متر، تار: ابریشم، رج‌شمار: ۷۰، پود: نخ، محل بافت: اصفهان، پرز: پشم درجه ۱، نوع گره: نامتقارن (ادب و عرفان در قالی ایران، سیدرضا خشکنایی، انتشارات سروش، ۱۳۷۸)





قالیچه تابلو تمثال مبارک حضرت موسی (ع)

اندازه: ۷۵×۵۰ سانتی متر، بافنده: پهلوان، رج شمار، ۵۰، تار:

ابریشم، محل بافت: تبریز، پرز: پشم درجه ۱، نوع گره:

مقارن

(ادب و عرفان در قالی ایران، سیدرضا خشکنابی، انتشارات

سروش، ۱۳۷۸)

قالیچه تصویری داستان حضرت موسی و

شبان از قصص قرآن مجید

اندازه: ۱۱۰×۱۶۵ سانتی متر، نظارت و بازسازی: استاد اکبر مهدی‌ئی، رج شمار: ۸۵، تار: ابریشم، طرح: مرحوم استاد محمد علی زاویه، تعداد رنگ: ۵۰، شعر: مولانا جلال‌الدین رومی، خط: استاد رضا سیلانی.

چون این تابلو در نظر تعداد رنگ و رج شمار و تعداد گره و ویژگی طرح زیبایی حاشیه با تابلوی قبلی تفاوت زیادی دارد لذا جهت ملاحظه و مقایسه علاقه‌مندان، آورده شده است.

(ادب و عرفان در قالی ایران، سیدرضا خشکنابی، انتشارات

سروش، ۱۳۷۸)





قالیچه تصویری در معجزات حضرت موسی (ع)

اندازه: ۱۸۰×۱۵۰ سانتی‌متر، بافنده: ده پرور، رج‌شمار: ۷۰، تار: ابریشم، محل بافت: قم، پود: نخ، نوع گره: نامتقارن، پرز: ابریشم.
شرح:

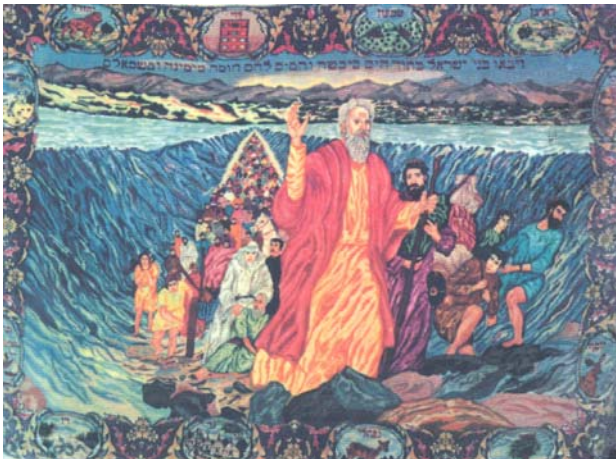
عصای معجزه‌گر می‌خورد به صخره حَمَا

بجوشد آب ز خارا به لطف و فضل الهی

تمام هستی عالم گواه قدرت اویند

سپاه دولت او می‌رسد ز ماه به ماهی

(ادب و عرفان در قالی ایران، سیدرضا خشکنابی، انتشارات سروش، ۱۳۷۸)



قالیچه تصویری عبور حضرت

موسی (ع) و قومش از نیل

اندازه: ۲۰۰×۱۵۰ سانتی‌متر، تار: ابریشم، رج‌شمار: ۵۰، پود: نخ، محل بافت: تبریز، پرز: ابریشم.
(ادب و عرفان در قالی ایران، سیدرضا خشکنابی، انتشارات سروش، ۱۳۷۸)

قالیچه تصویری تبریز از قصه قرآن

مجید

تعقیب فرعون و سپاهیان او حضرت موسی و قوم بنی‌اسرائیل را تا رود نیل و یا به روایت تاریخ انبیا: بحر احمر اندازه: ۱۷۰×۱۹۰ سانتی‌متر، تار: ابریشم، رج‌شمار: ۵۰، پود: نخ، محل بافت: تبریز، پرز: پشم درجه ۱، بافنده: جودی تجسم صحنه دو طرف رودخانه در این تابلو، دست به گریبانی فرعون و لشکریانش را با امواج سهمگین رودخانه و غضب الهی کاملاً نشان می‌دهد. به طوری که مشاهده می‌شود حضرت موسی و قومش، که به سلامت از رود گذشته‌اند، هلاکت فرعونیان را تماشا می‌کنند. (ادب و عرفان در قالی ایران، سیدرضا خشکنابی، انتشارات سروش، ۱۳۷۸)



منبع

۱. فرش‌نامه، شماره ۲۴، زمستان ۹۵.



تولد دوباره نویسنده قربانی هولوکاست

آتوسا آرمین

بی‌تفاوتی ایرنه نسبت به مادرش پس از اخراج ماری و خودکشی او تبدیل به نفرت و انزجار

شد. تاثیر ناخوشایند مادر بر ایرنه در بسیاری از داستان‌های او نمودار است. شخصیت منفی داستان‌های دیوید گولدر، دشمن، شراب تنهایی و جزایل فارغ از جنسیت، الهام گرفته از خصوصیات و شخصیت فانی است. با وقوع انقلاب کمونیستی روسیه در سال ۱۹۱۷ خانواده نمیروفسکی به فنلاند گریختند، کشوری که خود در گیر جنگ داخلی بود. پس از مدت کوتاهی به فرانسه رفتند و در پاریس ساکن شدند. لئونید به مدد استعداد اقتصادی و سخت‌کوشی خود بار دیگر موفق به تاسیس بانک در فرانسه شد. بار دیگر دستیابی فانی به ثروت و موقعیت پیشین سبب شد که او باز هم گل سرسبد مجالس خوشگذرانی پاریس شود و تنها فرزندش را تنها بگذارد. سال ۱۹۲۰ ایرنه توانست برای تحصیل ادبیات فرانسه وارد دانشگاه سوربون شود. تسلط به زبان‌های روسی و فرانسه به او فرصت داده بود که شاهکارهای ادبیات این دو کشور را بخواند و به ادبیات علاقه وافری داشت. در سال ۱۹۲۶ همزمان با ازدواج او با پسر یکی از دوستان خانوادگی، میشل اشتاین، از دانشگاه سوربن فارغ‌التحصیل شد. سال ۱۹۲۹ و پس از نوشتن و انتشار ده‌ها داستان کوتاه، نوشتن اولین رمان خود، دیوید گولدر، را به

جذابیت و پیچیدگی زندگی ایرنه نمیروفسکی دست کمی از داستان‌ها و رمان‌هایی که نوشته ندارد، با این تفاوت که پایان زندگی او به مراتب تراژیک تر از قهرمان‌های داستان‌هایش است. داستان زندگی ایرنه تا پاییز ۲۰۰۴ ناشناخته باقی مانده بود، هنگامی که ۶۲ سال پس از درگذشت وی، انتشار بیانیه‌ای جامعه ادبی فرانسه را به لرزه درآورد: اهدای جایزه معتبر ادبی Renaudo به کتاب سویت فرانسوی *Suite Française* توجه جامعه ادبی جهان را به نویسنده این کتاب و زندگی پر فراز و نشیب او جلب کرد: استعدادی درخشان و قابل مقایسه با بالزاک و داستایوفسکی و یکی از صدها هزار استعدادی که قربانی هولوکاست شدند. اهمیت اهدای جایزه رونودو به این کتاب در این است که این جایزه تنها به نویسندگان زنده تعلق می‌گیرد و جایگاه دوم را پس از جایزه کنگور داراست.

ایرنه نمیروفسکی در سال ۱۹۰۳ در خانواده‌ای یهودی در کیف پایتخت اکرین به دنیا آمد. پدرش لئونید بانکداری موفق و یکی از ثروتمندترین سرمایه‌گذاران روسیه بود. مادرش فانی زنی خودپسند، خوشگذران و سبکسر بود که تولد ایرنه را مسبب کاهش زیبایی و آزادی اجتماعی خود می‌دید. سال‌های کودکی در سن پترزبورگ در رفاه کامل و در آغوش پرستار فرانسوی‌اش ماری گذشت. او بعدها به همسرش می‌گوید که ماری را مادر خود می‌دانسته و عاشق فرانسه، که ماری آنرا زیباترین کشور جهان می‌دانسته، بوده است.

از آن ژاندارمی که برای دستگیری اپشتاین و فرزندانش مراجعه کرده بود به او فرصت کوتاهی داد که فرزندانش را از مهلکه نجات دهد. اپشتاین کودکان را به همراه چمدانی محتوی دست-نوشته‌های مادرشان نزد والدین پیر پرستار بچه‌ها در بورگانندی پنهان کرد. مکانی که کودکان تا پایان جنگ و ورود متفقین در آنجا با مهر و محبت نگهداری شدند. ایرنه یک ماه پس از رسیدن به آشویتس بر اثر بیماری تیفوس در گذشت و همسرش سه ماه پس از او در اتاق گاز جان سپرد.

سوویت فرانسوی: تولد دوباره نویسنده

سوویت به فرانسه به معنی دنباله‌دار است و به همین سبب برای کتاب این نام انتخاب شده است. طرح اولیه ایرنه برای این کتاب شامل ۵ بخش می‌شد و تنها توانست دو بخش اول آن را با عنوان‌های طوفان و دولچه به پایان برساند. دستنویس این دو قسمت در چمدان به همراه کودکان سرگردانش دور دنیا گشت. تا سال ۲۰۰۴ که آنها تصمیم گرفتند که دستنویس‌های مادر را به یک آرشیو ادبی اهدا کنند. با چاپ کتاب ابتدا به زبان اصلی و پس از آن به انگلیسی و دیگر زبان‌ها توجه جهانیان بار دیگر به زندگی پر فراز نویسنده و نشیب و پایان تلخ آن معطوف شد. این کتاب را انتشارات نیلوفر با ترجمه مهستی بحرینی در سال ۱۳۹۲ روانه بازار نشر کرده است. ■

منابع

- 1- Jewish Women's Archive
- 2-The New York Times : Assessing Jewish Identity of Author Killing by Nazis
- 3-The Guardian : Irene Nemirovsky
- 4- Suite Francaise ,English Translation ,first publication, preface

۵- رمان‌های ماندگار: خبرگزاری کتاب

پایان رساند. نسخه دستنویس رمان با نام ساختگی اپشتاین.اچ.مولر برای ناشر معتبر پاریسی گراسه فرستاد شد. ناشر پس از خواندن داستان متعجب از استعداد شگرف نویسنده در پردازش داستان به جستجوی او پرداخت، ولی به علت ساختگی بودن نام نویسنده تا مدتی موفق به یافتن او نشد. پس از انتشار کتاب در آن سال استقبال عمومی از آن به حدی بود که در سال ۱۹۳۰ فیلمی از آن ساخته شد. در فاصله سال‌های ۱۹۲۹ و ۱۹۳۷ ایرنه دارای دو فرزند دختر شد: دنیس و الیزابت. ولی تولد این دو کودک تاثیری روی کار این نویسنده پرکار نداشت. علیرغم جایگاه اجتماعی زوج نمیروفسکی - اپشتاین در محافل تجاری و ادبی پاریس، دولت فرانسه چندین بار تقاضای تابعیت آنها را رد کرد. با شروع جنگ در اروپا او و همسر و فرزندانش در کلیسای کاتولیک غسل تعمید یافتند به این امید که تغییر مذهب آنان را از موج یهودی‌ستیزی برخاسته از جنگ و انقلاب بلشویکی در امان دارد. با بالا گرفتن شعله جنگ خانواده از پاریس به روستایی در اطراف این شهر نقل مکان کردند. ایرنه و همسرش هر دو شغل خود را به خاطر یهودی بودن از دست داده بودند ولی ناشر کتاب‌های ایرنه موفق شد که مقالات او را در روزنامه‌ها با نام مستعار چاپ کند و حق‌التالیف را به مخفیگاه آنان بفرستد. اهمیت این عمل شجاعانه ناشر وقتی بارزتر می‌شود که او پس از اعزام ایرنه و همسرش به آشویتس به فرستادن پول برای فرزندان او ادامه می‌دهد. تابستان ۱۹۴۲ دستگیری گسترده یهودیان فرانسه آغاز و ایرنه همراه با گروه عظیمی به سمت آشویتس فرستاده می‌شود. برگه‌های رسمی که تغییر دین او به کاتولیسم را نشان می‌داد بی‌حاصل بود. اندکی پس

خورشید و ماه

شُرگان انورزاده

فعال اجتماعی

طپش قلبم، محبت بی‌پایانش، و انتخاب بهترین هدایا. پدری که تمام دنیایم بود و مادری که تمام دنیایم هست.

شنیدن قصه‌های شیرین مادر، در بعد از ظهرها، هنگامی که هنوز خواندن و نوشتن نمی‌دانستم و کودکی بیش نبودم و کتاب‌هایی که با لحن شیرینش برایم می‌خواند، که دریچه‌ای شد برای نوشتن من، در آینده.

نصیحت پدرم، «برای خوب بودن» و «خوبی کردن همیشگی» به انسان‌ها. جمله‌ای که همیشه تکیه کلامش بود: «تا می‌توانی، به همه خوبی کن».

تشویق پدر و مادرم برای شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، از هنگامی که نوجوان بودم و حمایت‌هایشان، پا به پایم، همیشه و همه جا. همیشه و همه وقت. تا حدی که شرمندگی خوبی‌هایشان باشم. تا حدی که معنای کامل کلمه‌ی خوشبختی را در کنارشان، و در کنار خواهر و برادر خویم، حس کنم.

تا حدی که خوشبختی، هیچ‌گاه واژه‌ای دور، گنگ و دور از دسترس برایم نباشد. تا حدی که یکی از بهترین خاطرات دوران کودکی‌م، پدری باشد که هر شب، با مهربانی کنار تختم، ایستاده و شِمع اسرائیل (بخش آغازین نماز دین یهود)، را بلند می‌خواند و یادم می‌دهد. بهترین خاطراتم، مادری باشد، که از کودکی، با من هم مسیر و هماهنگ است. مادر فرهنگ‌دوست، اهل کتاب و مطالعه. مادری

زندگی، سرشار از احساسات و خاطرات است. احساسات قشنگ و خاطرات خوب. احساسات زیبا و خاطرات به یاد ماندنی. اما به راستی، بیشترین احساس را به چه کسانی داریم و بیشترین خاطراتمان را در کنار چه کسانی؟

قدرشناس و سپاس‌گزار خدای مهربانی هستیم که بیشترین خاطرات خوشمان را در کنار پدر و مادر آفرید. سپاس‌گزار خدای مهربان هستیم که نعمتی به اسم پدر و مادر را در کنار ما به ودیعه نهاد. نعمتی که گاهی با بی‌اعتنایی از کنار آن می‌گذریم. آرامش، آرامشی که در کنار پدر و مادر و در خانواده داریم.

سنگ صبور، سنگ صبورهایی که تمامی درددل‌های ما را با مهربانی می‌شنوند و با دلسوزی، درصد چهارجویی بر می‌آیند. فداکاری می‌کنند تا بهترین‌ها برای ما باشد. تا دنیا، دنیای بهتری برای ما باشد. به ما عشق می‌ورزند تا اولین آموزگار عشق‌ورزی باشند. شادی ما، شادی آن‌هاست. موفقیت ما، موفقیت آن‌ها. همراه با پدر و مادر، از اوان کودکی، دیدن نگاه مهربان مادر در روز اول مهر و بوسه‌ی پرمهرش، با آرزوی یک دنیا موفقیت. نگاهی که از یاد نخواهد رفت.

دیدن شوق پدرم، برای خریدن هدایای عید، دست در دست پدرم، با یک دنیا، یک دنیا شادی،

اطلاعیه

انجمن بانوان کلیمی تهران دوره اول آموزش مهارت‌های زندگی مشترک را با شرکت تعدادی از علاقمندان با موفقیت برگزار کرد و به پایان رساند. ضمن عرض تبریک به این عزیزان به استحضار می‌رساند که این کلاس‌ها ادامه پیدا خواهد کرد. از دوستان و زوج‌های عزیزی که تمایل به شرکت در این دوره‌ها را دارند تقاضا داریم با توجه به اطلاعیه‌ها که متعاقباً در کنیساها پخش خواهد شد نسبت به ثبت‌نام خود اقدام نمایند. لازم به ذکر است تاریخ شروع کلاس‌ها بعداً اعلام خواهد شد.

به اطلاع می‌رساند انجمن بانوان کلیمی همکاری خود را با انجمن آرایمر ایران شروع کرده است و در نظر دارد که طرح سنجش آرایمر را در جامعه پیاده کند. از متقاضیان بالای پنجاه سال دعوت می‌شود در صورت تمایل در این طرح شرکت نمایند تا بتوانیم برای مقابله و رویارویی با آرایمر که متأسفانه گریبانگیر جوامع مختلف است آماده باشیم.



جهت کسب اطلاعات لازم با
شماره تلفن ۰۹۱۲۸۰۳۴۰۸۹
تماس حاصل نمایند.

انجمن بانوان کلیمی تهران

روش‌هشانا، آغاز سال نو ۵۷۷۸ عبری را به کلیه همکیشان عزیز شادباش می‌گوید و سالی سرشار از صلح و آرامش برای همگان آرزو می‌کند. باشد که تعنیت و تشوای همه عزیزان مورد قبول درگاه حق تعالی قرار گیرد.

که بذر مطالعه و نگارش را در دلم کاشت. پدری که نوای موسیقی‌اش، همیشه در قلبم، غوغا به پا می‌کند.

پدر و مادری که زندگی را با عشق به یکدیگر ساختند و به ما آموختند و همه‌ی پدران و مادران این چنینند. نمی‌دانم پاسخ نیکی به پدر و مادر چگونه باید باشد. انگار باید خودمان هم خوب باشیم. به معنای واقعی کلمه، تا پاسخ خوبی‌هایشان را بدهیم. هم صحبت‌های خوبی برایشان باشیم. در کنارشان باشیم. در کنارشان باشیم. به حرف‌هایشان گوش بدهیم، با حوصله، بی‌منت.

حالا، شریک خاطرات خوش گذشته‌شان باشیم. حالا، سپاسگزار یک عمر، تلاش بی‌وقفه‌شان، برایمان باشیم. حالا قدرشان را بدانیم. بخندیم با آن‌ها، از ته دل. بخندیم با آن‌ها، از دل و جان. شادشان کنیم. لبخندی بر لبشان بنشانیم.

پدر از دست رفته‌ام، تا زنده‌ام، فراموش نمی‌کنم. قلب مهربانت و نگاه زلال و زیباییت به زندگی و انسان‌ها، از یادم نخواهد رفت. سعی می‌کنم رهروی خوبی‌هایت باشم. مادر خوبم، پاس می‌دارم قلب پاکت را، مهربانیت را و سپاسگزار تمامی فداکاری‌هایت و خوبی‌هایت هستم.

سعی می‌کنم، من هم مادر خوبی برای فرزندانم باشم. آن‌گونه که تو هستی. آن‌گونه که مادران هستند. خداوندا سپاس بی‌کران، برای آفریدن «خورشید و ماه» مادر و پدر.

تقدیم به مادر خوبم و یاد پدر عزیزم



من بی شعورم؟

دوریتا معلمی

کارشناس ارشد روانشناسی

در طی این چند سالی که با دنیای روانشناسی آشنا شده و به مطالعه در این زمینه پرداخته‌ام شاید بتوانم بگویم که یکی از گویاترین کتاب‌هایی که در این حیطه دیده‌ام کتاب «بی‌شعوری» از «خاویر کرمنت» با ترجمه «محمود فرجامی» بوده که گرچه نزدیک به دو دهه از نوشتن کتاب می‌گذرد ولی در کشور ما ظرف مدت کوتاهی پس از چاپ اولیه به چاپ بیستم رسیده است.

نویسنده در این کتاب ویژگی‌های افرادی را که به‌نوعی دچار اختلال شخصیتی هستند به زیبایی هرچه تمامتر توصیف کرده بدون آنکه هیچگونه برچسب تشخیصی بزند. وی همچنین در نوشتن مطالب (و البته مترجم هم در ترجمه آن) جانب طنز را اختیار کرده که این طنز در کنار شیوه‌ی گاه بی‌ادبانه‌اش برای برخی از خوانندگان موجب کاهش و برای برخی دیگر موجب افزایش تلخی محتوای مطالب می‌شود.

در هر حال مطالعه این کتاب به ما کمک می‌کند تا افراد «بی‌شعور» در اطرافمان را خیلی سریع شناسایی کنیم. هر چند نویسنده در بسیاری از موارد به شکلی طنزانه و ماهرانه از زیر بار اینکه چگونه با این دسته افراد رفتار کنیم جا خالی می‌دهد، ولی

حداقل متوجه می‌شویم که در زندگی با چه فردی طرف هستیم و از آن مهم‌تر اینکه خود را محک زده و دریابیم که آیا خودمان «بی‌شعور» هستیم یا خیر؛ پیش از آنکه زندگی با نواختن سیلی سختی به صورتمان ما را آگاه کند.

کرمنت معتقد است که «بی‌شعوری» یک نوع خصوصیت اخلاقی بد نیست بلکه بیماری و یک اعتیاد است. او «بی‌شعوری» را رفتاری وقیحانه و نفرت‌انگیز تعریف می‌کند و از نظر او فرد «بی‌شعور» کسی است که این رفتار را بصورت کاملاً ارادی و عمدی انجام داده و از ایجاد اختلال در کارها و رساندن آزار به دیگران قلباً خوشحال است. وی در اعتراض به این نامگذاری این‌گونه پاسخ می‌دهد: «بی شعورها پررو، نفرت‌انگیز، ترسناک و متکبرند و باید اسمی رویشان باشد که دست کم کمی به خود بیاوردشان».

وی همچنین معتقد است که هر آدمی صرف نظر از میزان ثروت و تحصیلات و هوش و فارغ از سن و جنسیتی که دارد ممکن است «بی‌شعور»

- باشد حتی اگر روانشناس، وکیل، پزشک و یا واعظ مذهبی باشد.
- کرمنت بیش از آنکه به توصیف واژه «بی شعوری» پردازد بیشتر ویژگی‌های افراد «بی شعور» را توصیف می‌کند تا بدین وسیله شناسایی آنها آسان‌تر شود.
- از جمله ویژگی‌هایی که کرمنت بر می‌شمارد می‌توان به رفتار تهاجمی، اخلاق قلدرمآبانه، گردن کلفتی، ترساندن دیگران، حقه سوار کردن و در مواقع ضروری جیغ کشیدن و لگد زدن اشاره کرد. او «بی شعور» ها را حسودانی می‌داند که در پس ظاهر ملایمشان مانند دیگی در حال جوشیدنند و با غیبت و بدگویی با آبرو و حیثیت افراد بازی می‌کنند، هنگامی که به آنها بابت رفتارشان تذکر داده شود بلافاصله همه چیز را انکار کرده و دیگران را متهم به دسیسه چینی و توطئه بر علیه خودشان می‌کنند و بدین ترتیب کم کم از جامعه و اطرافیان طرد می‌شوند.
- کرمنت بر این باور است که همه «بی شعور»ها قواعد نانوشته‌ی مشترکی برای خود دارند. از جمله:
- «تمام مشکلات را دیگران بوجود آورده اند. پس یکی را پیدا کن که تقصیرها را به گردنش بیندازی.
 - کم نیاور. هر چقدر جرمت بزرگ‌تر است باید پروییات هم بیشتر باشد.
 - تمام قوانین برای این بوجود آمده‌اند که نقض شوند اما فقط من این حق را دارم. اگر کس دیگری انجام داد، دودمانش را به باد می‌دهم.
 - وی در قسمت دیگری از کتاب فهرستی از ویژگی‌های این افراد را ارائه کرده، از جمله:
- دخالت در امور دیگران.
 - ناراحتی از اینکه دیگران به فکر خودشان باشند.
 - نارضایتی از انجام وظایف.
 - شادمانی از مشکلات دیگران.
 - داشتن حالت تهاجمی.
 - کولی بازی.
 - زبان نیشدار.
 - توجیه و دلیل تراشی.
 - تملق و چاپلوسی.
 - اطمینان طلبی از اینکه مبادا آدم معمولی محسوب شوند.
 - اعتقاد به اینکه همه به‌غیر از خودشان باید از قوانین پیروی کنند.
 - علاقه شدید به مورد ستایش قرار گرفتن.
 - علاقه شدید به اینکه دوستانشان و دشمنانشان چکار می‌کنند.
 - اعتقاد به اینکه خودشان کامل و بدون نقص هستند.
 - پوزخند و ریشخند و استهزا بجای شوخ طبعی.
 - عدم توانایی در شاد بودن و یا شاد کردن دیگران.
 - ترساندن دیگران.
 - عیب جویی و تخریب دیگران.
 - تحریف واقعیات.
 - عشق شدید به داشتن چیزهایی که مال خودشان نیست مانند قدرت و شهرت.
 - وی همچنین آنها را عیب جو، خود نما، دسیسه چین و غیر قابل اطمینان معرفی می‌کند و بر این باور است که برای حفظ خودشان، برای تخریب دیگران و تحریف واقعیات دروغ می‌گویند و جالب آنکه در همان حال ادعای تعهد و صداقت دارند.
 - کرمنت معتقد است که «بی شعور»ها ویژگی‌های مثبت زیادی نیز دارند. به عنوان مثال:
 - شنونده‌های بسیار خوبی هستند البته به این دلیل که از این طریق به نقطه ضعف گوینده پی برده و در فرصت مناسب از آن استفاده کنند.

اطرافایانتان خواهید نگر نیست (البته با چشمی گریان و در عین حال خندان و متعجب!!!!).

کرم‌ت انواع بی‌شعوری را که در مقیاس وسیع‌تر و بصورت اجتماعی وجود دارند از نظر دور نداشته و آنها را اینگونه تقسیم‌بندی می‌کند:

- بخش دولتی با نشانه‌هایی مانند کاغذ بازی، مقررات و جنون جلسه.
- بخش تجاری که حرص و آز، رقابت، جاه طلبی و وظیفه‌نشناسی اجتماعی را از نشانه‌های آن می‌داند.
- بخش نظام آموزشی که هدف اصلی خود را (آموختن خواندن و نوشتن و فکر کردن) گم کرده است.
- بخش رسانه که با بردن آبرو و اعتبار افراد قدرتمند و معتبر و البته حسادت برانگیز، تسویه حساب، قدرت نمایی و عقده‌گشایی می‌کند.

کرم‌ت معتقد است که «بی‌شعوری» یک بیماری است از نوع «واگیردار» و «مسری» که برای درمان آن کاری از دست دیگران بر نمی‌آید مگر آنکه خود فرد «بی‌شعوری‌اش» را بپذیرد و بخواهد که درمان شود. بنابراین در دو فصل آخر به توضیح پیرامون مراحل درمان پرداخته و در اینجا نیز در عین در نظر گرفتن جنبه‌های علمی موضوع، جانب طنز را رها نکرده و به زیبایی «بی‌شعورها» را تشویق به درمان می‌کند.

کار جالب دیگر کرم‌ت در کتابش این است که در پایان هر فصل با شوخ‌طبعی خاص خود پرسش‌هایی مطرح کرده تا بدین‌وسیله خود را بسنجیم و ببینیم که آیا یک «بی‌شعور» هستیم؟
این کتاب را بخوانید.

- بسیار موشکاف و تیزبین هستند و بدین وسیله می‌توانند از انجام کارهایی که به نظر همه بدون اشکال و حتی پسندیده است ایراد بگیرند.

- آنها شریک‌های بسیار خوبی هستند و حاضرند بدبختی‌ها و تقصیرات و اضطراب‌هایشان را به شما داده و در عوض توجه و دوستی و مهربانی از شما بگیرند!!!!

او در کتابش، «بی‌شعوری» را از جهات مختلف طبقه‌بندی و از جمله از نظر «شدت»، «بی‌شعورها» را به چهار دسته تقسیم کرده: بی‌شعور تمام عیار، بی‌شعور گه‌گیر (گاه به گاه)، بی‌شعورهای آب زیر کاه خوشرو و بی‌شعورهای آب زیر کاه ترش‌رو. و البته برای تشخیص هر کدام با زیبایی و شوخ‌طبعی هر چه تمام‌تر مثال‌هایی بسیار گویا آورده است.

کرم‌ت دسته‌بندی دیگری نیز از «بی‌شعورها» ارائه کرده که به اختصار در ذیل می‌آید:

- بی‌شعورهای اجتماعی: که پشت آداب و رسوم اجتماعی پنهان می‌شوند و از آنجا که ممکن است از نزدیکان و عزیزان ما باشند شناسایی‌شان بسیار سخت است.
- بی‌شعورهای تجاری: که عاشق پول، قدرت، رقابت و برتری طلبی‌اند.
- بی‌شعورهای مدنی: که حتما باید در اعتراضات شرکت کنند بدون آنکه علت اعتراض مهم باشد.
- بی‌شعورهای مقدس مآب: که به نام دین و مذهب مرتکب هر عملی می‌شوند.
- بی‌شعورهای بیچاره: که به دلیل کمبودهای عاطفی‌شان، در نقش یک فرد مظلوم و قربانی همیشه از بقیه گلايه‌مند و متوقع هستند.

و انواع دیگر که همه را با همان شیوه جذاب نگارشش توضیح می‌دهد، به شکلی که پس از خواندن این قسمت با دیدی بسیار متفاوت به

می شود دوباره ...

المیرا سعید

گفتار و کردارشان بود. همگی مدیون آن همه نیت‌های خالص هستیم و مرهون نیکی‌هایشان. طرز فکر آنها نان بیات شده در سفره‌مان نیست که بوی نا و کهنگی‌اش آزارمان دهد. پرداختن به مشغله‌های امروزی و غرق شدن در رویاهای فردا، دلیلی نیست برای به فراموشی سپردن دیروزمان. شاید فکر می‌کنیم آنقدر بزرگ شده‌ایم که گذشته لباس پاره و مندرسی شده که روی پوشیدنش را نداریم یا همچون کفشی است که به قدری به پایمان تنگ شده که به راحتی نمی‌توانیم به سوی آینده گام برداریم!

به یاد هم بودن، شریک غم و شادی هم شدن، مهر ورزیدن و همدلی از جنس کالاهایی چون تلفن همراه و ماهواره و صدها نرم‌افزار و سخت‌افزار کامپیوتری نیستند که مدل‌های قدیمی آن دیگر کاربردی در زندگی امروزی نداشته باشند و بلااستفاده زیر تلی از خرده‌ریزهای انباری خانه مدفون شوند.

چه راحت ولی در عین حال با پرداخت هزینه‌هایی گزاف، با هم بودن‌ها، به هم سرزدن‌ها و یکدلی‌ها را سپرده‌ایم به پدیده‌هایی بنام تکنولوژی و فناوری. دیدار قوم و خویش، در آغوش کشیدن دوست و نشستن به پای یار را فروختیم به خروار

وقتی صحبت از گذشته به میان می‌آید یا کسی پای دیروز را وسط می‌کشد، در آخر نتیجه گرفته می‌شود که «ای بابا گذشته‌ها گذشته. گذشته که دیگه بر نمی‌گردد. حال را دریاب و در فکر آینده باش». چرا این عبارات را تا این حد ساده به زبان می‌آوریم و به آسانی از گذشته می‌گذریم؟ آیا تا به حال حتی برای چند دقیقه هم که شده به فکر فرو رفته‌ایم که چقدر راحت دیروز را گذاشتیم و گذشتیم؟

اینکه گذر زمان دست من و تو نیست، درست و اینکه بالاخره روز و شب می‌گذرد، چه خوب و چه بد، چه تلخ و چه شیرین هم واقعیتی است انکار ناپذیر. گردش عقربه هیچ ساعتی هم تا به حال منتظر هیچ آدمی نبوده و نمی‌ماند. ولی آیا نمی‌شود روزهای خوبش، خاطرات خوشش را، یادگاری‌های بی‌مثال و آدم‌های بی‌نظیرش را در کوله بار زندگی امروزمان داشته باشیم و گاهی با یادی، نگاهی، لحظاتی از روزها و شب‌های پر دغدغه‌مان را به آرامش دعوت کنیم؟

گذشته روزها و ساعت‌های از دست رفته نیست که تاریخ مصرف آن سرآمده باشد و چاره‌ای جز به دور انداختنش نباشد. تک تک ما وارثان گذشته‌ایم. وارث آدم‌هایی که پندار نیک سرمشق

دیگر گذشته حتی در خواب هم به سراغمان نمی‌آید؟ از همه چیز گذشتن، برای به هم رسیدن، رویایی شد که سراغش را در فیلم و سریال‌های تاریخی باید گرفت یا برای یادآوری یک عشق واقعی باید سری به کتاب‌های خاک گرفته خانه پدری بزنیم؟

به راستی فرصت آن را نداریم تا سری به تنهایی مادر بزرگ بزنیم و به بهانه استکانی چای مهمان گوشه‌ای از خاطرات جوانی‌اش شویم؟ یا چند قدمی را با پدر بزرگ تا پارک نزدیک خانه همراه شویم؟ سخت است نشانی معلم کلاس اول را جویا شویم و به پاس زحمات بی‌دریغش بار دیگر مشق عشق کنیم؟ نمی‌شود مثل دیروز از مرز آشنایی بگذریم؟ محرم راز هم شویم و مرهم زخم یکدیگر؟ نمی‌شود به جای صرف ساعت‌های طولانی در سایت‌ها و کانال‌های معتبر و نا معتبر و خواندن و گرفتن هزار مطلب و مقاله و فیلم و عکس واقعی و غیر واقعی و کیپی آنها و فرستادنشان به این و آن چشمانمان روشن شود به دست خطی از دوست از راه دور و هوا پر شود از عطر یاد او؟ نمی‌شود دوباره به بهانه خانه تکانی عید، آلبوم عکسی جا مانده در یک کمد قدیمی را ورق بزنیم و نگاه خیسمان خیره بماند به روی ژست آدم‌های عکس؟ گویی یک دنیا فاصله است بین امروز و دیروزمان. دیروزی که حتی آدمها به وقت قهر و جدایی هم حرمت هم را نگه می‌داشتند و دلتنگی‌هایشان هم واقعی بود. روزگاری بود که

خروار جملات و متن‌های تکراری که مرتب دست به دست می‌شوند و مثنی ادا و شکلک تا به خود و دیگران ثابت کنیم که ما هم آدم‌های متمدن این روزگاریم. سرزدن به پدر و مادر و درد دل با خواهر و برادر، با خبر شدن از حال همسایه دیوار به دیوار و هم زبانی‌های حقیقی تنگ هر غروب زیر هشتی‌های خانه را دو دستی تقدیم ساعت‌ها خیره شدن به صفحه‌ای به اندازه یک کف دست کردیم در دنیایی مجازی که هیچ بعید نیست مخاطبمان هم مجازی از آب در بیاید. یادآوری بازی‌های دوران کودکی و با آب و تاب تعریف کردن از همبازی‌ها و همکلاسی‌مان را از کودک خود دریغ کردیم و در عوض او را به سرگرمی‌های بی‌تحرك در دستگامی کوچک بنام بازی‌های فکری واگذار کردیم و در خود فرو رفتن و خاموشی‌اش را تشویق کردیم. از دیروز با تمام یادهای شیرینش فرار کردیم تا در امروز گم شویم و به سوی آینده‌ای نامعلوم بدویم. شاید هم گذشته ما را رها کرد، به خاطر نامهربانی‌ها و نامردی‌هایمان!

حالا از که باید سراغ دیروز را گرفت؟ چگونه به فرزندانمان بگوییم که دوستی‌های دیروز نشانی از دشمنی نداشتند و روزها کمتر رنگ دلواپسی به خود می‌گرفت و بدون خوردن غم فردا به فرداها می‌رسید. سال‌هایی که ۳۶۵ روزش را می‌شد ذره ذره چشید و از طعم هر لحظه‌اش لذت برد. تابستان و زمستانش را کنار هم باور کرد و روزهای جدایی‌اش را بی‌تابانه به وصل رساند. چه شد که

منظره‌ی جمیل من

گوش به من فرا بده
یا ربّ بی بدیل من
پرده بدر ز روی خود
منظره‌ی جمیل من
نیست مرا هم نفسی
جز تو و مهر روی تو
دل ز تو شاد می‌شود
شادی بی دلیل من
هست مرا چه فایده
بی تو گذشت روز و شب
دست مرا بگیر تو ای
حضرت حق، خلیل من
چشم امید بندهات
بسته به معجزات تو
بسته به درب خانهات
دست قضا، دخیل من
جان به تو سجده می‌کند
دل به تو خنده می‌کند
عقل نکند درک امور
در ره تو، عقیل من
روز قضا روی ما
شرم نکند ز روی تو
هیچ نترسم از قضا
چون تو شوی وکیل من
ای ره تو سبیل من
قدرت تو کفیل من
کلام آسمانی‌ات
نوای جبرئیل من
رقص نمی‌کند دلم
جز به نوای ساز تو
دل به تو گرم میشود
تکیه گه ثقیل من

امیر فراز نعیموت

برای دور هم جمع شدن، بدرقه خزان را بهانه می‌کردیم و از سرما و سیاهی زمستان پناه می‌بردیم به گرمای دل هم. برای جمع کردن برگ‌های بی جان روی آب حوض از هم پیشی می‌گرفتیم تا آبی تازه به حوض بریزیم. به انتظار بهار می‌نشستیم و تولد دوباره یاس‌ها و یاسمن‌ها را جشن می‌گرفتیم و برای برگشت پرستوها روزشماری می‌کردیم. روزهایی که با یک دنیا شوق به ماهی تنگ بلور کنارسبزه سفره هفت‌سین سر می‌زدیم. قیل و قال بچه‌ها و برو و بیای بزرگترها قبل از سال تحویل و همراه شدن با خانواده برای عید دیدنی چه زود از یادها پر کشیدند.

باز می‌شود در عصری تابستان برای باغچه کوچک خانه که در انتظار باران نفس نفس می‌زند، دعا کرد و با چکیدن قطره‌ای به روی خاک تشنه‌اش لبخندی از سر رضایت زد. می‌شود دوباره سحرگاه با بالا آمدن آفتاب، روز را به هم تبریک بگوییم، دل خوش کنیم به دست پخت مادر و قدردان آن همه فداکاری شویم. با بوسه‌ای روی پینه‌های دست پدر خستگی‌اش را ارج نهیم و با هم صحبتی دلشادش کنیم. می‌توان باز شب هنگام روی تخت کنار حوض حیاط خانه به نان و پنیری بسنده کرد و فارغ از هیاهوی شهر چشم به ستاره‌ها دوخت و از بوی پیچک‌های ایوان سرمست شد.

هنوز هم دیر نیست تا برای با هم یکی شدن پلی سازیم بین دیروز و امروز. می‌شود دوباره من و تو ما شویم. نیکی نیاکان را تجربه کنیم و دوباره همزاد خوبی‌ها شویم. ■



ترس از تغییر؛ فرار از مواجهه

لیورا سعید

کارشناس ارشد روانشناسی

آره... اما، فعلا نه...، تا بینم چه میشه، آخه می‌دونم...، چه فایده...، عبارات آشنایی هستند که توسط ما و دیگران به کار گرفته می‌شوند تا اقدامی که هشیارانه و منطقی باید انجام شود اما ناخودآگاه با تمام قوا مقاومت می‌کند تا انجام نشود، انجام ندهیم. این ترفندها یا جواب‌های به ظاهر ساده و پیش پا افتاده، روش‌های مقابله‌ای برخی از افراد با مسئله‌ها و مشکلات زندگی‌شان است.

فرار، یکی از شیوه‌های متداول و سنگ‌اندازی‌های معمول خود انسان در راه تغییر و رشد در زندگی است. بسیاری از افراد به محض این که می‌خواهند از شر مسائل خود خلاص شوند، فرار را بر ماندن و تلاش کردن ترجیح می‌دهند. علت فرار قابل درک است؛ چون اگر فرار نکنید به این معناست که خودتان را دستی دستی در معرض اضطراب و درد شدید قرار داده‌اید. فرار یا اجتناب، یک سبک مقابله‌ای است و غلبه بر آن، نیاز به انگیزه دارد. باید در ادامه‌ی زندگی‌تان با انتخاب رو به رو شوید: ادامه‌ی فرار یا رهایی از مشکل.

ورزش، مطالعه‌ی کتاب، رسیدگی به مسائل جسمی و... همه به جای خود، مسائل مهم زندگی

- این هفته کلاس ورزش شروع میشه. من ثبت‌نام کردم، خواستم به تو هم بگم که مدت‌هاست منتظرش بودی.

- آه چه خوب، بینم چی میشه. می‌دونم که من چقدر گرفتارم.

- برای کاهش ریزش موهاش چه کار کردی؟

- دکتری که پیدا کردم مسیرش به من دوره، نمی‌دونم چه کار کنم.

- قرار شد برای پسرت وقت بذاری و اوقاتی رو به او اختصاص بدی.

- آره یادم نرفته، پروژه‌ی کاریم که تموم شد، از هفته‌ی آینده.

- سرای محله کارگاه مدیریت استرس گذاشته، بهت توصیه می‌کنم شرکت کنی.

- بابا مگه چی می‌خوان بگن که ما بلد نیستیم؛ انقدر که کلاس برگزار می‌کنن چرا جامعه تغییری نکرده؟

- دوست داری با ما به برنامه پیاده‌روی هر روز بیای؟

- آره... اما دخترم رو چه کار کنم که از دانشگاه برمی‌گرده، مسئولیت‌های من خیلی زیاده.

- تو به خاطر مشکلی که با همسرت داری بهتره به مشاور مراجعه کنی.

- آخه همسرم که همراهی نمی‌کنه، چه فایده من به تنهایی برم؟

پاک کردن صورت مسئله استفاده می‌کنند. فرار به عنوان یکی از رفتارهای مقابله‌ای، به باورهای عمیق و ساختارهای زیربنایی روان که در دوران کودکی درباره خود، دیگران و جهان اطراف در ذهن‌مان شکل گرفته‌اند ارتباط دارد که در اصطلاح به «طرحواره‌ها» یا «تله‌های زندگی» معروفند. به عنوان مثال، اگر در «تله‌ی نقص / شرم» افتاده باشید، ممکن است از تمام روابط صمیمی کناره‌گیری کنید و به هیچ کس اجازه ندهید با شما صمیمی شود. اگر در دام «تله‌ی شکست» افتاده باشید ممکن است از پذیرش کار جدید، انجام تکالیف تحصیلی و ارتقای شغلی دوری کنید. اگر «تله‌ی وابستگی» دست و پای شما را بسته باشد از پذیرش هر شرایطی که شما را به سمت استقلال طلبی سوق می‌دهد اجتناب می‌کنید. زمانی که تله‌ی زندگی فعال شود، عواطف منفی مثل غم، شرمساری، اضطراب و خشم بر شما غلبه می‌کند. با پناه بردن به فرار، از درد ناشی از این هیجان‌ها می‌گریزید. از آنجا که رو به رو شدن با مشکلات، سخت شما را آشفته می‌کند بنابراین اصلاً دوست ندارید با واقعیت‌های تلخ و گزنده رو به رو شوید. گذر از کودکی و بالغ شدن، ترسناک و دردآور است؛ زخمی شدن دست و بال در مسیر، اجتناب ناپذیر است اما اگر پا به مرحله‌ی اول بگذارید، رشد سریع‌تر از آن چه فکرتان را بکنید اتفاق می‌افتد. مسیرهای زیادی وجود دارند که شما را به مقصد - تغییر و تحول - برسانند اما مهم‌ترین و درست‌ترین مسیر، خارج شدن از منطقه‌ی امن زندگی‌تان است؛ جایی که حسابی جا خوش کرده و به آن عادت کرده‌اید.

هستند اما تاکید بیشتر نگارنده روی مسائل در حوزه‌ی روان است. به ظاهر پشت سر گذاشتن یا به اصطلاح پشت گوش انداختن مسئله، به معنای حمل آن در عمیق‌ترین جای روان یا همان ناخودآگاه است. چرا که اگر مسائل را حل نکنیم، حمل می‌کنیم! اجتناب، راحت‌ترین و کم دردسرت‌ترین راه برخورد با مسئله است؛ راه آشنا و همواری که بدون نیاز به فکر، هزینه، زمان، انرژی، تماس و... می‌توان آن را پشت سر گذاشت.

زن و شوهری که پس از ازدواج، ارتباط درست، مذاکره، گفتگو، مدیریت خشم و چگونگی برخورد با احساسات گوناگون خود و طرف مقابل را نیاموخته‌اند، کودکانی در قالب بزرگسال هستند که می‌خواهند همان روش‌های امن قدیمی را که در خانه‌ی پدری رفتار می‌کردند یا با آنان رفتار می‌شد به کار بگیرند.

مردی که به جای حل کردن تعارضات خود با همسرش، قهر کرده، از خانه بیرون می‌رود و یا به مشروب پناه می‌برد، از روش فرار و ترس از مواجهه با مسئله استفاده می‌کند.

زنی که برای کاهش خشم ناشی از کشمکش‌های زناشویی، اوقات خود را در خرید کردن‌های بی‌مورد و یا پرسه زدن در شبکه‌های اجتماعی سپری می‌کند، مسئله‌های زیادی دارد اما ترجیح می‌دهد سراغ آن‌ها نرود و با آن‌ها رو به رو نشود.

خانواده‌هایی که دختر یا پسرشان در زندگی مشترک خود به مشکل برخورده‌اند و از روش‌های صحیح حل اختلاف چیزی نمی‌دانند، مشورت‌های ناکارآمد و غیر تخصصی به آنها داده، راه حل را در جدا زندگی کردن آن دو می‌دانند، از شیوه‌ی فرار یا

را خم نکرده و به وجود مشکلات اذعان نکردیم. وقتی دست به فرار می‌زنیم عملاً سر خودمان کلاه می‌گذاریم. اگر چه خواهان زندگی بی دردسر و راحت هستیم، عملاً شانس خود را برای تغییر مسائل رنج‌آور از دست داده‌ایم. در پیش گرفتن راه فرار به بهای از دست دادن زندگی هیجانی مان تمام می‌شود. احساس از زندگی مان رخت برخواهد بست. مثل موجودی متحرک راه می‌رویم بدون این که لذت و درد واقعی را تجربه کنیم. مهم‌ترین راه غلبه بر تله‌های زندگی، آگاه شدن به آن تله‌ها و آموختن مهارت‌هایی برای خشی کردن آنها در زندگی شخصی و روابط بین فردی است که این آگاهی و توانایی می‌تواند به کمک کلاس‌ها، کارگاه‌های آموزشی و گرفتن راهکارهای تخصصی میسر گردد.

کسانی هستند که فکر می‌کنند اگر در کلاس آموزشی مربوط به زندگی بهتر یا بهبود کیفیت ارتباط با همسر شرکت کنند یا از کمک حرفه‌ای متخصصین بهره بگیرند، دیگران پشت سرشان حرف زده، قضاوت‌شان می‌کنند. اینان هنوز به نقش آموزش و آگاهی در بهبود کیفیت روابط بین فردی پی نبرده، همچنان در تله ای از باورها و عقاید نسل‌های قدیمی گرفتارند. ضعف فرهنگی در چنین جامعه‌ای سبب می‌شود این افکار و نگرش‌های غیر سازنده شیوع پیدا کرده و به نسل کودک و نوجوان و نسل‌های بعدی ما نیز انتقال یابد.

تک‌تک مان مسئول تغییر و رشد خود و جامعه هستیم. ■

منبع

یانگ، جفری؛ کلوکو ژانت (۱۳۹۶). زندگی خود را دوباره بیافرینید. ترجمه‌ی دکتر حسن حمید پور؛ الناز پیرمرادی؛ ناهید گلی‌زاده. تهران: کتاب ارجمند.

تغییر، زمان می‌خواهد؛ انرژی می‌طلبد؛ هزینه بر می‌دارد. کودک نوپایی که می‌خواهد محیط را کشف و تجربه کند باید دامن مادر را ترک کند و روی پاهای خودش راه برود. دانش‌آموز کلاس اول که می‌خواهد خواندن و نوشتن بیاموزد، باید خانه و مادر خود را ترک کند و پا به مدرسه بگذارد. جوانی که خواهان مستقل شدن است باید خانگی پدری را رها کرده و به دنبال زندگی جدید برای خود باشد. راه استقلال و خودمختاری، ترک امنیت است.

اگر فکر می‌کنید تغییر باید به گونه‌ای باشد که در آن، آسیب نبینید سخت در اشتباهید. غیرممکن است وارد رابطه‌ای بشوید و بدون چالش باشد، غیرممکن است دود رابطه به چشمتان نرود؛ اما ماندن و تغییر نکردن، در انزوا بودن و رابطه برقرار نکردن، آسیب بیشتری دارد. افرادی که به جای آموختن چیزهای جدید، بر اطلاعات و دانش خود پافشاری می‌کنند، رشد که نمی‌کنند هیچ، بر توهمات خود اضافه می‌کنند. کسانی که به جای گفتگو و مذاکره با دیگری، حفظ موضع می‌کنند و در سایه راه می‌روند تا از تیر رابطه و چالش‌های آن مصون بمانند، به گفتگوهای ذهنی با خود می‌افزایند و «خود» را بزرگتر می‌کنند. این‌ها آسیب بیشتری می‌بینند. شکست خوردن در راه تغییر، بیش از شکست نخوردن در سکون، می‌تواند راه گشا و آموزنده باشد.

اما فرار همیشه راه حل خوبی نیست؛ مشکل فرار این است که هیچ گاه راز و رمز غلبه بر تله‌ی زندگی را نخواهیم آموخت. به دلیل این که با واقعیت رو به رو نمی‌شویم معنایش این نیست که واقعیت دست از سر ما بر می‌دارد. ما نمی‌توانیم مشکلات را تغییر بدهیم چون هیچ گاه گردن خود



انگور، میوه ی بهشتی

بر اساس مقاله ای از مگان ویر

مترجم: مزده یمینیان

کارشناس تغذیه

יום השישי، ויכלו השמים והארץ וכל צבאם....

چه آواز دلنشینی ...

دعایی که مرد خانواده، در مقدس‌ترین شب هفته در حالی که جامی از یابین (شراب انگور) در دست دارد، با صدای بلند می‌خواند و ما چه مشتاقانه با شنیدن این دعا و نوشیدن یک جرعه از یابین، به استقبال خون شبات می‌رویم و پروردگار را به خاطر نعمات بی‌شماری که در اختیارمان قرار داده، سپاس می‌گوییم.

در دین یهود نیز مانند ادیان دیگر، از انگور به عنوان میوه‌ای بهشتی یاد می‌شود و از آن به صورت میوه‌ی تازه، خشک شده (کشمش)، سرکه و شراب انگور (یابین) که از دید معنوی سمبل شغف و شادی می‌باشد، در مراسم مذهبی استفاده می‌شود و بر روی آن براخا (دعا) خوانده می‌شود.

جایگاه انگور در دین یهود به اندازه‌ای است که در یکی از جشن‌های مذهبی به نام ایلانوت^۱ یا جشن درختان که جشن بیداری دوباره‌ی طبیعت است، بر روی آن به همراه شش محصول دیگر^۲،

براخا (دعا) خوانده می‌شود و یهودیان با خواندن این دعاها، ضمن شکرگزاری از خداوند، خواستار پرثمرتر شدن درختان در سال آینده می‌شوند. همچنین در عید پسخ^۳ یا عید آزادی، کاهو را به سرکه آغشته کرده و قبل از مصرف، بر روی آن دعا می‌خوانند که کاهو سمبل تجدید حیات است و اشاره به زندگی دوباره‌ی بنی‌اسرائیل پس از آزادی از مصر دارد و سرکه نمادی از غم و اشک‌های بنی‌اسرائیل در دوران اسارت است.

انگور، میوه‌ای بسیار زیبا به رنگ‌های سبز، قرمز و سیاه که تاکستان‌ها را چون خوشه‌هایی از سنگ‌های زمرد و یاقوت مزین می‌کند. میوه‌ای که دیدن و شنیدن آن، احساس هر انسانی را نوازش می‌کند.

و اما این میوه‌ی بهشتی، از دیدگاه علم تغذیه چه تاثیری بر سلامتی انسان‌ها دارد؟

برای آشنایی با خواص انگور، ترجمه‌ی مقاله‌ی حقایق تغذیه‌ای انگور را به نویسندگی مگان ویر، تقدیم خوانندگان محترم می‌کنم که به بررسی خواص انگور پرداخته است.

^۱ - Ilanut

^۲ - شش محصول دیگر عبارتند از: گندم، جو، انجیر، انار، زیتون، خرما.

^۳ - Passover

در تحقیقاتی که بر روی حیوانات انجام شده، نشان داده شده که ماده‌ای به نام فلاونوئید^۷ کوئرستین^۸ که در انگور وجود دارد، ماده‌ای ضد التهاب می‌باشد و منجر به کاهش خطر اترواسکلروزیس^۹ یا تصلب شرائین می‌شود و بدن را در مقابل اکسیداسیون کلسترول ال دی ال یا همان کلسترول بد که منجر به بیماری‌های قلبی عروقی و سکته می‌شود، محافظت می‌کند.

کوئرستین می‌تواند اثرات ضد سرطانی نیز داشته باشد، به هر حال برای تایید این نتایج نیاز به تحقیق و مطالعات بیشتری روی انسان‌ها می‌باشد.

پلی‌فنل‌های زیادی که در انگور وجود دارند با جلوگیری از ساخت پلاک‌های اترواسکلروزی و همچنین کاهش فشارخون، همراه با واکنش‌های ضدالتهابی، منجر به کاهش خطر بیماری‌های قلبی، عروقی می‌شوند.

از جمله مهم‌ترین تغییرات رژیم غذایی انسان جهت کاهش خطر بیماری‌های قلبی، عروقی، افزایش پتاسیم مصرفی همراه با کاهش سدیم دریافتی می‌باشد و در این زمینه، مصرف انگور به دلیل پتاسیم بالایی که دارد، مفید می‌باشد.

در این رابطه تحقیقی صورت گرفته که نشان داده، افرادی که در روز ۴۰۶۹ میلی‌گرم پتاسیم دریافت کرده بودند، در مقایسه با افرادی که پتاسیم کمتر در حدود ۱۰۰۰ میلی‌گرم در روز، دریافت کرده بودند، با کاهش ۴۹ درصدی مرگ ناشی از

کشت انگور برای اولین بار در حدود هشت هزار سال پیش در آسیای میانه شروع شد و به علت تنوع، بافت، مزه و سبکی دانه‌ی انگور در سراسر دنیا به عنوان یک میوه‌ی محبوب شناخته شد.

فواید مصرف انگور، از انگور سبز، بنفش و قرمز گرفته تا انگور بی‌دانه، ژله‌ی انگور، شیره‌ی انگور، مربا و کشمش، بی‌شمار است، از جمله خواص آن می‌توان به پیشگیری از بیماری‌های قلبی، سرطان و فشار خون بالا اشاره کرد.

به طور کلی مصرف میوه‌جات و سبزیجات، باعث کاهش بسیاری از بیماری‌ها و مرگ و میر در رابطه با آنها می‌شود و در این میان، انگور حاوی ترکیبات خاصی می‌باشد که باعث شده به عنوان غذای برتر شناخته شود، گرچه برای رسیدن به این نتیجه به تحقیقات بیشتری نیاز است.

مصرف انگور منجر به کاهش خطر بیماری‌های زیر می‌شود:

۱- **سرطان:** انگور دارای آنتی‌اکسیدان‌هایی^۴ به نام‌های پلی‌فنل^۵ می‌باشد که ممکن است منجر به پیشگیری یا کاهش پیشروی سرطان‌هایی نظیر سرطان معده، شش، دهان، حلق، غشای داخلی رحم، پانکراس، پروستات و کولون بشود.

۲- **بیماری‌های قلبی:** در پوست انگور قرمز، ماده‌ای به نام رزوراترول^۶ کشف شده که در واقع نوعی پلی‌فنل می‌باشد و برای سلامت قلب مفید است.

۷- Flavonoid : واژه فلاونوئید به مفهوم وسیع، تمام رنگدانه‌های گیاهی را در بر می‌گیرد.

۸- Quercetin

۹- Atherosclerosis

۴- Antioxidant

۵- Polyphenol

۶- Resveratrol

کشمش، سیب یا گلابی، خطر پیدایش دیابت نوع دو را تا ۷ درصد، کاهش می‌دهد.

توضیح مترجم: البته در مورد افراد دیابتی، مصرف میوه‌ها مخصوصاً میوه‌هایی نظیر انگور و کشمش به دلیل قند بالایی که دارند باید زیر نظر متخصص تغذیه انجام شود.

۷- رتینوپاتی^۱ و نوروپاتی^{۱۱} دیابتی: تحقیقات اندکی این نوید را داده اند که رزوراترول موجود در انگور قرمز دارای اثر محافظتی در مقابل نوروپاتی دیابتی و رتینوپاتی (شرایطی که توسط بیماری دیابت کنترل نشده به وجود می‌آید و بینایی را به مخاطره می‌اندازد) می‌باشد.

تحقیقی روی موش‌های آزمایشگاهی که تحت درمان دو هفته‌ای با رزوراترول قرار گرفته بودند، نشان داده که رزوراترول می‌تواند، تغییرات سیستم عصبی و ضررهای ناشی از نورو پاتی را در افراد دیابتی کاهش دهد.

محققین همچنین دریافته‌اند که رزوراترول برای درمان بیماری آلزایمر، گرگرفتگی و تغییرات روحی، روانی همراه با یائسگی و کنترل قند خون، سودمند می‌باشد. اما به هر حال برای تأیید این یافته‌ها، نیاز به مطالعات و تحقیقات وسیع‌تری روی انسان‌ها است.

^۱ Retinopathy : به اختلالاتی که باعث آسیب به شبکه (رتین) چشم می‌شود، می‌گویند.

^{۱۱} Neuropathy : نورو به معنای نورو (عصب) و پاتی به معنای آسیب است. وقتی به دلایل گوناگون، رشته‌های عصبی بدن آسیب می‌بینند، این بیماری مشکلاتی برای فرد به وجود می‌آورد و گاهی او را از عرصه اجتماعی دور می‌کند.

ایست قلبی مواجه بودند. از جمله دیگر فواید افزایش پتاسیم دریافتی، کاهش خطر سکته، جلوگیری از کاهش توده ماهیچه‌ای، حفظ تراکم مواد معدنی استخوان‌ها و کاهش بیماری سنگ کلیه می‌باشد.

۳- افزایش فشارخون: همان‌طوری که گفته شد، دریافت پتاسیم از طریق رژیم غذایی، خواص زیادی برای بدن دارد و کاهش میزان پتاسیم دریافتی به مانند افزایش سدیم دریافتی، می‌تواند منجر به افزایش فشارخون شود و به همین دلیل، مصرف انگور به خاطر پتاسیم زیادی که دارد، به افرادی که فشارخون بالا دارند، توصیه می‌شود تا اثرات مضر سدیم بالا در بدن را خنثی نماید.

تحقیقات نشان داده که افزایش پتاسیم دریافتی منجر به ۲۰ درصد کاهش خطر مرگ ناشی از فشارخون بالا می‌شود.

۴- یبوست: مصرف انگور، نظیر هندوانه، طالبی و سایر میوه‌هایی که آب زیادی دارند، با آبرسانی به بدن به حرکات منظم روده کمک می‌کند و بدین طریق مانع از پیدایش یبوست می‌شود. انگور همچنین دارای فیبر زیادی می‌باشد که برای پیشگیری از یبوست ضروری است.

۵- آلرژی: به دلیل اثر ضد التهابی ماده کوئرستین موجود در انگور، مصرف آن در کاهش علائم آلرژی نظیر آب ریزش از بینی و چشم و کھیر موثر می‌باشد. البته برای اثبات این نظریه، هنوز تحقیقی روی انسان‌ها صورت نگرفته است.

۶- دیابت: تحقیقات نشان داده که مصرف سه سروینگ در هفته از میوه‌های بلو بری، انگور،

همچنین فلاونوئیدهای میریستین^{۱۵} و کوئرستین موجود در انگور، اثرات مخرب رادیکال‌های آزاد را که سرطان را می‌باشند، خنثی می‌کنند. در چه مواردی باید در مصرف انگور احتیاط کرد؟

*مصرف بتا بلوکرها^{۱۶}: بتابلوکرها نوعی از داروها هستند که معمولاً برای بیماران قلبی تجویز می‌شوند و باعث افزایش سطح پتاسیم خون می‌شوند، در صورت مصرف بتابلوکرها، باید در مصرف میوه‌هایی نظیر انگور که پتاسیم بالایی دارند، دقت شود.

توضیح مترجم: معمولاً هر ماده غذایی هر چقدر هم که سرشار از مواد مغذی باشد، باید در حد اعتدال مصرف شود و از افراط در مصرف هر گونه ماده غذایی باید خودداری کرد.

مصرف انگور هم در این زمینه، مستثنی نیست و مخصوصاً افرادی که دارای اضافه هستند و همچنین افراد دیابتی باید انگور را به میزان لازم دریافت کنند.

در نهایت، تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که مصرف منظم انگور، می‌تواند در کاهش دردهای ناشی از آرتروز زانو موثر واقع شود و منجر به بهبود انعطاف‌پذیری مفصل و به طور کلی بهبود وضعیت تحرکی شود، که محققین این فواید انگور را به پلی‌فنل‌های موجود در آن نسبت داده‌اند و همچنین مصرف انگور به دلیل رزوراترول موجود در آن، می‌تواند منجر به تقویت سیستم دفاعی بدن شود. ■

۸- آکنه: در این زمینه، تحقیقی نشان داده که مصرف ترکیبات مشتق از انگور قرمز و رزوراترول به همراه تجویز دارویی، می‌تواند در درمان آکنه موثر واقع شود.

ارزش غذایی انگور: به طور متوسط، یک سروینگ انگور، در حدود یک فنجان یا ۳۲ حبه‌ی انگور است، شما می‌توانید یک مشت خود را برای این مقدار انگور در نظر بگیرید.

یک فنجان انگور قرمز یا سبز شامل ۱۰۴ کالری، ۱/۰۹ گرم پروتئین، ۰/۲۴ گرم چربی، ۱/۴ گرم فیبر، ۴/۸ میلی‌گرم ویتامین ث، ۱۰ میکروگرم ویتامین آ، ۲۸۸ میلی‌گرم پتاسیم، ۰/۵۴ میلی‌گرم آهن و ۳ میکروگرم فولات، است.

انگور حاوی مقدار زیادی آب است و برای آب رسانی به بدن مفید می‌باشد، میوه‌جات و سبزیجاتی که آب زیادی دارند، بسیار مغذی می‌باشند و این به آن معنا است که با حداقل کالری که به بدن می‌رسانند، مقدار زیادی مواد مغذی در اختیار بدن قرار می‌دهند، هر فنجان انگور تقریباً ۷۰ میلی‌لیتر آب دارد.

انواع انگورها با وجود میزان زیاد آنتی‌اکسیدان‌هایی نظیر لوتئین^{۱۲} و زاکسانتین^{۱۳} برای سلامت چشم، مفید می‌باشند و انگور قرمز، شامل فیتوکمیکال^{۱۴} رزوراترول در پوستش می‌باشد که از بدن در مقابل چندین بیماری مزمن، محافظت می‌کند.

^{۱۲} - Lutein

^{۱۳} - Zeaxanthin

^{۱۴} - ضعف در عملکرد کلیه‌ها: در این صورت، دریافت زیاد پتاسیم، می‌تواند کشنده باشد. اگر کلیه‌ها قادر به دفع پتاسیم اضافی نباشند، باید در صورت مصرف انگور و میوه‌هایی نظیر آن که پتاسیم بالایی دارند، دقت شود.

^{۱۵} - Myricetin

^{۱۶} - Beta-blocker

حقوق زنان

امیرفراز نعیموت

کارشناس ارشد حقوق

سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

و اما اساسی‌ترین این اصول اصل بیست و یکم است که اشعار می‌دارد:

«دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

(۱) ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای مادی و معنوی او

(۲) حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست.

(۳) ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

(۴) ایجاد بیمه خاص بیوه‌گان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست.

(۵) اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی».

پس از پیروزی انقلاب اسلامی قوانین و مواد متعددی در حمایت از زنان و خانواده مصوب گشته است که در ذیل به اهم این موارد اشاره می‌گردد.

(۱) قانون عائله‌مندی که بر اساس آن زنان مطلقه یا بیوه و یا زنانی که همسر از کار افتاده دارند، حق عائله‌مندی دریافت می‌کنند. (قانون نظام هماهنگ پرداخت، مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳).

(۲) ممنوعیت ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور به زنان (قانون کار ماده ۷۵ مصوب ۱۳۶۹/۱۲/۲۹).

(۳) قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست (مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۴ و مرداد ۱۳۷۴).

با توجه به اهمیت زن در جامعه، همچنین ارزش والای مقام زن در آیین یهود که بارها بر آن تأکید گردیده است، بر آن شدیم مختصری از حقوقی که قوانین جمهوری اسلامی ایران به طور خاص برای زنان در نظر گرفته را بررسی کنیم. اولین و مهم‌ترین منبع شناخت حقوق رسمی و قانونی در کشور ما قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

در مقدمه قانون اساسی، قسمتی به عنوان زن در قانون اساسی تنظیم گردیده است. در این بخش استیفای حقوق زنان به دلیل ستم بیشتر در نظام طاغوت، با بازیابی هویت انسانی و اصلی بنیادهای اجتماعی، دارای اهمیت بیشتری شناخته شده است و ذکر شده که خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است، و زن از خدمت اشاعه مصرف زدگی، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد.

در بند ۱۴ از اصل سوم که اهداف جمهوری اسلامی را روشن می‌کند، چنین آمده است:

«تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن، مرد و...».

همچنین اصل بیستم قانون اساسی به برابری حقوق زنان با مردان در جامعه اشاره می‌کند:

«همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی،

ماده ۸۳: حق زنان است که از فرصت‌های شغلی مناسب و حقوق و مزایای برابر با مردان در قبال کار برابر، برخوردار شوند.

ماده ۹۰: حق زنان است که از تغذیه سالم در دوران بارداری، زایمان سالم، مراقبت‌های بهداشتی پس از زایمان، مرخصی زایمان و درمان بیماری‌های شایع زنان بهره‌مند شوند.

همچنین در راستای تنویر هرچه بیشتر حقوق زنان، شورای عالی انقلاب فرهنگی به پیشنهاد شورای فرهنگی و اجتماعی زنان در تاریخ ۱۳۸۳/۶/۳۱ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی را به تصویب رساند. در بخش‌های مختلف این قانون به حقوق و مسئولیت‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان رسیدگی می‌شود.

از دیگر قوانین حامی حقوق زنان می‌توان به ۱۱ قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴ و قانون خدمت نیمه وقت بانوان مصوب ۱۳۶۲/۹/۱۰ اشاره نمود.

بدیهی است شناخت کامل حقوق زنان در جامعه هرگز به موارد فوق ختم نمی‌شود و برای شناخت این حقوق نیاز به مطالعه بیشتر قوانین و منابع معرفی است.

لازم به ذکر است پاره‌ای از موارد قانونی در حقوق ایران موجود است که در موضوعاتی همچون ازدواج، طلاق، نسبت و سایر مواردی که تحت عنوان احوال شخصیه شناخته می‌شود در مورد بانوان کلیمی اعتبار ندارند، با توجه به اینکه احوال شخصیه یهودیان طبق قانون ایران نسبت به قوانین شریعت حضرت موسی (ع) رسیدگی می‌شود. ■

منبع

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. منشور حقوق شهروندی

۴) ممنوعیت کار شب برای زنان (قانون کار، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹).

۵) ممنوعیت کار زنان باردار از ۶ هفته قبل از زایمان تا ۴ هفته بعد از آن (قانون کار، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹).

۶) پیش بینی جمعاً ۹ روز مرخصی با حقوق برای دوران بارداری و زایمان زنان (قانون کار، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹).

۷) پرداخت دستمزد مساوی برای زنان و مردان در صورت انجام کار مساوی در شرایط مساوی (قانون کار، ماده ۳۸، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹).

* حق حضانت و نگهداری اطفال برای مادر تا سن هفت سالگی (ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی اصلاح سال ۱۳۸۲)

* حق استقلال زن در تصرف دارایی‌های مالی (ماده ۱۱۸ قانون مدنی)

* حق برخورداری از نفقه برای زوجه (ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی).

* در صورت وجود چند فرد واجب‌النفقه، نفقه زوجه بر سایرین مقدم است (ماده ۱۲۰۳ قانون مدنی).

در منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ که یکی از منابع شناخت حقوق انسانی در کشور ما به شمار می‌رود نیز در مواردی به حقوق اختصاصی زنان اشاره شده، از جمله:

ماده ۳: حق زنان است که از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب و آموزش و مشاوره‌های مناسب برای تأمین سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در مراحل مختلف زندگی، بخصوص دوران بارداری، زایمان، پس از زایمان و در شرایط بیماری، فقر یا معلولیت، برخوردار باشند.

ماده ۱۱: زنان حق دارند در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت اجرا و نظارت، مشارکت فعال و تأثیرگذار داشته و بر اساس موازین اسلامی از فرصت‌های اجتماعی برابر برخوردار باشند.

دو اجرای شورانگیز از گروه موسیقی سنتی ترنم



مهندس فریدون طوبی

مدیر مرکز موسیقی انجمن کلیمیان تهران

گروه موسیقی سنتی انجمن کلیمیان تهران، ترنم، در تابستان امسال دو اجرای شورانگیز و بسیار موفقیت‌آمیز در فرهنگ‌سراهای ارسباران و پارک شفق تهران داشت.

در برنامه اول که در فرهنگ‌سرای ارسباران

که در خدمت همه هم‌میهنان و بدون توجه به دین و مذهب آنان است سخنرانی کردند. رئیس انجمن کلیمیان اجرای این برنامه هنری را با همکاری بنیاد شروین روبین‌زاده یک خدمت بشردوستانه به هم‌میهنان دانست و اظهار امیدواری کرد که همواره و به طور متقابل این روش انسان‌دوستانه و تبادل فرهنگی و خدمت به یکدیگر بین اکثریت و اقلیت ملت ایران برقرار باشد.

هنرمندانی که برنامه را به صورت داوطلبانه و خیریه اجرا کردند:

خواننده: سپهر سلیمانی

تار: پدram یاشارئل

آکاردئون: پرهام یاشارئل

سنتور: سهیل رفوا

پیانو: سینا رفوا

ویولن: نوید سرافراز

دف و تنبک: سپهر عزیزی

رهبر و تنظیم‌کننده قطعات: حمید آقائی ■

و در ۲۸ مرداد ماه بود، اجرای این گروه از هنرمندان یهودی بسیار مورد توجه و تشویق شدید هم‌میهنان قرار گرفت، به طوری که مسئولین این فرهنگ‌سرا درخواست دوباره اجرای این گروه را در آینده خواستار شدند.

برنامه دوم که به همت بنیاد شروین روبین‌زاده، به صورت خیریه و جهت تهیه لوازم جهت دانش‌آموزان نیازمند بود در تاریخ ۹ شهریور ماه در فرهنگ‌سرای پارک شفق و باز در حضور هم‌میهنان، همکیشان و ریاست محترم انجمن کلیمیان برگزار گردید و هنرمندان عزیز ما ۱۰ قطعه شورانگیز اجرا نمودند که باز هم بسیار مورد تحسین و تشویق همگان قرار گرفتند که با وجود کمبود وقت همگان اجرای مجدد را نیز خواستار شدند. در برنامه این شب رئیس انجمن کلیمیان و مسئولین بنیاد نیکوکاری شروین روبین‌زاده در رابطه با هنر موسیقی در میان ایرانیان یهودی و کارهای خیریه این بنیاد

اخبار

مهندس امید محبتی مقدم مدیر روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران

برگزاری مراسم دید و بازدید موعدها پسح



به همت کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران، مراسم دید و بازدید موعدها پسح روز پنجشنبه ۲۴ فروردین ماه در تالار خراسانیها ۱۳۹۶ برگزار گردید.

در این مراسم به غیر از اقشار مختلف همکیشان، تعدادی از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران از جمله دکتر رامین لاله

پور، فرید یاشار، مهندس امید محبتی مقدم و برخی از چهره‌های شاخص جامعه از جمله هارون یشایایی حضور داشتند. دکتر رامین لاله پور (مسئول کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران) و مهندس امید محبتی مقدم (مدیر روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران و عضو کمیته فرهنگی) در این مراسم به ایراد سخنرانی پرداختند.

شرکت دانش آموز فرهیخته کلیمی در نمایشگاه دستاوردهای علمی فرزندانگان

درلی دل رحیم، دانش آموز مقطع دهم دبیرستان، در هشتمین نمایشگاه دستاوردهای علمی فرزندانگان ۳، وابسته به مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان و دانش‌پژوهان جوان شرکت کرد. «پوشش جادویی پیش‌گیری کننده از واریس» با چندین قابلیت جدید و ابداعی، عنوان دستاورد این دانش‌پژوه فرهیخته کلیمی بود که با کسب مجوزهای لازم برای ارائه و حضور در نمایشگاه پژوهشی، توانست مورد توجه بازدیدکنندگان قرار گیرد. این نمایشگاه در چندین حوزه و محور از جمله پژوهش شیمی، بیوتکنولوژی، رباتیک، مکانیک، هوافضا، کامپیوتر، زیست‌شناسی و ... برگزار شد. شایان ذکر است مهندس محبتی مقدم، روز ۲۴ فروردین، با حضور در محل نمایشگاه، از حاصل تلاش و همت این دانش‌آموز فرهیخته بازدید نموده و با توضیحات ارائه شده در جریان ساخت این دستاورد علمی قرار گرفت.

شرکت نمایندگان جامعه کلیمیان در مراسم ترحیم آیت الله سید حسن صالحی

به دنبال درگذشت مرحوم آیت الله سید حسن صالحی، ابوی دکتر عباس صالحی (معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، نمایندگان جامعه کلیمیان ۳۰ فروردین ماه در مراسم ختمی که به همین

مناسبت برگزار شده بود، شرکت کردند.

در مراسم ترحیم مرحوم آیت‌الله صالحی که با حضور جمعی از شخصیت‌های لشکری، کشوری، شاعران، پژوهشگران، نویسندگان و مدیران فرهنگی در مسجد نور تهران برگزار شد، دکتر سیامک مره صدق (نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی)، دکتر همایون سامه‌یح (رییس انجمن کلیمیان تهران) و دکتر سلیمان کهن صدق (نایب رییس اول انجمن کلیمیان تهران)، به عنوان نمایندگان جامعه کلیمیان حضور داشتند.

جامعه کلیمیان ایران درگذشت این مجتهد اسلامی را تسلیت عرض می‌کند.

استقبال گسترده از دومین نمایشگاه صنایع دستی هنرمندان کلیمی شیراز و اولین جشنواره شیرینی‌های خانگی مخصوص موعِد پَسح



دومین نمایشگاه آثار هنری و صنایع دستی هنرمندان جامعه کلیمیان شیراز و اولین جشنواره شیرینی‌های خانگی مخصوص موعِد (عید) پَسح، به همت خانه جوانان یهود شیراز ۲۴ فروردین ماه در مجتمع وحدت برگزار شد.

در این نمایشگاه که با استقبال گسترده هنردوستان و

با حضور چهره‌هایی همچون مهدی فقیه و سیاوش صفرآبادی همراه بود، آثاری از هنرمندان کلیمی شیراز و اصفهان در قالب معرق، کولاژ، فیروزه کاری و نقاشی (گچ پاستل، رنگ روغن، مداد رنگی) در معرض دید علاقمندان قرار گرفت.

یوسف بصلی و سهیل آداسا از اعضای هیات مدیره خانه جوانان یهود شیراز در این نمایشگاه به ایراد سخنرانی پرداختند. یوسف بصلی با بیان اینکه هنر زبان مشترک ادیان ابراهیمی است اظهار امیدواری کرد این نمایشگاه سال آینده در ابعادی بزرگ‌تر و با مشارکت ادیان دیگر برگزار شود. وی نامگذاری این نمایشگاه به نام شادروان پیام لاله‌زاری را ادای دین کوچکی نسبت به آن مرحوم دانست.

برگزاری هفته مشاغل در مجتمع آموزشی روحی شاد

همزمان با هفته معرفی مشاغل در مدارس، یک دندانپزشک و یک استاد دانشگاه در مجتمع آموزشی روحی شاد حضور یافتند.

به دعوت مدیریت و انجمن اولیا و مربیان مجتمع آموزشی روحی شاد، دکتر رامین خالدار (دندانپزشک بیمارستان دکتر سپهر) و مهندس امید محبتی مقدم (عضو هیات علمی دانشگاه) هفتم اردیبهشت ماه، طی جلسات جداگانه ای که با دانش آموزان مقطع متوسطه داشتند به ایراد سخنرانی در خصوص ارزش و اعتبار مشاغل گوناگون و اهمیت ادامه تحصیل و کسب علم پرداختند. در این دیدار، دانش آموزان نیز با شنیدن توصیه‌ها و رهنمودهای بیان شده، در فضایی صمیمی به بیان نقطه نظرات خویش درباره مسائل مورد بحث پرداختند. هفته معرفی مشاغل که هر ساله در هفته اول اردیبهشت ماه در مدارس برگزار می‌شود، فرصتی است تا دانش آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی با موارد گوناگونی از جمله مشاغل گوناگون جامعه، مسائل مربوط به ادامه تحصیل و انتخاب رشته آشنا شوند.

ملاقات نمایندگان جامعه کلیمیان با فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ

نمایندگان جامعه کلیمی روز ۱۲ اردیبهشت ماه، با سردار ساجدی‌نیا، فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ دیدار و گفتگو کردند.

نمایندگان جامعه کلیمی در این جلسه از درایت فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ و تلاش و کوشش قابل تحسین پرسنل نیروی انتظامی در خصوص دستگیری سارقان کنیسه‌ها، تامین امنیت جامعه و اماکن متعلق به کلیمیان، تشکر و قدردانی نمودند. عودت کامل اموال به سرقت رفته به کنیسه‌ها نیز درخواست نمایندگان جامعه کلیمی بود که سردار ساجدی‌نیا از پیگیری‌های عاجل نیروی انتظامی تهران بزرگ در این خصوص خبر داد. حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار (رهبر دینی کلیمیان ایران)، دکتر سیامک مره صدق، دکتر همایون سامه‌یح و دکتر سلیمان کهن صدق، نمایندگان جامعه کلیمی در این دیدار بودند. شایان ذکر است این نشست با حضور سعید تقوی، مدیر کل اداره اقلیت‌های مذهبی وزارت ارشاد برگزار شد.

مراسم بزرگداشت هفته معلم در مجتمع آموزشی روحی شاد

به مناسبت هفته معلم و پاسداشت زحمات مروجان علم و فرهنگ، مراسمی با حضور دکتر همایون سامه‌یح، مدیر، دبیران، اعضای انجمن اولیا و مربیان و اولیای دانش‌آموزان مجتمع آموزشی روحی شاد ۱۸ اردیبهشت در محل مجتمع، برگزار شد.

قدردانی از آموزگاران مجتمع و معرفی معلمین نمونه، اهدای لوح یادبود به خیرین، اهدای جوایز به دانش‌آموزان فعال در برگزاری مراسم تفیلائی (نماز) صبح و ظهر و هنرنمایی تعدادی از دانش‌آموزان، از جمله قسمت‌های مختلف این مراسم بود.

الهام سبطی (رییس سابق انجمن اولیا و مربیان مجتمع)، رامین سخایی (عضو کمیته ورزش و همکار کمیته فرهنگی)، مهدی مهدوی (بازیکن تیم ملی والیبال ایران) و حمید رضا بادینلو (مدیر سابق مجتمع)، از دیگر افراد حاضر در مراسم بزرگداشت هفته معلم در مجتمع آموزشی روحی شاد بودند.

نشست هم‌اندیشی بررسی آیین‌ها و جشن‌های اقوام ایران زمین

به دعوت مرکز فرهنگی - هنری پارپیرار، «نشست هم‌اندیشی بررسی آیین‌ها و جشن‌های اقوام ایران زمین» در اردیبهشت ماه در سالن کنفرانس مجموعه کاخ گلستان برگزار شد. در این نشست امید شایان مهر (عضو کمیته فرهنگی و ورزش انجمن کلیمیان)، شهرام فروزان‌فر و نورا موریم (از فعالین اجتماعی) حضور داشتند.

مرکز فرهنگی - هنری پارپیرار یکی از پرکارترین مراکز فرهنگی سال‌های اخیر در برنامه‌های فرهنگی، به ویژه برگزاری جشنواره‌های گوناگون پیرامون اقوام ایران می‌باشد.

شرکت نمایندگان جامعه کلیمیان در سیزدهمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت

سیزدهمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت با موضوع «عصر ظهور از دیدگاه ادیان ابراهیمی» و به میزبانی موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)، روزهای ۲۱ و ۲۲ اردیبهشت ماه در مدرسه عالی امام موسی کاظم (ع) در قم برگزار گردید.

در این همایش، آیت‌الله جوادی آملی (از مراجع تقلید)، حجت‌الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی (مدیریت مجموعه موسسات آل‌البیت و نماینده تام‌الاختیار آیت‌الله سید علی سیستانی در جمهوری اسلامی ایران)، تنی چند از دیگر روحانیون برجسته اسلامی و سایر ادیان توحیدی، مقامات کشوری و لشکری و همچنین تعدادی از اندیشمندان و مهمانان خارجی حضور داشتند.

از طرف جامعه کلیمیان ایران، حاخام دکتر یونس حمامی لاله زار و مهندس محبتی مقدم در این همایش شرکت داشتند.

حاخام حمامی لاله‌زار و مهندس محبتی با حضور در یکی از کمیسیون‌های تخصصی همایش، به طور جداگانه به ایراد سخنرانی و توضیح مقاله خویش پرداخته و در انتها، پاسخگوی سوالات مطرح شده توسط حضار، حول محور مطالب ارائه شده بودند.

دیدار رییس و مسئول کمیته املاک انجمن کلیمیان تهران از مجتمع آموزشی اتفاق

دکتر همایون سامه‌یج به همراه مهندس دانیال مرادی (مسئول کمیته املاک) در اردیبهشت ماه از مدرسه اتفاق دیدار کردند. در این دیدار که با حضور مدیر و مسئولین مجتمع برگزار شد، مسائل مربوط به امور مختلف مدرسه از جمله ساختمان، سرایداری و تجهیز کلاس‌ها مورد بررسی قرار گرفت. رییس انجمن کلیمیان تهران در این ملاقات روز معلم را به مسئولین و دبیران مدرسه تبریک گفت و از زحمات آنان تشکر نمود.

پیام تبریک رییس انجمن کلیمیان تهران در خصوص حماسه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶

Comité Central
de la
COMMUNAUTE JUIVE DE TEHRAN
Teleg: Anjoman Kalimian
le:

ב'ה'
בשם خدا
ועד הקהילה היהודי טהראן
TEHRAN
Central Jewish Committee

انجمن کلیمیان تهران
شماره ثبت ۶
عنوان تلگرافی: انجمن کلیمیان

تاریخ: ۱۳۹۶/۰۲/۳۱
شماره: ۲۳۳۳۹

به نام خدا

حضور محترم دکتر حسن روحانی، رئیس جمهور منتخب و مقتدر کشورمان

با سلام و درود فراوان

پیشانی بندگی بر آستان حضرت دوست می‌ساییم و او را شکر می‌گوییم که بار دیگر، ایران را در جهان به سربلندی و سرافرازی نائل کرد.

ملت فرهیخته ایران ۲۹ اردیبهشت را یک روز به یاد ماندنی در تاریخ کشور رقم زد. حضور پر شور ملت برای شرکت در انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری نقطه عطفی برای نمایش اقتدار جمهوری اسلامی ایران بود. حضور چشمگیر کلیمیان ایران هم‌دوش با دیگر هموطنان خود در صفوف رأی‌نشان داد که آنها نیز همیشه و در همه حال حامی جمهوری اسلامی ایران هستند و بر تأثیرشان در سرنوشت و آینده ایران اعتقاد راسخ دارند.

اینجانب از طرف هیئت مدیره انجمن کلیمیان و جامعه کلیمیان ایران، پیروزی بزرگ و قاطع جنابعالی در انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری را به مردم شریف ایران، رهبر معظم انقلاب و جنابعالی تبریک عرض می‌کنم.

کلیمیان ایران ضمن قدردانی خالصانه و خالصانه از شما، امید دارند که کمافی گذشته، نگاه مثبت و فرهنگی و همکاری و مساعدت‌های جنابعالی در مورد جامعه کلیمیان ایران تداوم یابد.

با احترام

رئیس انجمن کلیمیان تهران
دکتر همایون سامه‌یج

Add: #223, 3rd Floor, Sheykh-Hadi St., Jomhoori Ave., 1139733317,
Tehran - Iran
Tel: (+98 21) 66702556-66707612-66716430 Fax: (+98 21) 66716429
Email: iranjewish@iranjewish.com WWW.IRANJEWISH.COM

نشانی: خیابان جمهوری اسلامی - خیابان شیخ هادی - شماره
۲۲۳ - طبقه سوم - کنپستی ۱۱۳۹۷۳۳۳۱۷
شماره: تلفن: ۶۶۷۱۶۴۳۰ - ۶۶۷۰۷۶۱۲ - ۶۶۷۰۲۵۵۶
۶۶۷۱۶۴۲۹

دیدار نمایندگان جامعه کلیمیان با فرزند یادگار امام



روز دوم خرداد ماه نمایندگان جامعه کلیمیان همراه با دیگر نمایندگان ادیان توحیدی، با حجت الاسلام سید حسن خمینی دیدار کردند.

جمعی از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران به همراه ابراهیم سعیدیان (رییس کانون فرهنگی، هنری اجتماعی کلیمیان و شاعر نامدار جامعه کلیمی) و مهندس فریدون طویی (عضو هیات مدیره بیمارستان سپهر و مسئول مرکز موسیقی) در این دیدار حضور داشتند.

خاطر نشان می‌سازد در این مراسم ابراهیم سعیدیان بخشی از اشعار خود را قرائت نمود که مورد توجه حضار قرار گرفت.

نثار تاج گل و ادای احترام به مقام شامخ امام راحل توسط نمایندگان جامعه کلیمیان



در آستانه بیست و هشتمین سالگرد ارتحال بنیان گذار فقید جمهوری اسلامی ایران، حاخام دکتر یونس حمای لاله‌زار، دکتر همایون سامه‌یح و بیژن آصف با حضور در مرقد مطهر امام راحل و نثار تاج گل، با آرمان‌های معمار کبیر انقلاب اسلامی تجدید میثاق نمودند.

در این مراسم که در دوم خرداد ماه برگزار گردید، حاخام حمای لاله‌زار به نمایندگی از طرف جامعه

کلیمیان تهران، ضمن سخنرانی، مراسم دعا و نیایش را برگزار نمودند. شایان ذکر است جمعی از همکیشان نیز، همزمان با مراسم نثار تاج گل در مرقد مطهر امام حضور داشته و به مقام شامخ امام راحل، ادای احترام نمودند.

مراسم بزرگداشت بیست و هشتمین سالگرد ارتحال امام (ره)

به مناسبت بزرگداشت بیست و هشتمین سالگرد ارتحال امام، چهارم خرداد ماه مراسم دعا و نیایش مطابق روال هرساله با حضور جمعی از کلیمیان و مسؤولین کمیته اقلیت‌های دینی ستاد بزرگداشت ارتحال

امام خمینی(ره) در کنیسای یوسف آباد تهران برگزار شد.

حاجام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، دکتر سیامک مره‌صدق، جمعی از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران و ابراهیم سعیدیان (شاعر کلیمی) به همراه جمعی از همکیشان گران‌قدر در این مراسم حضور داشتند. از طرف جامعه کلیمیان، حاجام حمامی لاله‌زار، دکتر سیامک مره‌صدق، دکتر کهن‌صدق و مهندس محبتی‌مقدم در این مراسم به ایراد سخنرانی درباره شخصیت والای حضرت امام پرداختند. ضمن آنکه قرائت شعر در وصف امام راحل توسط ابراهیم سعیدیان و اجرای دکلمه توسط یونجود گیدانیان (هنرمند نوجوان کلیمی) بخش‌های دیگر از این مراسم را به خود اختصاص داد.

شرکت نمایندگان جامعه کلیمیان در مراسم بیست و هشتمین سالگرد ارتحال حضرت امام (ره)

نمایندگان جامعه کلیمیان روز ۱۴ خرداد ماه، دوشادوش دیگر هموطنان در مراسم بیست و هشتمین سالگرد بزرگداشت امام خمینی (ره) که در حرم مطهر بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی برگزار شد، شرکت نموده و با آرمان‌های ایشان تجدید میثاق نمودند. حاجام حمامی لاله‌زار، دکتر همایون سامه‌یح، و بیژن آصف، از طرف جامعه کلیمیان ایران در این مراسم حضور داشتند.

دیدار نمایندگان انجمن کلیمیان تهران با شهردار ناحیه ۶ منطقه ۶ شهرداری تهران

دکتر همایون سامه‌یح و مهندس دانیال مرادی (مسئول کمیته املاک) اول خرداد با شهردار ناحیه ۶ منطقه ۶ و معاون شهرسازی وی دیدار کردند. هدف از این دیدار رفع برخی موانع اجرایی پروژه بزرگ والفجر و مساعدت مقامات شهرداری جهت پیشرفت هر چه سریع‌تر پروسه اجرایی این پروژه بود.

دیدار جامعه کلیمیان با حجت الاسلام دکتر علی یونسی،

دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور اقوام و اقلیت‌های مذهبی



به مناسبت انتخاب مجدد دکتر روحانی رئیس‌جمهور و تشکر از تلاش‌های دولت در ارتقای مسائل مربوط به اقلیت‌های مذهبی از جمله جامعه کلیمیان، جمعی از افراد جامعه کلیمی روز هفتم خرداد ماه با حجت الاسلام دکتر علی یونسی، دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور اقوام و اقلیت‌های مذهبی و معاون وی، دکتر

سعید زارع، دیدار و گفتگو کردند.

حاجام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، دکتر سیامک مره‌صدق، دکتر همایون سامه‌یح، جمعی از اعضای هیات مدیره و بازرس انجمن کلیمیان تهران، جمعی از اعضای کمیته‌های انجمن، مهندس فریدون طوبی (عضو هیات مدیره بیمارستان سپیر و مسئول مرکز موسیقی)، منوچهر سرافراز (رییس سرای سالمندان یهودی)، ابراهیم سعیدیان و جمعی از اعضای انجمن بانوان کلیمی به همراه تعداد دیگری از نماینده‌های سازمان های جوانان و فعالین اجتماعی همکیش در این دیدار که در فضایی دوستانه و صمیمی برگزار شد، حضور داشتند.

جشن پایان دوره مهدکودک یلدای ۱

جشن پایان دوره نونهالان مهدکودک یلدای ۱، با حضور هیات مدیره سازمان بانوان، مسئولین مهد، کودکان و اولیای آنها روز ۸ خرداد در محل مهد برگزار شد. دکتر همایون سامه‌یح و بهادر میکائیل (نماینده کمیته فرهنگی) نیز در این برنامه حضور داشتند.

جلسه مشترک نمایندگان کمیته فرهنگی با دبیران و

مسئولین دبستان حضرت موسی بن عمران

روز ۲۵ خرداد نمایندگان کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران، جلسه مشترکی را با دبیران و مسئولین دبستان حضرت موسی بن عمران در محل مدرسه برگزار کردند. در این جلسه، برخی مسائل مدرسه مورد بررسی قرار گرفته و بر رعایت مهم‌ترین ملاک‌های مربوط به یک محیط آموزشی که مورد نظر کمیته فرهنگی می‌باشد، تاکید شد. علاوه بر این، معلمین و مسئولین مدرسه، به ذکر دیدگاه‌های خود در امور مرتبط پرداختند. دکتر رامین لاله‌پور، مهندس امید محبتی‌مقدم به همراه مدیر، معاونت، کلیه دبیران پایه اول تا ششم و نمایندگان معلمین عبری و انجمن اولیا و مربیان، در این دیدار حضور داشتند.



حضور کلیمیان در راهپیمایی روز جهانی قدس



جامعه کلیمیان ایران همچون سالیان گذشته، در راهپیمایی روز جهانی قدس شرکت نمودند.

جمعی از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران (دکتر همایون سامه‌یح، دکتر رامین لاله‌پور، بیژن (یهودا) آصف، مهندس امید محبتی مقدم)، هیات مدیره کانون فرهنگی- هنری و اجتماعی کلیمیان، اعضای کمیته‌های انجمن کلیمیان،

پرسنل انجمن و فعالین اجتماعی، در این راه پیمایی حضور داشتند.

در حاشیه این راهپیمایی، دکتر همایون سامه‌یح، به نمایندگی از جامعه کلیمیان با رسانه‌های خبری گفتگو کرد.

جشن پایان دوره نونهالان مهد کودک یلدا ۲ (فاطمی)

جشن پایان دوره نونهالان مهدکودک یلدا ۲، با حضور برخی از اعضای هیات‌مدیره سازمان بانوان، فعالین اجتماعی، مسئولین مهد، کودکان و اولیای آنها روز ۱ تیر در محل ساختمان سرابندی برگزار شد. قرائت تورات، اجرای سرودهای مذهبی و فرهنگی و اجرای نمایش، از جمله آیتم‌های مختلفی بود که در این جشن انجام شد و مورد استقبال حضار قرار گرفت.



برگزاری مسابقات فوتبال

به همت کمیته ورزش انجمن کلیمیان تهران، روز چهارشنبه ۱۴ تیرماه، دو مسابقه فوتبال در زمین چمن مصنوعی مجموعه شهید شیروودی، مابین منتخب دانش‌آموزان مدارس روحی‌شاد و موسی بن‌عمران و همچنین بین نوجوانان گیبور کلیمیان و نوجوانان امیدهای ایران برگزار شد. این دو مسابقه مورد استقبال ورزش دوستان جامعه قرار گرفت. به غیر از مسئول کمیته و اعضای کمیته ورزش، تعدادی از اعضای هیات مدیره و بازرسی انجمن کلیمیان تهران به همراه برخی از مدیران و معاونان مدارس در این مسابقه حضور داشتند.



دیدار با رییس کلانتری ۱۴۸ انقلاب اسلامی



رییس انجمن کلیمیان تهران به همراه مدیر و معاون مجتمع آموزشی موسی بن‌عمران، ۲۱ تیرماه با حضور در کلانتری ۱۴۸ انقلاب اسلامی تهران، با سرهنگ کیقباد امیری راد (رییس کلانتری) و سرهنگ قاسمی (معاون تجسس کلانتری)، دیدار و گفتگو کردند.

دکتر همایون سامه‌یچ، روزبه مختاری و مهندس روبرت خالدار در این جلسه، از زحمات بی‌شائبه و گران‌قدر مدیریت و پرسنل زحمت‌کش کلانتری ۱۴۸ و برادران نیروی انتظامی در برقراری امنیت منطقه و به طور خاص، اماکن خاص کلیمیان، تشکر و قدردانی نمودند.

شرکت نمایندگان جامعه کلیمی در مراسم تودیع و معارفه مدیر آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران

روز ۲۷ تیرماه نمایندگان جامعه کلیمی در مراسم تودیع زهرا پروازی مقدم و معارفه جواد نظریان، مدیر جدید آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران شرکت کردند.

از طرف جامعه کلیمیان، دکتر همایون سامه‌یچ به همراه مدیر و رئیس انجمن اولیا و مربیان مجتمع آموزشی اتفاق، در این مراسم حضور داشتند.

در این مراسم، رئیس انجمن از طرف جامعه کلیمیان، با اهدای هدیه و لوح تقدیر، از زحمات و همیاری‌های زهرا پروازی مقدم (مدیر سابق آموزش و پرورش منطقه ۶) تشکر و قدردانی به عمل آورد.

ابراز تسلیت در خصوص درگذشت همسر بزرگوار و فداکار

شادروان جناب حاخام یوسف حییم همدانی کهن (۱۳۲۰ ل)

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با اندوه فراوان و با کمال تأسف، درگذشت همسر بزرگوار و فداکار شادروان جناب حاخام یوسف حییم همدانی کهن (۱۳۲۰ ل)، رهبر فقید سابق جامعه کلیمیان ایران را خدمت خانواده محترم ایشان و کل جامعه کلیمیان ایران تسلیت گفته و برای نشاما و روح آن مرحوم از قادر مطلق، علو درجات را خواستار است.

در سوگ از دست دادن این بانوی صدیق و فداکار، از قادر مطلق صبری عظیم درخواست نموده و برای خانواده محترم ایشان و کل جامعه کلیمیان ایران، صبر جمیل آرزو مندیم.

روحشان شاد و یادشان گرامی.

רוח ה" תניחנה בגן עדן

תנו-לה מפרי ידיה ויהללה בשערים מעשיה:

بازدید جمعی از همکیشان از گورستان کلیمیان گیلیارد

روز اول مرداد ماه جمعی از همکیشان با همیاری کمیته بهشتیه انجمن کلیمیان تهران، از قبرستان کلیمیان در منطقه گیلیارد بازدید کردند.

علاوه بر جمعی از افراد جامعه، دکتر همایون سامه‌یچ، هارون یشایایی، بهداد میکائیل، جمعی از اعضای کمیته بهشتیه و فرهنگی و همچنین اعضای هیات امنای ستاد خیریه کوروش در این دیدار حضور داشتند.

شریفی، رییس سازمان میراث فرهنگی دماوند نیز با حضور در گورستان گیلیارد، بر اختصاص داشتن این قبرستان به کلیمیان تاکید کرد و از پیگرد قانونی متجاوزین به این قبرستان خبر داد. در ادامه این بازدید، از زحمات مسئولین سازمان میراث فرهنگی برای حفظ یکپارچگی این قبرستان کلیمیان، تقدیر به عمل آمد.

نکته قابل توجه این که کلیه هزینه‌های این بازدید، بر عهده گروه یاران و جمعی از خیرین جامعه بوده است.

شایان ذکر است قبرستان گیلیارد، یکی از گورستان‌های قدیمی جامعه کلیمیان می‌باشد به طوری که نزدیکان و خویشاوندان تعداد بسیاری از افراد جامعه کلیمی در آن محل مدفون شده‌اند. کمیته بهشتیه انجمن کلیمیان همواره توجه خاصی به گورستان مبذول داشته و اخیراً نیز فعالیت‌های خود را برای بهبود هر چه بیشتر شرایط آن، شدت بخشیده است. این گورستان، اخیراً در سازمان میراث فرهنگی به ثبت رسید.



دیدار با رییس آموزش و پرورش منطقه ۶

جمعی از نمایندگان جامعه کلیمیان ۹ مرداد با حضور در اداره آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران، با دکتر جواد نظریان، رییس این اداره، دیدار و گفتگو کردند.

از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران، دکتر همایون سامه‌یح و مهندس امید محبتی مقدم، به همراه مدیر مجتمع آموزشی موسی بن عمران (روزبه مختاری) و معاون مجتمع (مهندس روبرت خالدار) در این جلسه حضور داشتند.

رایزنی و تبادل نظر پیرامون مسائل مختلف مربوط به آن دسته از مدارس مربوط به کلیمیان که در منطقه ۶ آموزش و پرورش تهران بزرگ قرار گرفته‌اند، موضوع محوری این دیدار را تشکیل می‌داد. لازم به ذکر است این دیدار، با حضور دکتر نامدار عبدالهیان (مشاور وزیر و رییس سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور) و اصفهانی (معاون مالی اداره منطقه ۶) برگزار گردید.



شرکت در مراسم بزرگداشت شهید محسن حججی

به دعوت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دکتر همایون سامه‌یح و مهندس امید محبتی مقدم روز ۲۶ مرداد ماه با حضور در حسینیه الزهرا پادگان ولی عصر، در مراسم بزرگداشت شهید محسن حججی شرکت کردند.

در این مراسم، چهره های برتر لشکری و کشوری از جمله سرلشکر قاسم سلیمانی (فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی)، سرلشکر جعفری (فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)، حجت‌الاسلام محمدی گلپایگانی (رئیس دفتر مقام معظم رهبری)، حجت‌الاسلام سید مصطفی حسینی خامنه‌ای (فرزند مقام معظم رهبری) و سردار اشتری (فرمانده کل نیروی انتظامی)، به همراه جمعیت قابل توجهی از سرداران سپاه و امیران ارتش حضور داشتند.

رییس و مدیر روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با دیدار با سرداران سپاه و پدر آن شهید بزرگوار، شهادت این فرزند برومند میهن را تسلیت گفتند.



FARS Mohsen Ataei



برگزاری انتخابات انجمن کلیمیان کرمانشاه

انتخابات انجمن کلیمیان کرمانشاه، روز ۲۷ مرداد ماه در کنیسیای اتحاد کرمانشاه برگزار شد. این انتخابات با نظارت اعضای هیات ریسه (متشکل از هوشنگ یوسفی، یوسف عزتی و هوشمند محمودی)، با تعداد رای کل ۱۵۷ رای انجام و از مجموع ۱۴ نفر کاندیدا، ۱۰ نفر به عنوان اعضای اصلی و ۲ نفر به عنوان اعضای علی‌البدل برگزیده شدند.

رای‌های اخذ شده برای برگزیدگان این انتخابات به این شرح است:

جهان بخش قهرمانی (۸۴)، بهمن محمودی (۸۳)، خلیل یزدان فر (۷۸)، میترا واحدی (۷۶)، فردین یوسفی (۶۹)، جمشید قهرمانی (۵۵)، هوشمند قهرمانی (۵۵)، نیسان امجدیان (۵۱)، سام جانی (۴۷)، شارون امجدیان (۴۶)، رحمان امجدیان (۴۵) و صالح امجدیان (۴۳)، بودند (ارقام داخل پرانتز، معرف تعداد را نشان می‌دهد).

از تهران نیز، دکتر سیامک مره‌صدق، دکتر همایون سامه‌یح و مهندس امید ماخانی (بازرس انجمن) با حضور در کنیسیای اتحاد، از نزدیک شاهد روند برگزاری انتخابات بودند.



برگزاری مسابقه والیبال بین تیم گیبور کلیمیان و هموطنان زرتشتی

به همت کمیته ورزش انجمن کلیمیان تهران، روز ۵ شهریور ماه، مسابقه والیبال بین تیم گیبور کلیمیان و هموطنان زرتشتی در مجموعه شهید گلاب برگزار شد. لازم به ذکر است بنا بر درخواست مسئولین سالن، این مسابقه با تعداد تماشاگر محدود که خانواده‌های بازیکنان را تشکیل می‌دادند، برگزار شد. در این مسابقه، تیم گیبور کلیمیان موفق شد با نتیجه ۳ بر صفر به برتری برسد.



ابراز تسلیت در خصوص درگذشت شادروان ژاله مطیعی (همسر دکتر جهانبخش قهرمانی)

انجمن کلیمیان تهران با کمال تأسف درگذشت ژاله مطیعی، همسر رئیس انجمن کلیمیان کرمانشاه (دکتر جهانبخش قهرمانی) را خدمت خانواده محترم ایشان و جامعه کلیمیان کرمانشاه تسلیت گفته و برای آن مرحومه از قادر مطلق علو درجات را خواستار است. ■



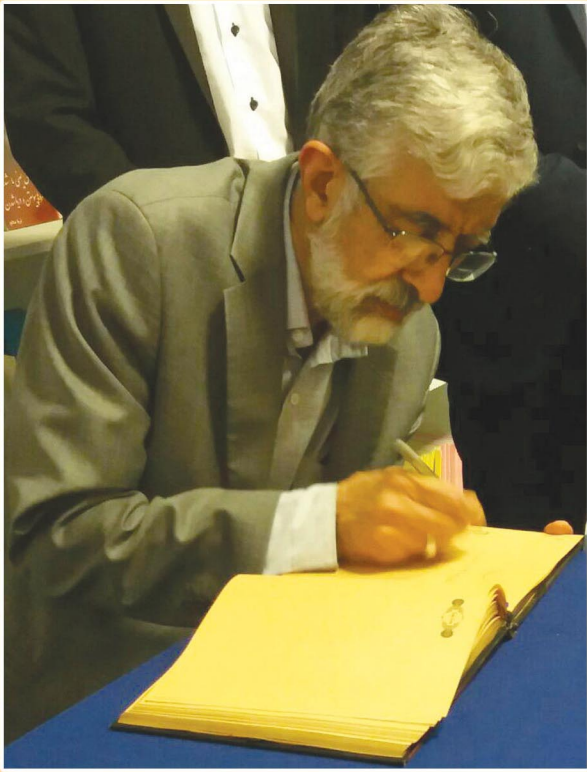
نثار تاج گل و ادای احترام به مقام شامخ امام راحل توسط نمایندگان جامعه کلیمی، خرداد ۹۶



غرفه انجمن کلیمیان در نمایشگاه بین المللی کتاب شهر آفتاب، اردیبهشت ۹۶

OFEGH BINA

Cultural, Social and News Magazine of
TEHRAN JEWISH COMMITTEE
VOL.19, No45, Sep 2017



بازدید شخصیت‌های سیاسی، علمی و ادبی از
غرفه‌ی انجمن کلیمیان تهران در نمایشگاه
بین‌المللی کتاب، شهر آفتاب، اردیبهشت ۹۶